

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



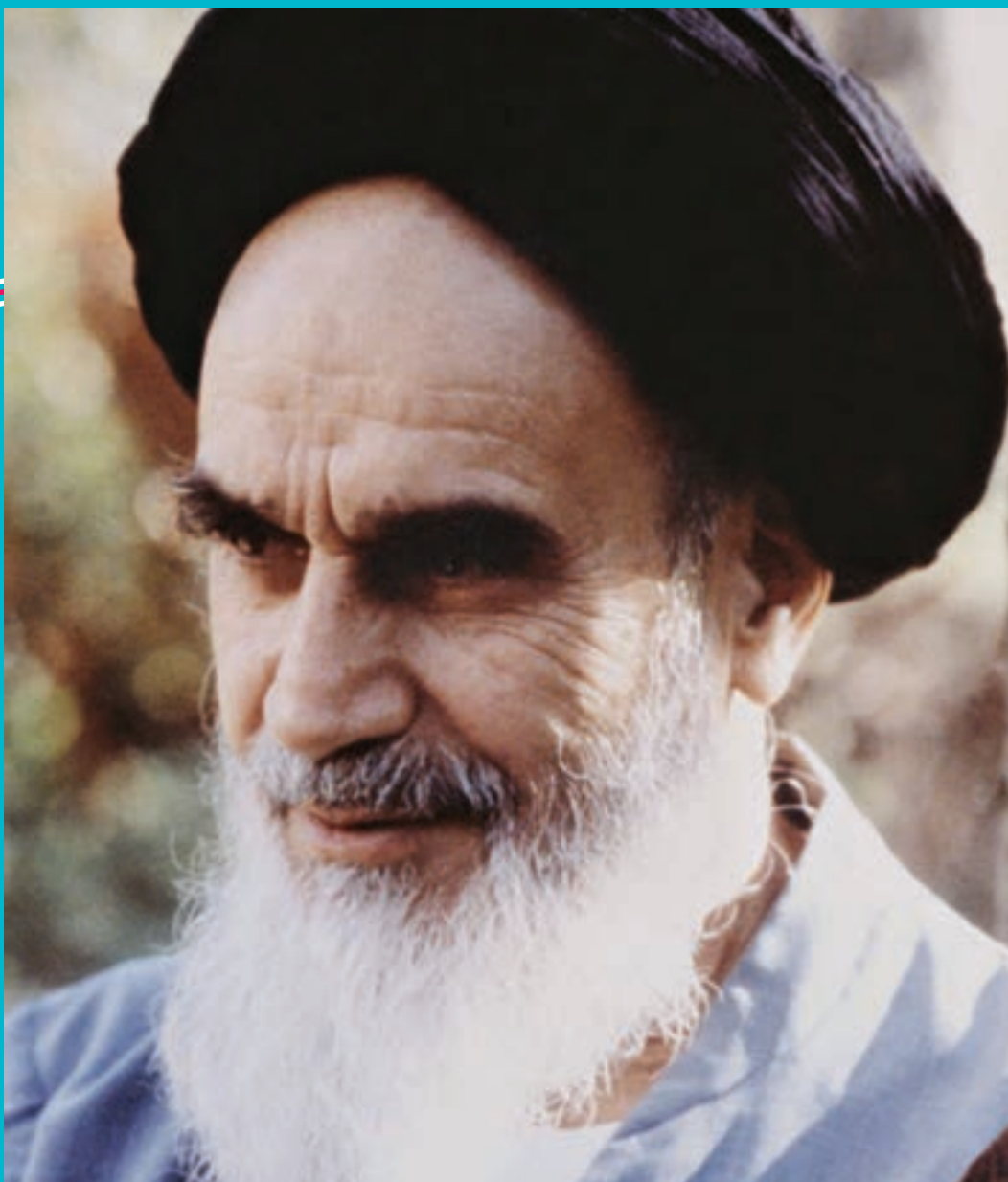
فهارست اساتید معارف ابتدایی

درب‌نامه‌های درسی
دوره ابتدایی

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



▲ امام خمینی (ره):

شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جدا است؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام و تردید نیست که این يك تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند متّان بر این ملت مظلوم غارت‌زده عنایت شده است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۱)



▲ مقام معظم رهبری :

«وقتی انقلاب را مثل یک کتاب باز کنید، در درون آن، فصول و سطور معرفت وجود دارد: معرفت دینی، معرفت سیاسی و معرفت اخلاقی. همه‌ی این‌ها در ذیل کلمه‌ی انقلاب وجود دارد. در عرصه سیاسی، انقلاب تازه‌ترین و جذاب‌ترین سخن را نه فقط برای ملت ایران که برای بشریت دارد. بعضی خیال می‌کنند اصطلاحات و تعبیرات معرفتی فراهم‌آمده در اردوگاه به اصطلاح لیبرال دمکراسی غرب که وارد کشور می‌شود، سوغات‌های جدید و حرف‌های تازه‌ای است که انقلاب آن‌ها را نشنیده است و حالا باید انقلاب و انقلابیون این حرف‌ها را بشنوند؛ این خطاست. انقلاب در خلأ متولد نشد. انقلاب اسلامی و این کتاب قطور معرفتی، وقتی تدوین شد که همه این حرف‌ها در دنیا بود؛ هم حرف و هم تجسم و عینیتش وجود داشت.

(بیانات رهبر معظم انقلاب- ۲۴ شهریور ۸۱)

برنامه‌های درسی مجموعه طرح‌هایی هستند که همراه و همگام با سایر پیشگامان مسیر صیانت از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران تهیه می‌شوند و برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم در سراسر کشور توزیع می‌گردند. سخن از برنامه درسی کارآمد و موثر تعهدآور است و انجام تعهدات دینی، علمی و عقلی به کارشناسان متعهد، مدیران با صلاحیت و پیگیری‌های بسیار جدی نیاز دارد. سپاس خدای را که در طول زمان، افراد شایسته‌ای در بخش‌های مختلف سازمان تربیت شده‌اند که اکنون نیاز به نیروی انسانی مؤثر را تأمین می‌نمایند. حقیقتاً مسئولیت سنگینی برعهده ماست و راه درازی در انجام مأموریت‌های تعلیمی و تربیتی پیش‌رو داریم. تربیت از جمله موضوعاتی است که پیش از آنچه که در عمل نمود رفتاری درحد وسیع پیدا کند عمدتاً زینت سخنرانی‌ها و نوشته‌هاست. همین کاستی باعث شده همیشه تشنه تربیت همه‌جانبه در نظام تعلیم و تربیت خود باشیم و دانش‌آموزان را در تراز انقلاب اسلامی پرورش دهیم. به دانش‌آموزانی نیاز داریم که در پرتو نظام تربیتی کارآمد و همه‌جانب نگر به‌تدریج به ویژگی‌های شخصیتی یک فرد متفکر، عالم، شجاع، با اعتمادبه نفس بالا و مؤمن مزین شوند و افتخارات فرهنگی، تربیتی، نظام تربیتی جمهوری اسلامی را به نمایش بگذارند.

یکی از ابعاد تعلیمی و تربیتی در شرایط فعلی آموزش معارف انقلاب اسلامی به دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی است. این وجه از تربیت به قدری بااهمیت است که چنانچه در سایر ابعاد توفیقاتی به دست آید ولی وجه معارف انقلاب اسلامی به نحو مطلوب موردتوجه قرار نگیرد، اطمینان لازم در صیانت از ارزش‌های پایدار نظام به دست نخواهد آمد. یکی از ابعاد معارف انقلاب آگاهی از ماهیت و سرشت انقلاب اسلامی است. هریک از انقلاب‌های مهم دنیا ماهیتی دارند ولی ماهیت انقلاب اسلامی ویژگی‌های منحصر به فرد دارد. انقلابی که بعد ماورایی دارد و با دلالت‌های یک رهبر بی‌بدیل و با مکتب نجات‌بخش اسلام پدید آمد. این سرشت الهی و نجات‌دهنده باید به دانش‌آموزان تفهیم شود.

وجه دیگر معارف، معرّفی و تقدیر از شهدای عزیزی است که در این مکتب تربیت شدند و در موقعیت‌های مختلف از کیان نظام اسلامی دفاع نمودند. شهیدانی که گروه‌های سنی مختلف را دربرمی‌گیرد و نشانگر آن است که ارزش‌های انقلاب اسلامی در جان همه گروه‌ها درونی شده است.

دشمن‌شناسی و معرّفی دشمنان ذاتی انقلاب اسلامی ایران و استکبار جهانی به دانش‌آموزان و آگاه‌سازی آنان نسبت به ترفندهای بیرحمانه دشمن در ضربه‌زدن به نظام و کشور، بُعد دیگر معارف انقلاب اسلامی است. نسلی که وقایع انقلاب را ندیده‌اند و در معرض تبلیغات مسموم دشمن هستند به فهم درست مخاصمات علیه کشورمان نیاز دارند.

معرّفی پیشرفت‌ها و خدمات انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف زندگی وجه دیگر آموزش معارف انقلاب اسلامی است. انصافاً با همهٔ صعوبت‌ها و سختی‌هایی که توسط دشمنان پیش روی انقلاب و انقلابیون پدید آمد خدمات زیادی انجام پذیرفته است. پیشرفت‌های علمی، تحقیقاتی در عرصه‌های مختلف مخصوصاً در عرصه هسته‌ای و دفاعی آن چنان قدرتی به نظام داد که دشمنان همیشگی و متحد نتوانستند به‌طور مستقیم و رو در رو؛ جبهه انقلاب و مقاومت ظاهر شوند و به ترورهای ناجوانمردانه از جمله به شهادت رساندن سردار دل‌ها شهید حاج‌قاسم سلیمانی روی آوردند. این شهادت‌ها و این مقاومت‌ها و در عین حال این خدمات شایسته برای تقویت بنیان‌های کشور به دانش‌آموزان باید معرفی شوند.

آن‌چه که پیش رو دارید مجموعه‌ای از معارف انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی است. متون آموزشی و تصاویر و عکس‌های مرتبط با موضوع عیناً از صفحات کتاب‌ها انتخاب و در یک مجموعه واحد تدوین یافته است. بی‌تردید اهمیت موضوع اقتضا دارد که در این خصوص کما و کیفاً گام‌های مؤثرتری برداشته شود لیکن فعلاً در مرحله نخست این مجموعه منسجم تقدیم می‌شود.



معارف اسلامی

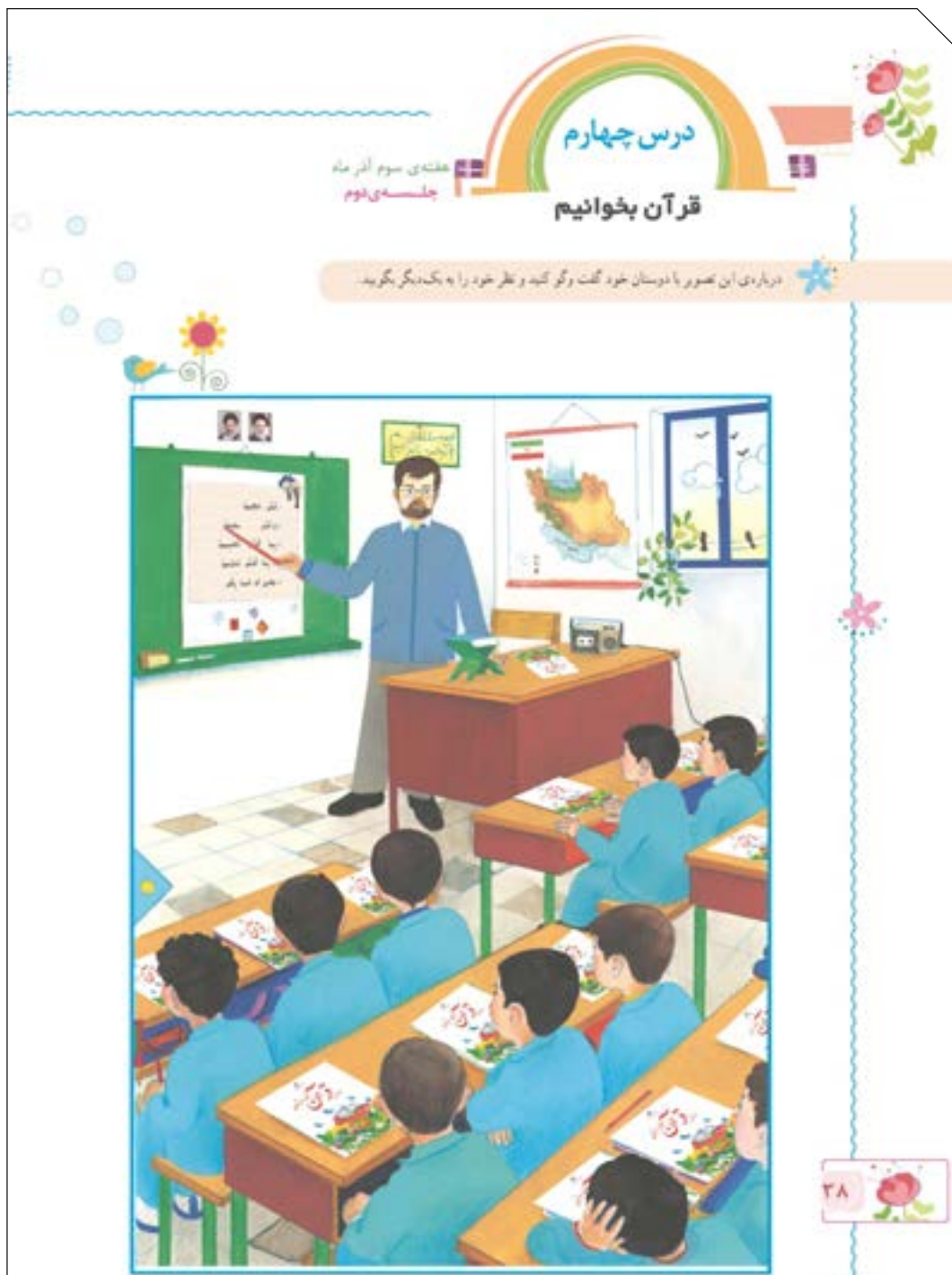
در برنامه های درسی
دوره ابتدایی



امید من به شما دبستانی‌هاست.
امام خمینی (قُدَس سِرُّهُ)

عنوان درس:

شماره صفحه: ۳ عنوان



عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۸

پیام قرآنی

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

خدا ستمگران را دوست ندارد.

سوردهی آل عمران، آیهی ۵۷



لَا يُحِبُّ : دوست ندارد

ظَالِمِينَ : ظالمان، ستمگران

مُفْسِدِينَ : بدکاران

این پیام قرآنی را در آیات درس پیدا کنید و آن آیه را با صدای بلند بخوانید.

این عبارت قرآنی را معنا کنید.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

قطعاً را.

۷۷

عنوان درس:

شماره صفحه: ۷۷

عنوان درس:

شماره صفحه: پشت جلد

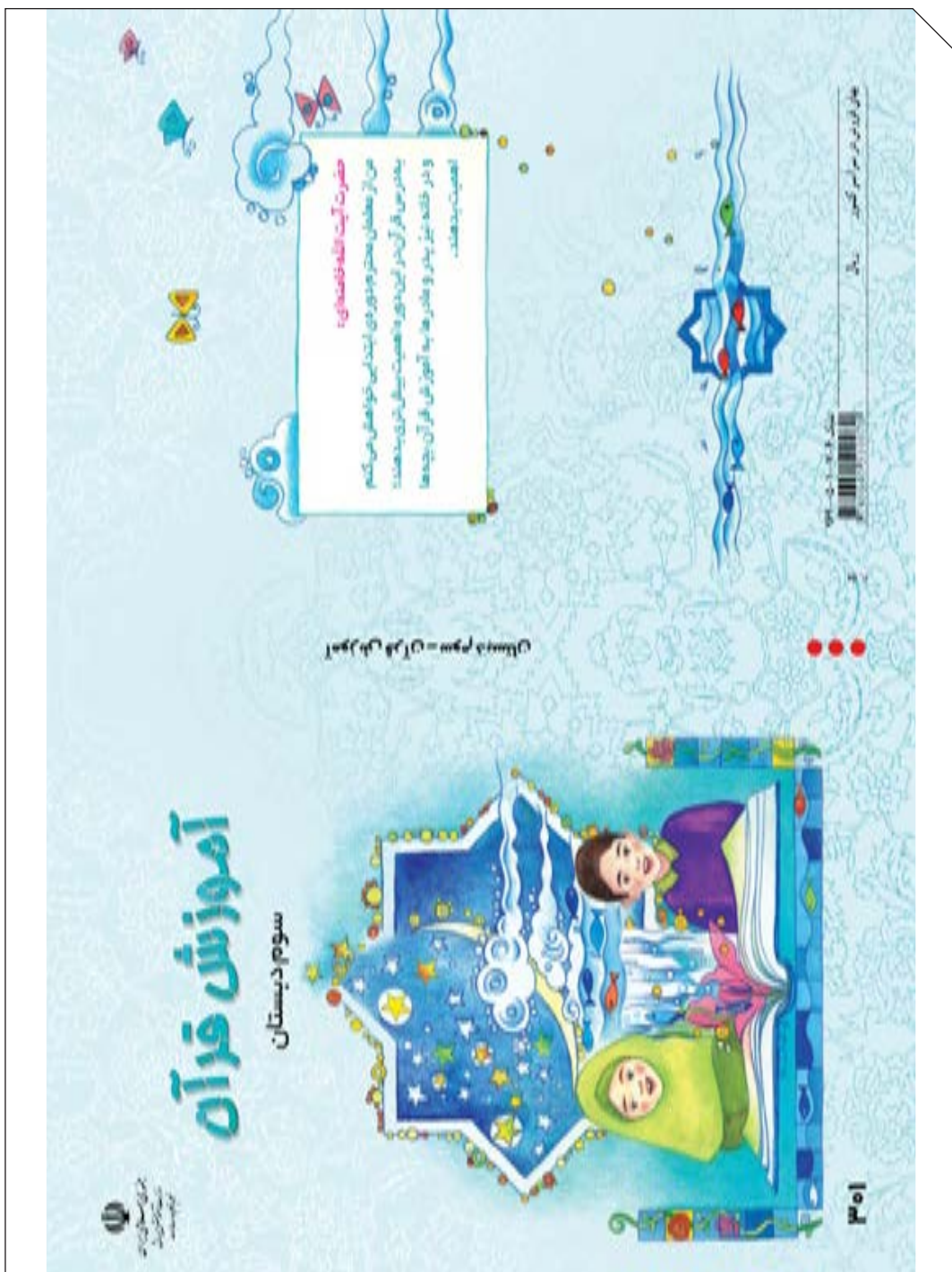
سال انتشار: ۱۳۹۹

پایه: سوم

دوره: ابتدایی

کد: ۳۰۱

عنوان: آموزش قرآن







تمرین اول

با دقت در ترجمه‌ی آیات صفحه‌ی قبل، معنای صحیح را علامت بزنید.

۱- عِنْدَ :	☐ نزد	☐ بزرگ
۲- عَظِيمٌ :	☐ نزد	☐ بزرگ
۳- تَقَبَّلَ :	☐ قبول کن	☐ قبول کرد

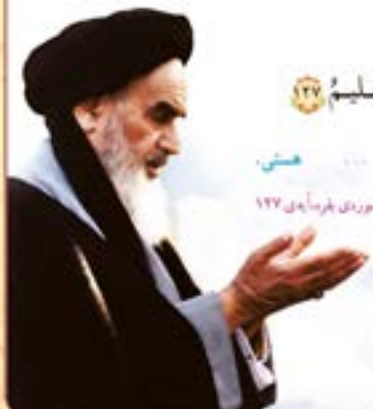
تمرین دوم

این دو عبارت قرآنی را بخوانید و ترجمه‌ی آن‌ها را کامل کنید.

سورۃ لقمان، آیه ۱۵

۱- وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۱۵﴾

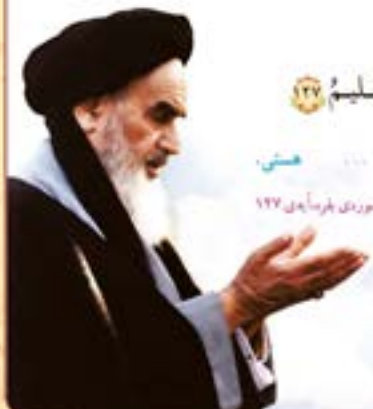
و ... او ... است.



سورۃ یونس، آیه ۱۲۷

۲- رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾

پروردگارا ... از ما، قطعاً تو ... هستی.



سورۃ یونس، آیه ۱۲۷

۳۸

عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۸

جلسه‌ی دوم



تمرین اول • قرائت آیات درس را از کتاب گویا گوش کنید و با نشان دادن خط، همراه با کتاب گویا بخوانید. دقت کنید در هنگام وقف، حرکات شبیه و شبیه در آخر کلمات خوانده نمی‌شود.

تمرین دوم • این عبارات قرآنی را بخوانید، در آخر هر سطر وقف کنید و به ترجمه‌ی آن‌ها توجه نمایید.

۱- قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ
پگو او (خدا) بخشنده است.

۲- هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
او کسی است که آفرید برای شما همه‌ی آنچه در زمین است.

۳- وَنَسَخَرْ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
و در خدمت شما قرار داد شب و روز و خورشید و ماه را

۴- إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ
هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که من آفریننده‌ی بشری هستم از گِل



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۱

معارف اسلامی



جلسه ی دوم

تمرین اول • قرائت آیات درس را از کتاب گویا گوش کنید و با نشان دادن خط، همراه با کتاب گویا بخوانید. دقت کنید در هنگام وقف، حرکات آخر هر ویم (واو و الف کوچک) خوانده نمی شود.

تمرین دوم • این عبارات قرآنی را بخوانید، در آخر هر سطر وقف کنید و به ترجمه ی آن ها توجه نمایید.

۱- وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ

صح ۷۸ و تلاش و جهاد کنید در راه خدا آن چنان که شایسته ی تلاش و جهاد در راه خداست.

۲- قَالِ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ

أعراف ۵۹ گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را، نیست برای شما هیچ خدایی جز او.

۳- لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ

روم ۹۵ تا پاداش دهد به کسانی که ایمان آوردند و کارهای خوب انجام دادند، از لطف و رحمتش



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۱۹

عنوان درس:

شماره صفحه: پشت جلد



سال انتشار: ۱۳۹۹

پایه: پنجم

دوره: ابتدایی

کد: ۵۰۱

عنوان: آموزش قرآن



با توجه به این دو تصویر درباره‌ی باری رساندن خداوند به رزمندگان اسلام، گفت و گو کنید.



آزاد سازی خرمشهر

فعالیت: این پیام قرآنی را در آیات درس پیدا کنید و شماره‌ی آیه‌ی آن را در جای خالی پیام قرآنی بنویسید.





خواندن
از روی قرآن کامل

جلسه ی چهارم



با راهنمایی آموزگار خود پس از آوردن قرآن کریم
از دفتر مدرسه، آن را به صورت تصادفی باز کنید
و از روی آن بخوانید.



پیک نیکه
از هزاران

حتی یک وجب خاک

النس با قرآن در صحنه
شهید فلاح حسن ناز، نصاب: استان خوزستان، شهر ملاثانی، ماز فلاح

صدام با تحریک و حمایت دشمنان انقلاب اسلامی با همه ی قوای خود در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد.
این جنگ تحمیلی هشت سال به طول انجامید. در این مدت، رزمندگان جان برکف ایران بیش از ۱۰۰ عملیات بزرگ را علیه
دشمن متجاوز، برنامه ریزی و اجرا کردند. در چند سده ی اخیر، این تنها جنگی بود که دشمن نتوانست حتی یک وجب از
خاک ایران عزیزمان را به جنگ آورد.

در حماسه ی دفاع مقدس، نام عملیات زیر، برگرفته از آیات قرآن با نام برخی از سوره های قرآن کریم بود.

ردیف	نام عملیات	تاریخ	توضیحات
۱	تفیر (۷ تا ۱۱)	دی ۵۹ تا مرداد ۶۶	۷ عملیات به نام سوره ی تفیر
۲	فتح (۹ تا ۱۱)	خرداد ۶۰ تا مرداد ۶۶	۹ عملیات به نام سوره ی فتح
۳	لا اله الا الله، محمد رسول الله	آذر ۶۰	اندای آیه ی ۲۹ سوره ی فتح
۴	منطق النحر	آذر ۶۰	از آیه ی آخر سوره ی نحر
۵	فتح السین	تیر ۶۱	آخر آیه ی ۱ سوره ی فتح
۶	والفجر (۱۰ تا ۱۶)	فروردین ۶۲ تا اسفند ۶۶	۱۰ عملیات به نام سوره ی فجر
۷	رمضان	تیر ۶۱	اندای آیه ی ۱۸۵ سوره ی بقره
۸	بیت	اسفند ۶۳	از آیه ی ۱۲۲ سوره ی آل عمران
۹	انصار	مهر ۶۵	از آیه ی ۱۹ سوره ی حشر
۱۰	برصه	مرداد ۶۶	از آیه ی ۱۴ سوره ی فجر

در ادامه ی آیات درس، از آیه ی ۱۶ تا ۲۳ سوره ی فتح را از روی
قرآنی که در خانه دارید، بخوان.



جلسه چهارم



انسان با قرآن کریم در استان فارس، شهرستان داراب

حراست
از روی قرآن کاتب

با راهنمایی آموزگار خود پس از آوردن قرآن کریم از دفتر مدرسه، آن را به صورت تصادفی باز کنید و از روی آن بخوانید.

یک نکته

از قرآن

مؤمنان برادرند



جمع نماز و ادای و وحدت مسلمانان جهان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ

مؤمنان برادران یکدیگرند

سوره ی حجرات، آیه ۱۰

امیر المؤمنین امام علی علیه السلام:

با همه ی مردم مهربان باش.

زیرا آنها با برادران دینی تو هستند، با انسان هایی هستند که در آفرینش با تو یکسان اند.^۱

صفحه ی اول و دوم سوره ی حجرات را از روی قرآنی که در خانه دارید، بخوان.



۱- کتاب نهج البلاغه، عهدنامه ی امام علی علیه السلام به منگد امیر (کتاب ۱، ص ۱۲۴)

۲۲

عنوان درس:

شماره صفحه: ۲۲



به کمک تصویر با دوستان خود درباره‌ی این پیام قرآنی گفت‌وگو کنید.



ابوعلی سینا (فیلسوف و پزشک)



خواجہ نصرالدین طوسی (ریاضی‌دان، منجم، دانشمند و سیاستمدار برجسته)



جواهر میرزا (پدر علم تسمی)



ابوعلی سینا (فیلسوف و پزشک)



طاهره صفارزاده (مترجم قرآن به زبان فارسی و انگلیسی)



شهید مصطفی احمدی روشن (دانشمند انرژی هسته‌ای)

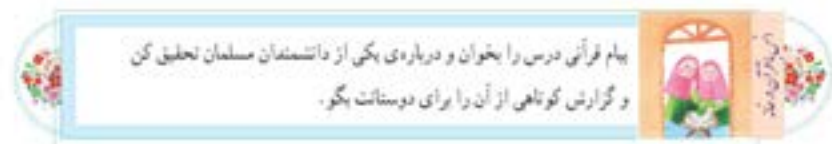


پرفسور سید محمود حسینی (پدر علم حرکت ایران)



حکیم ابوالقاسم فردوسی (شاعر نامدار)

فعالیت: این پیام قرآنی را در قرآن کریم پیدا کنید و آن را یک بار دیگر بخوانید.



جلسه چهارم

ختم شدن
از روی قرآن کامل

با راهنمایی آموزگار خود پس از آوردن قرآن کریم
از دفتر مدرسه، آن را به صورت تصادفی باز کنید
و از روی آن بخوانید.

امس با قرآن کریم در مطلق صلهای مسجد

حزب الله پیروز است.

یک نکته از
قرآن

أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

بدانید قطعاً حزب الله پیروز و رستگار است.

أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

بدانید قطعاً حزب شیطان، شکست خورده و زیان کار
است.

سوره مجادله، آیه ۶۹ و ۷۲

روز عاشورا

آیه ۶۰ تا ۶۹ سوره حشر را از روی قرآن، بخوان.

۸۵

عنوان درس:

شماره صفحه: پشت جلد



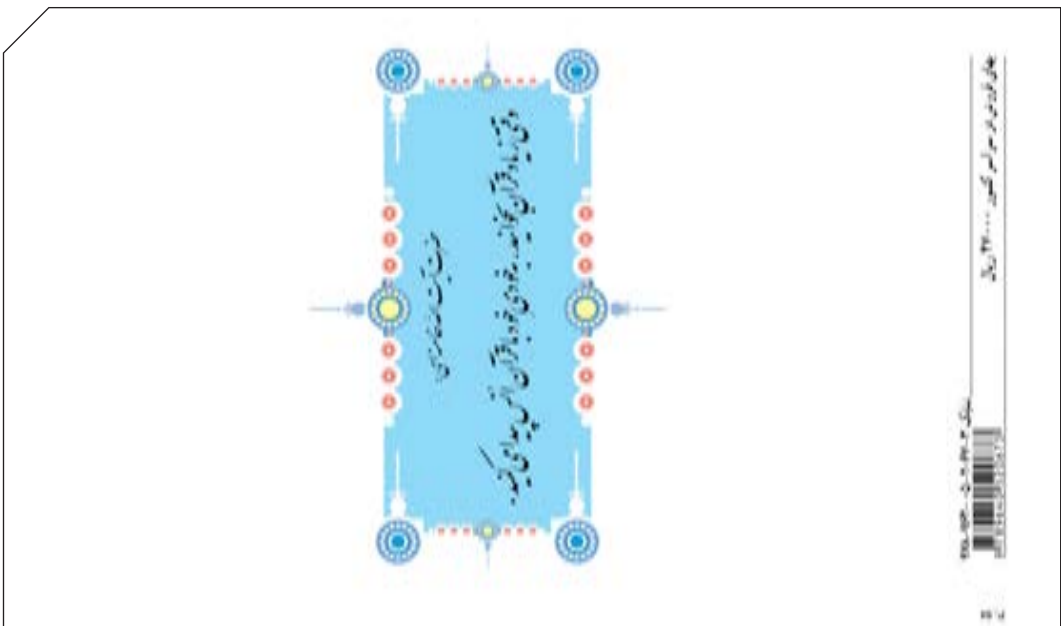
عنوان: آموزش قرآن

کد: ۶۰۱

دوره: ابتدایی

پایه: ششم

سال انتشار: ۱۳۹۹



درس پنجم

روز دهم

صدای نوحه‌خوانی و سینه‌زنی از هر کوچه و خیابانی به گوش می‌رسد. بیشتر مردم سیاه پوشیده‌اند و در دسته‌های عزاداری حرکت می‌کنند. پرچم‌های سرخ و سیاه در آسمان می‌چرخد و شکوه عزاداری را بیشتر می‌کند.

من و دوستانم دسته‌ی عزاداری حضرت قاسم^۱ را تشکیل داده‌ایم. رضا مداحی می‌کند.

من و محمّد پرچم به دست گرفته‌ایم و در جلوی دسته حرکت می‌کنیم. بعضی بچه‌ها سریند «یا حسین» بسته‌اند.

صدای اذان بلند می‌شود.

الله اکبر...

عزاداران برای خواندن نماز ظهر عاشورا آماده می‌شوند. نماز، با شکوه برگزار می‌شود.

بعد از نماز، امام جماعت برای دسته‌های عزاداری صحبت می‌کند:

«محرم، ماه درس گرفتن است.

امام حسین علیه‌السلام و یارانش شجاعانه از اسلام دفاع کردند و سرانجام در روز دهم محرم به دست مردم نادان و ستمگر به شهادت رسیدند.

ما هر سال در این روزها یاد او و یارانش را زنده نگه می‌داریم؛ یارانی با ایمان، فداکار، شجاع و مهربان».

۱- یکی از فرزندان امام حسن علیه‌السلام که در روز عاشورا به شهادت رسید.

صدای «یا حسین» مردم از گوشه و کنار به گوش می‌رسد.
بعد از سخنرانی بلند می‌شویم و به کمک دوستانم دسته‌ی عزاداری را
منظم می‌کنیم.
همه زیر لب نوحه‌ای را به یاد امام حسین علیه‌السلام و کودکان او زمزمه
می‌کنیم...



عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۳



اگر با امام حسین علیه السلام در کرلا بودم

۳۶

عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۶

دوست دارم

- از این پس در رفتار و گفتارم بیشتر دقت کنم؛ چون
- حتی اگر به سنّ تکلیف نرسیده‌ام، به احکام دینی عمل کنم تا

پیش‌بینی‌م

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طوبَىٰ لَهُمْ

خوشا به حال کسانی که ایمان دارند و کارهای خوب و شایسته انجام می‌دهند.

سوره ی رعد، آیه ی ۲۹

با توجه به این تصویر، درباره‌ی معنای آیه با دوستانتان گفت‌وگو کنید.
این آیه چه ارتباطی با موضوع درس دارد؟



۵۶

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۶

ما مسلمانان هر روز، پنج نوبت نماز می‌خوانیم: نمازهای

..... و

سال گذشته با چگونگی خواندن یک نماز دو رکعتی آشنا شدید.
برای خواندن نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی، پس از خواندن تشهد در رکعت دوم، برمی‌خیزیم و این ذکر را سه مرتبه تکرار می‌کنیم:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»^۱

آن‌گاه همانند رکعت اول و دوم، به رکوع و سجده^۲ می‌رویم.
در رکعت آخر نماز، پس از دو سجده می‌نشینیم و تشهد و سلام را می‌خوانیم.

حالا می‌توانیم نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی را به درستی بخوانیم.



۱- پیش از ادامه‌ی درس، یک نماز دو رکعتی را در کلاس تمرین کنید.

۲- به این ذکر تسبیحات اربعه گفته می‌شود.

۳- همکار گرامی! در این قسمت لطفاً توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب نمایید:
در هنگام سجده، علاوه بر پیشانی که روی مهر قرار می‌گیرد، شش عضو بدن باید کاملاً روی زمین قرار گیرند: کف دو دست، زانوها و شست پاها.

دوست دارم

من هم در روز عید فطر با خانواده ام، ...

بین و بگو

این تصاویر، نماز عید فطر در سایر کشورها را نشان می دهد.



فلسطین



هند

از این تصاویر چه می فهمی؟

۷۴

عنوان درس:

شماره صفحه: ۷۴

نماز جماعت

• نیت می کنیم نماز ظهر را برای خشنودی خدا به جماعت می خوانیم.

• بعد از تکبیر امام جماعت تکبیر می گوئیم.

• در رکعت اول امام جماعت سوره ی حمد و توحید را می خواند ولی ما

بعد از امام جماعت

بعد می ایستیم و رکعت دوم را مانند رکعت اول می خوانیم.

• بعد دست هایمان را برای قنوت به سوی آسمان بلند می کنیم.

• در رکعت سوم و چهارم ذکر را می خوانیم.



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۲۷

کامل کنید

- پاسخ سؤال‌ها را از میان کلمه‌هایی که در تصویر زیر می‌بینید، پیدا کنید و بنویسید.
- ۱- خواندن نماز به صورت سفارش مهم پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - است.
 - ۲- بهترین مکان برای نماز خواندن، است.
 - ۳- نمازگزاران در صف‌های نماز جماعت باید بدون فاصله و بایستند.
 - ۴- جمع شدن در مسجد، موجب مسلمانان می‌شود.
 - ۵- یکی از فایده‌های حضور در مسجد، چاره‌جویی برای مسلمانان است.
 - ۶- پاداش نماز جماعت از نماز خیلی بیشتر است.
 - ۷- رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «هرکس وضو بگیرد و به سوی نماز جماعت حرکت کند، برای هر که برمی‌دارد، خدا پاداشی به او می‌دهد».
 - ۸- در نماز جماعت باید تمام کارها را بدون بعد از امام جماعت انجام بدهیم.
 - ۹- ما نباید در رکعت اول و دوم نماز جماعت را بخوانیم.

۱۰- در نماز جماعت، خوب است
ذکرهایی* را که همراه امام
جماعت خوانده می‌شود،
بخوانیم.



* منظور، ذکرهای رکوع، سجده، نشیئه و سلام است.

درس سیزدهم

خاله نرگس

روز جمعه بود،
 پدر دفتر پادداشتش را آرام نگاه می کرد.
 اسم تمام خویشاوندان در آن بود؛ خویشاوندان پدر و مادرم.
 پدر گفت: «این هفته نوبت دیدار با خاله نرگس است».
 من و نجمه و بُدئی کوچولو خیلی خوشحال شدیم. خیلی خاله نرگس را دوست داریم.
 خاله نرگس، خاله ی پدرم است. او پیرزن بسیار مهربانی است و تنها زندگی می کند.
 رنگ خانه اش را زدیم. چند لحظه منتظر ماندیم؛ صدایی نیامد.
 دوباره رنگ زدیم و صبر کردیم اما خبری نشد.
 حدس زدیم رنگ در خراب است. در زدیم؛ باز خبری نشد.
 پدر کمی محکم تر به در کوبید!
 ... «آدم!»
 صدای خاله نرگس از دور به گوش رسید. خدا را شکر، صدای در را شنید.
 وقتی در را باز کرد، انگار دنیا را به او داده بودند.
 صورتش مثل گل شکفت و با خوشحالی گفت: «خوش آمدید! صفا آوردید!»
 بعد هم پکی پکی ما را نوازش کرد و بوسید و با همه احوالپرسی کرد.
 داخل شدیم. خانه اش خیلی تمیز و مرتب بود.
 دور هم نشستیم و تعریف ها شروع شد.
 خاله نرگس گفت: «دلم خیلی برایتان تنگ شده بود. ببخشید پشت در ماندید.
 مدتی است شنوایی من کم شده و رنگ در هم خراب است. دوست داشتم شما
 را ببینم اما هوا سرد است و من هم نمی توانم زیاد از خانه بیرون بیایم؛ خیلی
 خوشحال شدم که آمدید!»
 آن روز خیلی به ما خوش گذشت و چیزهای زیادی یاد گرفتیم!

خاله نرگس خاطره‌های قشنگی از فرزند شهیدش تعریف کرد و از زندگی مردم در زمان قدیم و از دوران کودکی‌اش برآمان گفت.

پدر رنگ خانه‌ی خاله نرگس را تعمیر کرد، مادرم هم با خاله قرار گذاشت که او را پیش یک پزشک ببرد.

وقتی به خانه برگشتیم، به مادرم گفتم: «چقدر خوب شد که به خانه‌ی خاله نرگس رفتیم، هم پای صحبت یک انسان با تجربه و مهربان نشستیم و هم به او کمک کردیم.»



عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۹

درس پانزدهم

یک ماجرای زیبا

چند روزی بود که کمردرد، حساسی آزارش می داد. توانایی اش کم شده بود و به سختی کار می کرد. همسرش، خاله کوچک، پا به پای او زحمت می کشید؛ اما باز نمی توانستند حیاط مدرسه و راهروها و کلاس ها را خوب نظافت کنند.

مدیر مدرسه از دستش راضی نبود و چند بار به او تذکر داده بود. خیلی نگران بود.

«خدایا اگر شخص دیگری را به جای من بیاورند... اگر این خانه ی کوچک را از من بگیرند، با دست خالی کجا بروم؟»

نمی دانست چه باید کند. بنده ی خدا خانمش هم خیلی غصه می خورد.



۹۷

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۷

روزها به سختی می گذشت تا اینکه یک روز صبح، همین که خاله کوکب به طرف حیاط رفت، دید همه جا خیلی خوب جارو شده است. خیلی تعجب کرد! به طرف کلاس ها رفت؛ آنها هم تمیز و جارو شده بودند! - «خداها! چه کسی مدرسه را جارو کرده؟» نگران شد!

- «شاید همسر من مخفیانه این کار را کرده است!» وقتی ماجرا را به همسرش گفت، او هم بسیار شگفت زده شد و گفت: «نه کار من نیست.»

بابا مراد و خاله کوکب تا شب؛ مدرسه را زیر نظر گرفتند تا بدانند کار چه کسی بوده است اما متوجه نشدند. صبح روز بعد دوباره دیدند که مدرسه خیلی تمیز و پاکیزه است! باز تا آخر شب نفهمیدند کار کیست!

مدرسه بسیار تمیز و مرتب بود و آقای مدیر هم بسیار خوشحال و راضی! سرایدار و همسرش تصمیم گرفتند هرطور شده بفهمند کار چه کسی بوده است. آن شب تا صبح بیدار ماندند.

نزدیک طلوع آفتاب، ناگهان دیدند پسر بچه ای آرام از دیوار مدرسه پایین پرید. جارو را برداشت و شروع کرد به جارو زدن.

شیافه اش آشنا بود. به سرعت به سوی او رفتند. پسر بچه خجالت کشید و سرش را پایین انداخت و سلام کرد.

اشک در چشم هایشان جمع شده بود.

- «پسر جان اسمت چیست؟»

- «عتاس بابایی.»

نمی دانستند چگونه از او تشکر کنند.

- «پسر جان! تو باید درس بخوانی! این کارها وظیفه ی ماست.»

- «من که به شما کمک می کنم، خدا هم در درس هایم به من

کمک می کند.»



* خاطره ای از کودکی شهید امیر سرلشکر عتاس بابایی



برایم بگو

از کار خلیان قهرمان، شهید عباس بابایی آموختم که ...

بررسی کنید

آیا برای کمک به دیگران همیشه باید منتظر باشیم تا آنها از ما کمک بخواهند؟



هفته‌ی گذشته دوستم نتوانست به مدرسه بیاید، من امروز ...



دوستم پایش شکسته است و با عضا به مدرسه می‌آید، من ...

دوستم امروز لقمه‌اش را در خانه جا گذاشته است، من ...



عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۹

ایستگاه فکر

داستان زیر را بخوانید و جمله ی آخر آن را کامل کنید.

زمستان آن سال هوا خیلی سرد بود.

همه ی بچه ها با لباس های گرم و پشمی به مدرسه می آمدند.

پدر علی برای او یک بارانی گرم خریده بود تا در هوای سرد زمستان بپوشد.

یک روز مادر علی متوجه شد که علی بارانی اش را نمی پوشد و با همان لباس های

همیشگی به مدرسه می رود! وقتی علی از مدرسه برگشت، از او پرسید: «علی جان!

چرا بارانی ات را نمی پوشی؟»

علی سرش را پایین انداخت و گفت: «من هر روز با هم کلاسی ام به مدرسه می روم.

او بارانی ندارد و سردش می شود! من هم نمی پوشم تا مانند او باشم و او ناراحت

نشود.»



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۲

مادر لیخندی زد و فردای آن روز یک بارانی گرم دیگر خرید و به بهانه‌ای آن را به دوست علی هدیه کرد.
از آن پس علی* بارانی‌اش را می‌پوشید و خوشحال و خندان با دوستش به مدرسه می‌رفت.

برایم بگو



آدم‌های موفق و بزرگ مانند شهید علی صیّاد شیرازی، در کودکی هم

تدبیر کنیم

أَحِبِّنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ

به دیگران نیکی کن؛ آن چنان که خدا به تو نیکی کرده است.

سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۷

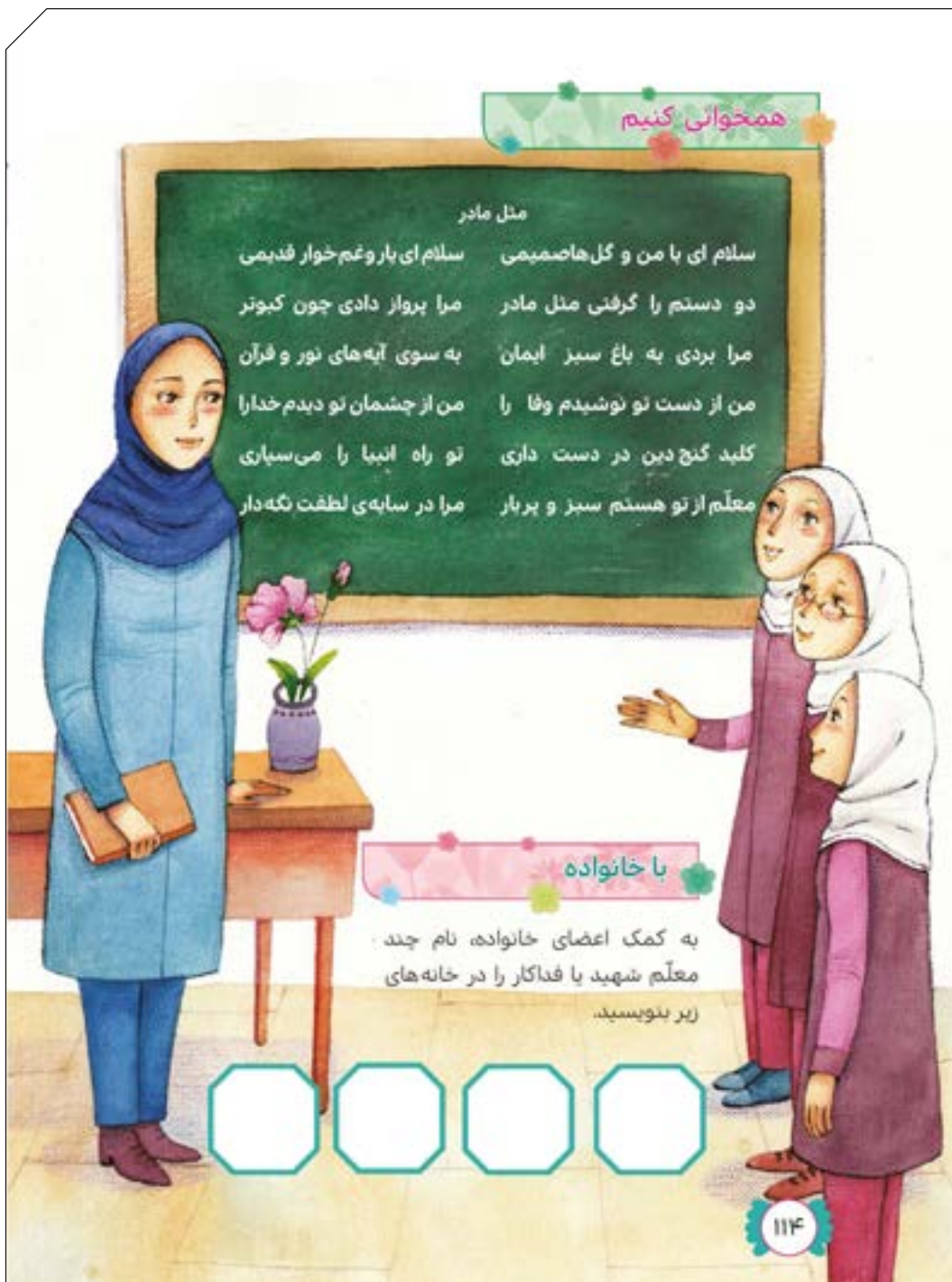
میان این آیه و داستانی که خواندید، چه ارتباطی می‌بینید؟

* خاطره‌ای از کودکی شهید امیر سید علی صیّاد شیرازی

۱۰۳

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۳





با توجه به آنچه خواندید، چه تفاوتی میان نماز جمعه و یک نماز دو رکعتی هست؟

در یک نماز دو رکعتی	در نماز جمعه
خطبه و سخنرانی ندارد.	
	دو قنوت می خوانیم.
	در رکعت اول، پس از حمد و سوره، قنوت می خوانیم.
در رکعت دوم، پس از حمد و سوره، ابتدا قنوت می خوانیم و سپس به رکوع می رویم.	



عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۳

درس چهاردهم

بزرگ مرد تاریخ

تلویزیون یکی یکی، عکس‌ها و فیلم‌هایی از زندگی امام خمینی را نشان می‌دهد.

هر سال همین که به نیمه‌ی خرداد ماه نزدیک می‌شویم، صحنه‌هایی از زندگی امام خمینی نمایش داده می‌شود. میلیون‌ها نفر با چشم‌های اشک‌بار، امام خمینی را تشییع می‌کنند و یک صدا فریاد می‌زنند:

عزیز است امروز، روز عزاست امروز
خمینی بت شکن، پیش خداست امروز

از پدرم می‌پرسم: «چرا مردم این قدر امام خمینی را دوست دارند؟ مگر امام خمینی چه کرده بود؟» پدرم، که غرق تماشای چهره‌ی امام است، چند لحظه مکث می‌کند؛ نگاهش را از تلویزیون برمی‌دارد و می‌گوید: «سؤال جالب و دقیقی پرسیدی! فرزندان! سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، سال‌های سخت و غم‌انگیزی بود.

با این همه منابع نفتی و گازی و ثروت‌های بی‌شمار خدادادی که سرزمین عزیزمان دارد، کشوری فقیر و محروم بودیم. قدرت‌های بزرگ و زورگو ثروت ما را می‌بردند و به دانشمندان ما اجازه‌ی پیشرفت علمی نمی‌دادند».

ل. تشییع: همراهی افراد با جنازه از یک مکان تا محل دفن آن



از پدرم پرسیدم: «پیشرفت علمی به نفع کشور و همه‌ی مردم است؛ چرا شاه جلوی آن را می‌گرفت؟»

پدرم سرش را تکان داد و گفت:

«شاه و مزدورانش همیشه می‌گفتند ایرانی‌ها توانایی انجام دادن کارهای بزرگ را ندارند و نمی‌توانند مستقل باشند. ما همیشه باید به قدرت‌ها وابسته باشیم! شاه خیانتکار همواره از آمریکا و قدرت‌های جهانی دستور می‌گرفت و استقلال ما به ضرر آن قدرت‌ها بود.»

در این هنگام تلویزیون، تصاویری از سخنرانی امام برای جمعیت با شکوه مردم را نشان می‌داد.

پدرم به صفحه‌ی تلویزیون و سپس به من نگاه کرد و ادامه داد:

«شاه حتی اجازه نمی‌داد احکام اسلامی در جامعه اجرا شود؛ نماز جمعه برپا نمی‌شد و کتاب‌ها و نشریات دینی مفید بسیار کم منتشر می‌شد.

در رادیو و تلویزیون از دین اسلام و آموزه‌های قرآن خبری نبود و به عالمان بزرگ دینی اجازه‌ی حضور در این مراکز را نمی‌دادند. عزاداری‌هایی که آگاهی مردم را افزایش می‌داد، ممنوع بود.

به ارزش‌های دینی توجهی نمی‌شد و به جای معرفی حجاب و ارزش‌های اخلاقی، فساد و بی‌حجابی تبلیغ می‌شد.

آنها که دلشان برای دین و کشور می‌سوخت از ته دل آرزو می‌کردند ای کاش فردی پیدا می‌شد که با الگو گرفتن از پیامبران و امامان عزیز، رهبری آنان را برعهده گیرد و حکومت ظالم را سرنگون کند.



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۱۰۰



سال هزار و سیصد و چهل و دو بود که عالمی بزرگ و دلیر با باری خدا و حمایت مردم به پا خاست و پرچم قیام را بر دوش نهاد؛ نامش روح‌الله خمینی بود. او بسیار با ایمان، آگاه و شجاع بود و از شاه و ابرقدرت‌های جهان ترسی نداشت.

مردم ایران به ندای امام پاسخ دادند و همه‌ی قشرهای جامعه مخصوصاً جوانان چون رودی خروشان به باری او آمدند.

امام خمینی پس از پانزده سال مبارزه با سرنگون کردن حکومت شاه، بهار ایمان، عزت، آزادی و آزادی را به ایران و ایرانیان هدیه داد.

برای همین است که در روزهای پرشور انقلاب یک صدا فریاد می‌زدیم:

بت شکنی خمینی»

روح منی خمینی

برایم بگو

هر یک از این ویژگی‌های امام خمینی (رحمة الله علیه)، شما را به یاد کدام امام یا پیامبر می‌اندازد؟ چرا؟

شجاعت

مبارزه با طاغوت



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۱

تدبیر کنیم

این آیه را بخوانید:

وَلَا تُرْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

هیچ گاه بر ستمگران تکیه نکنید.

سوره ی هود، آیه ۱۱۳

این آیه به کدام ویژگی امام خمینی (رحمه الله علیه) اشاره می کند؟ در این باره با دوستانتان گفت و گو کنید.

بین و بگو

چه ارتباطی میان تصویر و جمله ی امام درباره ی اسرائیل وجود دارد؟

اسرائیل باید از بین برود



۱۰۲

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۲

گفت و گو کنیم

جملاتی از امام خمینی (رحمه الله علیه) در ابتدای کتاب درسی آمده است. به نظر شما چگونه می توانیم به این سفارش ها عمل کنیم؟

بررسی کنید



امام همیشه به من می گفتند: «در ساعت تفریح، درس نخوانید و در ساعت درس خواندن، تفریح نکنید! هر کدام در جای خود» ایشان گفتند: «از زمان کودکی یاد ندارم که هیچ وقت ساعت این دو را با هم عوض کرده باشم».



اطرافیان امام خمینی درباره ی قرآن خواندن ایشان می گفتند: امام خمینی هر روز چند مرتبه قرآن می خواندند! معمولاً بعد از نماز صبح و قبل و بعد از نمازهای روزانه قرآن می خواندند. ایشان در هر فرصتی که بین کارهای روزانه شان پیش می آمد، نیز قرآن قرائت می کردند.

✿ نزدیک به سیصد تا چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند. تختی گذاشتند و امام روی آن نشستند. تمام دوربین‌ها کار می‌کرد. دوسه سؤال از امام شد که صدای اذان ظهر شنیده شد. امام بلند شدند و محل را ترک کردند و فرمودند: «وقت نماز ظهر می‌گردد» تمام حاضران متعجب شدند. کسی از امام خواستش کرد چند دقیقه‌ای صبر کنید تا حداقل چهار پنج سؤال دیگر بشود. امام با قاطعیت فرمودند: «به هیچ وجه نمی‌شود» و رفتند.



✿ امام ورزش را دوست داشت؛ ولی رشته‌ی ورزشی خاصی را ترجیح نمی‌داد؛ از کودکی تمرین‌های ورزشی را انجام می‌داد. امام تا اواخر عمر خود روزی یک ساعت ونیم پیاده‌روی می‌کرد و حرکت‌های ورزشی را به راحتی انجام می‌داد و مرگب حرکاتی را که پزشکان تجویز کرده بودند انجام می‌داد.



✿ هر یک از این خاطره‌ها به کدام ویژگی امام اشاره می‌کند؟

✿ کدام یک از این ویژگی‌ها را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۱۰۴

❁ کدام یک از این خاطره‌ها با این پیام قرآنی ارتباط دارد؟

فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...

به هر اندازه که می‌توانید قرآن بخوانید.

سوره مزمل، آیه ۲۰

ایستگاه فکر

با توجه به این سخن از مقام معظم رهبری،
چرا مردم رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) را پذیرفتند؟



«عشق به امام خمینی،
عشق به همه‌ی خوبی‌هاست.»



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۵

همخوانی کنیم

تو آمدی

چه سال های سختی
که یک به یک گذشتند
بدون مهر و شادی
بدون عشق و لبخند
تو آمدی به ایران
شکوفه خنده سرداد
بهار دوستی را
به غنچه ها خبر داد

به روی شانه های
پرنده ها نشستند
سرود و شعر خواندند
سکوت را شکستند
به یک اشاره آن روز
روان شد از دل خاک
هزار رود زیبا
هزار چشمه ی پاک



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۶

دوباره ماه شادی
دوباره بهمن آمد
بهار در زمستان
به باغ میهن آمد

تو آمدی وطن شد
پر از گل و افاقی
تو پر زدی و نامت
همیشه ماند باقی

هادی فردوسی

با خانواده

با کمک اعضای خانواده و مطالبی که در این درس از زندگی امام خمینی (رحمة الله علیه) یاد گرفتید، ایشان را در چند جمله توصیف کنید.

۱۰۷

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۷

درس پانزدهم

بهمن همیشه بهار

هر روز که می‌گذرد، هیجان بچه‌ها بیشتر می‌شود؛ مخصوصاً من که قرار است امسال خبرنگار باشم!

دو روز دیگر، بیست و دوم بهمن ماه است.

آقای شکوهی، مربی پرورشی مدرسه که در محله‌ی ما زندگی می‌کند، بچه‌های محله را تشویق کرده است تا در روز راهپیمایی، یک گروه مخصوص راه بیندارند.

چند روز پیش با راهنمایی ایشان تقسیم کار کردیم. هر کس کاری را بر عهده گرفت. حسین گفت: «من شعار می‌دهم؛ شاید خودم هم چند شعار بسازم!»

من گفتم: «من خبرنگار می‌شوم؛ عاشق خبرنگاری‌ام!»

سعید گفت: «من دوربینم را می‌آورم و عکس می‌اندازم.»

بهرام گفت: «من هم عکس قهرمانان را می‌آورم و بین مردم پخش می‌کنم.»

همه با تعجب نگاهش کردیم: «کدام قهرمانان؟»

- «قهرمانان شهید انقلاب! بهترین یاران امام خمینی (رحمة الله علیه) که در پیروزی انقلاب نقش بسیار مهمی داشتند. بیست و دوم بهمن فرصت خوبی است برای معرفی قهرمانان انقلاب!»

ساعت نه صبح، روز بیست و دوم بهمن است؛ آسمان، ابری و هوا بسیار سرد است.

سریع، خودم را به مسجد می‌رسانم. آقای شکوهی و بیشتر بچه‌ها آمده‌اند.

مردم محله هم کم کم جمع می‌شوند.

طنین اولین شعار در کوچه می‌پیچد:

بیست و دو بهمن ماه، یوم الله یوم الله بنیان‌گذار نهضت، روح الله روح الله

• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۱۰۸



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۹

بهرام به سرعت عکس‌ها را میان مردم پخش می‌کند؛ تصاویری از شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید باهنر، شهید مطهری، شهدای هسته‌ای و ...

اطراف مسیر راهپیمایی پر است از غرفه‌ها و نمایشگاه‌های گوناگون! نمایشگاهی از روزنامه‌های سال ۵۷ برپا شده است و مردم خصوصاً جوان‌ترها که آن روزها نبودند، با اشتیاق فراوانی خبرها را می‌خوانند.

سردر مغازه‌ها و خانه‌ها با انواع کاغذهای رنگی، پرچم‌های بزرگ و کوچک، شعارها و تصاویری از شهیدان انقلاب آذین‌بندی شده است. صدای سرودهای گوناگون انقلابی از غرفه‌ها و نمایشگاه‌ها در فضا پیچیده است. شور و شادی فراوانی همه‌جا را پر کرده است.

من هم میکروفون را به دست می‌گیرم و کارم را شروع می‌کنم. سعید با دوربینش با من همراه می‌شود.

از پسری که هم‌سن خودم است، می‌پرسم امروز چه روزی است؟

با دست به جمعیت عظیمی که یک‌صدا شعارهای حماسی می‌دهند، اشاره می‌کنند:

«روز اعلام دشمنی با دولت‌های زورگو و ستمگر و مبارزه با آمریکا و اسرائیل!»

پیرمردی با لب‌های خندان عکس بزرگی از رهبر را به دست گرفته است؛ به او نزدیک می‌شوم و از علت لبخندش سؤال می‌کنم.

می‌گوید: «با دیدن این همه شور، حماسه، هیجان، حضور در صحنه و همدلی، به یاد همبستگی و اتحاد مردم در بهمن ۱۳۵۷ افتادم».

کم‌کم مسیر خیلی شلوغ می‌شود. یک بالگرد از بالای جمعیت عبور می‌کند و به سوی میدان مرکزی شهر پرواز می‌کند. سه چترپاز از آن بیرون می‌پرند؛ چترهای خود را باز می‌کنند و در میدان فرود می‌آیند. خیلی‌ها با شوق و هیجان به آنها چشم دوخته‌اند. جانبازی که روی صندلی چرخ‌دار نشسته است و به سختی حرکت می‌کند، توچهم را به خود جلب می‌کند؛ به طرفش می‌روم و می‌پرسم: «با این وضعیت دشوار، چرا به راهپیمایی آمده‌اید؟»





- «برای اعلام آمادگی؛ تا به همه‌ی جهان اعلام کنیم همیشه گوش به فرمان رهبر در صحنه حاضریم».

به خانمی که کالسکه‌ی کودکش را حرکت می‌دهد، می‌گویم: «در این هوای سرد زمستانی چرا به اینجا آمده‌اید؟»
دستش را روی قلبش می‌گذارد:
«چون انقلاب در قلب ماست!»

مادری که قاب عکس شهیدش را در دست دارد، تا مرا می‌بیند به سویم می‌آید و می‌گوید:
«پسرم را به اسلام و انقلاب تقدیم کردم و خدا را شکر که امروز میلیون‌ها جوان مؤمن و پر تلاش، راهش را ادامه می‌دهند».



با بچه‌های محلّه در ایوان مسجد نشسته‌ایم. سعید با خوشحالی مجله‌ای را می‌آورد و عکسی را به ما نشان می‌دهد:
«این عکس، مقام اوّل مسابقه‌ی «تصویر حماسه» را به دست آورده است!»
همگی به عکس خیره می‌شویم:
جانپازی که روی صندلی چرخدار نشسته است؛ دست کودکی را که در کالسکه نشسته، به دست گرفته و هر دو دست در دست هم، لبخند زنان به دوربین نگاه می‌کنند.



برایم بگو

آنچه در این تصویر می بینید با پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی دارد؟



تدبّر کنیم

این آیه را بخوانید. مفهوم آیه با کدام موضوع درس ارتباط دارد؟

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

همگی به ريسمان الهی چنگ بزنید و متفرّق نشوید.

سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۳

بررسی کنید

این شعر را بخوانید:

ما برای آنکه ایران گوهری تابان شود،
 خون دل‌ها خورده‌ایم
 ما برای جاودانه ماندن این عشق پاک،
 رنج دوران برده‌ایم

با توجه به محتوای درس، چه کسانی برای پیروزی و حفظ انقلاب اسلامی ایران، رنج و زحمت بسیاری کشیدند؟

تحقیق کنید

این قهرمانان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی داشتند. درباره‌ی یکی از آنها و نقش او در انقلاب، تحقیق کنید و به کلاس گزارش دهید.



همخوانی کنیم

روز خوب پیروزی

مثل غنچه بود آن روز
غنچه‌ای که روییده
در هوای بهمن ماه
بر درخت خشکیده

مثل آب بود آن روز
آب چشمه‌ای شیرین
چشمه‌ای که می‌بیند
مرد تشنه‌ای غمگین

گرچه در زمستان بود
چون بهار بود آن روز
سرزمین ما ایران
لاله‌زار بود آن روز

روز خنده‌ی ما بود
روز گریه‌ی دشمن
روز خوب پیروزی
بیست و دوم بهمن

مصطفی رحماندوست



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۱۴

گفت‌وگو کنیم

تلاش و رشادت نوجوانان سال ۱۳۵۷ در کنار بزرگ‌ترها باعث تولد انقلاب شد. ما بچه‌های امروز برای حفظ این انقلاب می‌توانیم ...

ایستگاه خلاقیت

اگر قرار باشد در مدرسه‌ی شما جشنی به مناسبت دهه‌ی فجر برپا شود، برای برگزاری آن، چه پیشنهادهایی دارید و خود چه نقشی در آن به‌عهده می‌گیرید. با مرتی پرورشی مدرسه و معلم خود مشورت کنید.

پیشنهادهای گروه ما برای برگزاری جشن:

۱-
۲-
۳-
نقش من:

با خانواده

از بزرگ‌ترهای خود سؤال کنید چه شعارهایی را از راهپیمایی سال ۵۷ به یاد دارند. چند نمونه را در کلاس ارائه کنید.

تدبر کنیم

درباره ی پیام آیه ای که خواندید با دوستانتان گفت و گو کنید.
بر اساس این آیه، یکی از وظایف دینی ما مسلمانان، «تولی» و «تبری» است.
«تولی» یعنی ما باید مؤمنان را که دوستان خدا هستند، دوست بداریم.
«تبری» به این معناست که ما باید کافران ستمکار را که دشمنان خدا هستند، دشمن بداریم و از آنها بیزاری بجویم؛ چنان که حضرت ابراهیم (علیه السلام) وقتی فهمید سرپرست او بت پرست است و حاضر نیست از کار خود دست بردارد، از او بیزاری جست:

فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ

هنگامی که ابراهیم فهمید، سرپرستش دشمن خداست
از او بیزاری جست.

سوره ی نوبه، آیه ی ۱۱۴

در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی روز سیزده آبان، «روز ملی مبارزه با استکبار» نام گرفته است. در این روز همه ی مردم به وبزه دانش آموزان و دانشجویان، پکدل و یک صدا با شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» بیزاری خود را از دولت های زورگو و ستمگر اعلام می کنند.
این تبری و اعلام بیزاری، موجب اتحاد و یکرنگی مسلمانان در جامعه می شود و آنها را در برابر دشمنانشان مقاوم تر می سازد.



عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۳

کامل کنید

ویژگی‌های دشمنان خدا

ویژگی‌های دوستان خدا

۱- ستمگر

۱- _____

۲- _____

۲- _____

۳- _____

۳- اطاعت از دستورهای خدا

بگرد و پیدا کن

جمله‌ی مربوط به هر مفهوم را مشخص کنید.

دوستی با دوستان خدا

راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن و ۱۳ آبان

دشمنی با دشمنان خدا

دوستی با اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

حمایت از مردم ستم‌دیده‌ی فلسطین

مبارزه با استکبار جهانی

ساکت نماندن در برابر ظالمان

رفتن به زیارت امام رضا (علیه‌السلام)

نیزی

نولی

۳۴

عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۴

ایستگاه فکر

- ❑ امام حسین (علیه‌السلام) چه ویژگی‌هایی داشتند؟
- ❑ یزید چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ❑ چرا امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند: «هرگز کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند».

تحقیق کنید

چه حادثه‌ای موجب شد روز ۱۳ آبان را روز «دانش‌آموز» بنامند؟ این حادثه با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

با خانواده

در کدام‌یک از مراسم اسلامی به موضوع «نبی» بسیار اهمیت داده شده است؟

درس هشتم

دوران غیبت

چه روزگار سختی!

خلیفه‌ی عباسی به تمام جاسوسان و مأموران دستور داده بود تا همه جا را زیر نظر بگیرند و هر جا امام مهدی (علیه السلام) را دیدند، دستگیر کنند و به دربار بیاورند. جاسوسی، تعقیب، دستگیری، زندان، آزار و اذیت و به شهادت رساندن! اینها عادت و روش همیشگی خلفای عباسی در برابر امامان معصوم (علیهم السلام) بود. به ویژه از زمان امام کاظم (علیه السلام) به بعد که با شدت بیشتری این روش دنبال می‌شد. با همه‌ی این ستم‌ها باز به نتیجه نرسیده بودند و درخت سریلند امامت روز به روز بالنده‌تر و ثمربخش‌تر می‌شد و سایه‌ی گسترده‌اش سریناهی امن برای اهل ایمان بود.

دشمنان خدا قبل از تولد امام مهدی (علیه السلام) می‌خواستند از ولادت ایشان جلوگیری کنند ولی به لطف خدا نقشه‌ی آنها نقش بر آب شد. در دوران کودکی نیز نتوانستند به ایشان دسترسی پیدا کنند. بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)، امام مهدی (علیه السلام) امام و پیشوای مردم شد و خلیفه که از این رویداد بسیار ناراحت و پریشان شده بود، تمام نیروهای خویش را به کار گرفت تا هر چه سریع‌تر امام مهدی (علیه السلام) را دستگیر کند.

امام مهدی (علیه السلام) به فرمان خداوند از دید مردم پنهان شد تا کسی نتواند به ایشان دسترسی پیدا کند. از این زمان، «دوران غیبت» ایشان شروع شد. این غیبت، غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری نامیده می‌شود که ۶۹ سال طول کشید. در این دوران، امام مهدی (علیه السلام) برای ارتباط با مردم، افراد خاصی را انتخاب کردند تا جانشین ایشان بین مردم باشند.

۵۰

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۰



جانشینان امام، که تعدادشان چهار نفر بود در طول این ۶۹ سال، یکی پس از دیگری به نوبت جانشین امام مهدی (علیه‌السلام) شدند. آنها انسان‌هایی بسیار دانا، با ایمان و مورد اعتماد امام بودند و وظایف بسیار مهمی به عهده داشتند. آنها با گروه‌های مختلف مردم ارتباط برقرار می‌کردند. از مشکلات فردی و اجتماعی و نیز پرسش‌های مختلفی که مردم درباره‌ی احکام و معارف دینی می‌کردند، آگاه می‌شدند. سپس آنها را به اطلاع امام مهدی (علیه‌السلام) می‌رساندند و توصیه‌هایی را که امام برای رفع مشکلات می‌کردند و پاسخ‌هایی را که در جواب پرسش‌ها داده بودند به گوش مردم می‌رساندند.

بعد از این چهار نفر، امام مهدی (علیه‌السلام)، فرد خاصی را به عنوان جانشین معزّفی نکردند. از آن زمان به بعد، دوران غیبت بلند مدّت امام یعنی غیبت کُبریّ فرا رسید که تا همین امروز ادامه دارد.

یک پرسش

در این دوران، که امام مهدی (علیه‌السلام) جانشین خاصی را به مردم معزّفی نکردند، چه کسی به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌دهد؟ جامعه‌ی اسلامی را چه کسی باید مدیریت کند؟

۵۱

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۱

اگرچه امام مهدی (علیه السلام) در دوره ی غیبت کبری، فرد یا افراد خاصی را به عنوان جانشین خود معرّفی نکردند، به مردم سفارش کردند که در این دوران به عالمان و فقیهان پرهیزکاری مراجعه کنند که با احکام و معارف دینی آشنایی کامل دارند. این عالمان پرهیزکار در زمان حاضر، مراجع تقلید دینی هستند که به عنوان جانشینان امام زمان (علیه السلام) شناخته می شوند. ما برای آگاهی از احکام دین باید به آنها مراجعه، و از دستورهای آنان پیروی کنیم. البته رهبری جامعه ی اسلامی بر عهده ی یکی از ایشان است که به عنوان ولی فقیه شناخته می شود. ولی فقیه با آگاهی کامل از دستورهای دینی و اوضاع اجتماعی و سیاسی، جامعه را اداره می کند. یکی از این جانشینان در روزگار ما، امام خمینی (رحمة الله علیه) بود. مردم ایران به رهبری این عالم و مرجع بزرگ دینی توانستند حکومت ضدّ مردمی و ضدّ دینی شاه را سرنگون کنند و جمهوری اسلامی را به وجود آورند. آنان چون امام خمینی (رحمة الله علیه) را جانشین امام زمان (علیه السلام) می دانستند از او پیروی می کردند.

گفت و گو کنید

اگر برای شناخت وظایف دینی به مراجع تقلید مراجعه نکنیم، چه مشکلاتی برای ما پیش می آید؟

بررسی کنید

- این جمله از امام خمینی (رحمة الله علیه) را بخوانید.
- این سخن امام خمینی (رحمة الله علیه) با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟



۵۲

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۲

بین و بگو

این تصویر با کدام قسمت از درس ارتباط دارد؟



با خانواده

با خانواده‌ی خود گفت‌وگو کنید که چگونه یک مرجع تقلید برای خود انتخاب می‌کنیم؟

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۳

درس یازدهم

حماسه آفرینان جاودان

اتوبوس‌ها کنار میدان شهدا ایستادند. آقای شکبیا که چفیه‌ی دوران دفاع مقدسش را دور گردن انداخته بود، گفت: «اردوی ما از همین جا شروع می‌شود». بچه‌ها با تعجب گفتند: «اینجا؟ وسط تهران؟ مگر «اردوهای راهیان نور» را به مناطق جنگی نمی‌برند؟»

آقای شکبیا گفت: «آنها هم می‌رویم! اقا پادمان باشد که اینجا هم دیدنی و به یادماندنی است. اینجا میدان زاله‌ی سابق است. روز هفده شهریور سال پنجاه و هفت، بسیاری از انقلابیون در همین میدان به شهادت رسیدند. به ظاهر این میدان نگاه نکنید. اینجا باغ لاله‌های سرخ و سرشار از عطر شهیدان انقلاب است».

نزدیک غروب به پادگان دو کوهه رسیدیم. آقای شکبیا به دور تا دور پادگان نگاهی انداخت. سپس رو به بچه‌ها گفت: «اینجا محلّ تجمع بهترین جوانان سرزمین ماست. رزمندگان سلحشور از نقاط مختلف کشور به اینجا



عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۰

می‌آمدند، سازماندهی می‌شدند و به سوی خطّ مقدم حرکت می‌کردند. ارتش صدام، که به خیال خود می‌خواست سه روزه خود را به تهران برساند و انقلاب اسلامی را نابود کند، با ایستادگی و مقاومت همین رزمندگان روبه‌رو شد. ردّ پای بسیاری از شهیدان و سرداران شهید مانند شهید هفت، شهید زین‌الدین و دیگران در اینجا دیده می‌شود. دو کوهه، کوهی از خاطرات شنیدنی در سینه دارد». برای نماز به حسینیه‌ی شهید هفت می‌رویم؛ حسینیه‌ای که به یاد این شهید ساخته شده و سال‌ها شاهد نمازها و نیایش‌های رزمندگان و شهیدان بوده است.

به شلمچه رسیدیم؛ منطقه‌ای وسیع و بیابانی با خاک‌ریزهایی کوچک و بزرگ. دو طرف جاذّه پوشیده از سیم‌خاردار و موانع نظامی بود و تعدادی نازک سوخته و نیم‌سوخته از زمان جنگ در منطقه به یادگار مانده بود. آقای شکبیا بی‌تاب شد و با شور و اشتیاق به پهنای منطقه چشم دوخت. گویی خاطرات بسیاری از شلمچه داشت. نفس عمیقی کشید و گفت: «به سرزمین شقایق‌های پرپر، به گلستان همیشه بهار شلمچه خوش آمدید! در اینجا تعدادی از بزرگ‌ترین عملیات‌های دفاع مقدّس اتفاق افتاد؛ عملیات‌هایی که در آن رزمندگان موقّق شدند از بزرگ‌ترین میدان‌های مین و محکم‌ترین سنگرهای دشمن عبور کنند و موجب حیرت بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان شوند.



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۹۱

در اینجا چه حماسه‌هایی آفریده شد!
چه جوان‌هایی جوانمردانه جنگیدند و جان خویش را تقدیم خدا کردند.

به طرف حسینه‌ی شهدای گمنام شلمچه به راه افتادیم.
با ادب در برابر شهیدان گمنام ایستادیم و مثل شاگرد، گرداگرد آموزگاران ایمان و شهادت زانو زدیم.
آقای شکبیا گفت: «از این عزیزان هیچ نام و نشانی به دست نیامده است. اینها همه چیزشان را تقدیم خدا کردند؛ حتی نام و نشانشان را!»
دور تا دور حسینه به تصویر و وصیت‌نامه‌ی شهیدان آراسته بود. شهدای دانش‌آموز، دانشجو، روحانی و ...
غرق تماشای تصاویر بودیم که احمد ما را صدا زد.
... بچه‌ها! بیایید اینجا!

همگی دور یکی از تابلوها جمع شدیم. نوشته‌ی روی تابلو، توچه ما را به خود جلب کرد:
«سلام ما را به امام خمینی برسانید. از قول ما به امام بگویید: همان‌طور که فرموده بودید، مانند امام حسین (علیه‌السلام) مقاومت کردیم، ماندیم و تا آخر جنگیدیم.»
این آخرین سخن آن بسیجی قهرمان قبل از شهادتش بود.
از حسینه بیرون آمدیم و چند لحظه در گوشه‌ای نشستیم. به آنچه دیده و خوانده بودیم، فکر می‌کردیم.
آقای شکبیا گفت: «شهدا پیرو راه امام حسین (علیه‌السلام) بودند و تا آخرین قطره‌ی خون خود از کشور اسلامی ما دفاع کردند. آنها پاداش زیادی پیش خدا دارند. خدا در قرآن می‌فرماید:

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقتَلْ أَوْ يَغْلِبْ،
فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

«هرکس در راه خدا بجنگد؛ کشته شود یا پیروز گردد،
پاداش بزرگی به او خواهیم داد.»

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۴

۹۲

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۲

هر لحظه به شمار جمعیت افزوده می‌شد. از آقای شکیبا پرسیدیم: «چرا مردم هر سال به این مناطق سفر می‌کنند؟»

– شهدا در راه خدا از همه چیز خود گذشتند. آنها جانشان را فدا کردند تا میهن اسلامی پایدار بماند. فداکاری آنها دشمنان اسلام را خوار و ذلیل کرد. ما به این مناطق می‌آئیم تا یاد آنها را زنده نگه داریم و از شهدا درس بگیریم. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

بالاتر از هر کار نیک، کار نیک دیگری است و
شهادت در راه خدا بالاترین نیکی است.

شهدا به بالاترین نیکی‌ها رسیدند و ما هم با درس گرفتن از آنها می‌توانیم بهتر و زیباتر زندگی کنیم.



بخشی از وصیت‌نامه‌ی یک دانش‌آموز شهید

به همه سفارش می‌کنم که زیاد قرآن بخوانید و دعا کنید.
پدر و مادر عزیزم! شما یک عمر برایم زحمت کشیدید؛ ولی من برای شما چه کرده‌ام؟ حدیثی هست که «اگر می‌خواهی گناهت پاک شود، به پدر و مادرت کمک کن»؛ ولی من برای شما این گونه نبودم! از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید.

برایم بگو

در دوران دفاع مقدس، غیر از شهدا چه کسان دیگری در حملات دشمن صدمه و آسیب دیدند؟

گفت‌وگو کنید

این جملات از وصیت‌نامه‌ی یکی از نوجوانان شهید انتخاب شده است.
 هدف این نوجوان از حضور در جبهه چیست؟

هم‌اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، با قلبی پر از عشق به جبهه و قلبی سرشار از ایمان، عازم جبهه‌ی حق علیه باطل هستم. من ندای حسین‌گونه‌ی امام اَمّت را با دل و جان پذیرفته‌ام و در خطّ حسین و پشت سر سیدالشهداء حرکت می‌کنم.

من می‌خواهم به جبهه بروم تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام تنها نیست و ما تا خون در رگ داریم، اسلام و امام را یاری خواهیم کرد.

با توجه به آنچه خواندیم به نظر شما اگر فداکاری‌های شهدا و رزمندگان نبود، چه وضعی برای ما پیش می‌آمد؟

ایستگاه فکر

در کتاب فارسی سوم دبستان با داستان فداکاری شهید فهمیده در دفاع مقدس آشنا شدید.

- آیا جمله تاریخی امام خمینی (ره) درباره‌ی این «رهبر کوچک» را به خاطر دارید؟
- به نظر شما چه شباهت‌هایی میان رفتار شهید حسین فهمیده با رفتار حضرت فاطمه (علیه‌السلام) در روز عاشورا وجود دارد؟

بررسی کنید

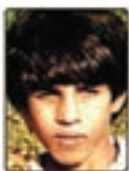
به جز شهدای دفاع مقدس، چه شهدای دیگری در این زمان می‌شناسید؟

بگرد و پیدا کن

در اینجا نام تعدادی از شهدای دفاع مقدس آمده است. در زیر بخشی از نام آنها، خط کشیده شده است. این بخش‌ها را در جدول پیدا کنید و دور آنها خط بکشید. حروف باقیمانده را به ترتیب کنار هم قرار دهید و یک کلمه بسازید. این کلمه، عنوان کسانی است که به شهیدان زنده معروف‌اند. به نظر شما وظیفه‌ی ما در برابر آنها چیست؟



محمود کتوه



بهنام محمندی



مصطفی جمران



مهدی دیکری



محمود ابراهیم هکات



علی هکمه شوری



حسین خاوری



محمود جمران



حسین دابیری



محمود ابراهیم هکات



شهید زنده است.

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۵

بین و بگو

آیا تا به حال به زیارت شهدا رفته‌اید؟



به دیدار خانواده‌های ایشان چطور؟



چه احساسی داشتید؟

۹۶

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۶

کامل کنید

به نظر شما، ما دانش‌آموزان چه درس‌هایی می‌توانیم از شهدا بگیریم؟

شجاعت

ایستگاه خلاقیت

بخش‌هایی از وصیت‌نامه‌ی دو شهید دفاع مقدس را در این درس با هم خواندیم. کدام‌یک از جمله‌های این وصیت‌نامه‌ها را بیشتر دوست داشتید؟ یکی از این جملات را با خطی زیبا روی مقوّا بنویسید و در کلاس یا راهرو مدرسه نصب کنید.

تحقیق کنید

درباره‌ی یکی از شهدا یا جانبازان یا اسیران محلّ زندگی خودتان، که در جنگ ایران و عراق حضور داشته‌اند، تحقیق کنید.



۹۷

• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۹۷

عنوان درس:

شماره صفحه: پشت جلد

عنوان: هدیه های آسمانی

کد: ۶۰۲

دوره: ابتدایی

پایه: ششم

سال انتشار: ۱۳۹۹



تعداد کپی: ۱۳۹۰۰۰
تاریخ: ۱۳۹۰-۰۹-۰۱
شاب: ۹۶۴-۶۰۲-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰

«خج قاصد» یک نفر نیست، نام تک تک ماست...

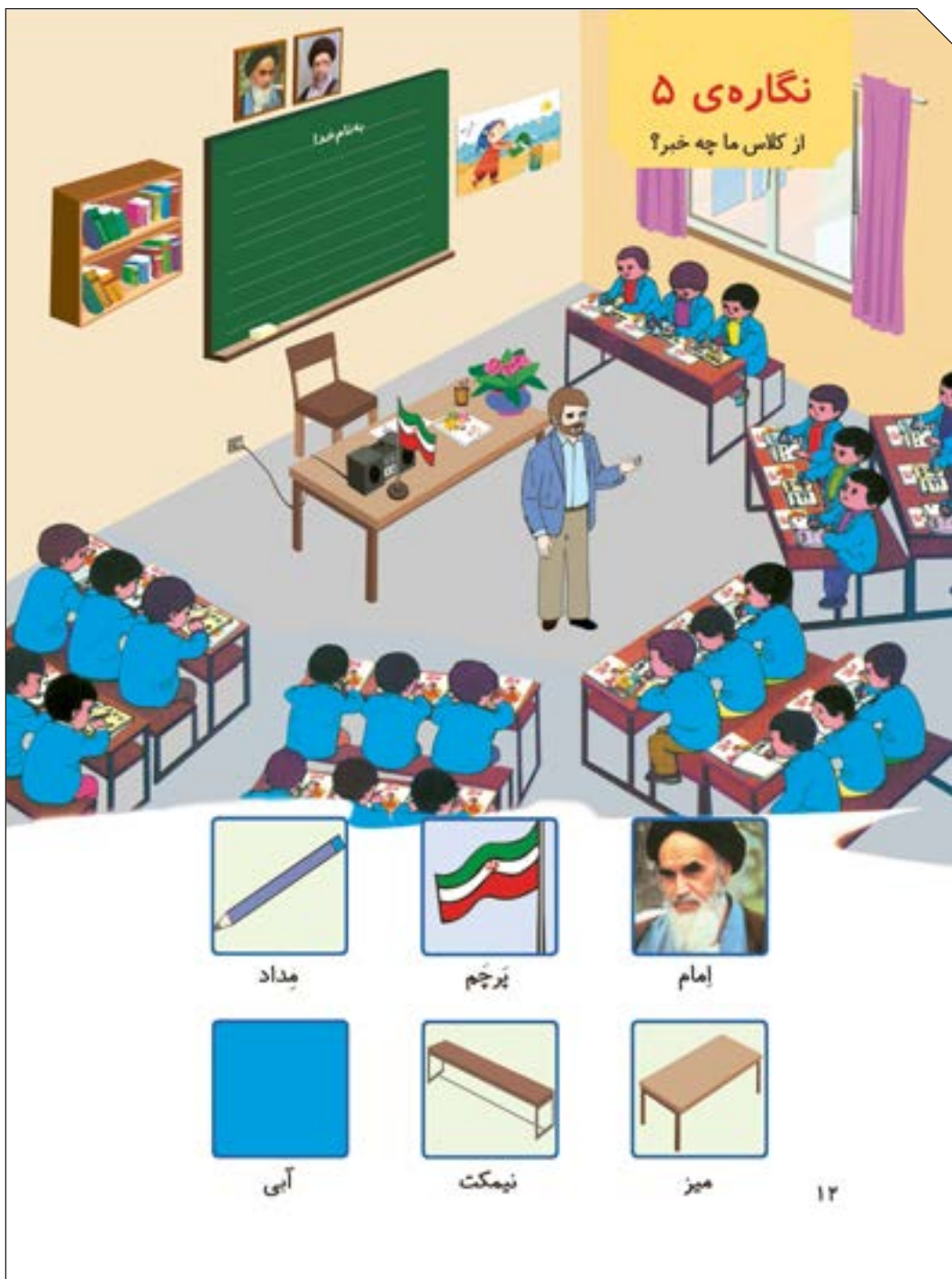
هر جا می رفت، پای تو پیروزی می شکست.

مرز نمی شناخت، سرزمین تو هر جا بود که مدتی مظلومی بر می خاست.

لجندی داشت که دلها را می ربود، پر از صمیمیت و صداقت.

و مهریان و آرام چون نسیم.

راست قامت بود و استوار چون کوهساران



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۲



عنوان درس:

شماره صفحه: ۲۱

معارف اسلامی



سرباز



سبز



زرد



تیرانداز



سرباز

ایران - ایران پاینده
با سرباز رزمنده

ز

آداب آمدن سس او و دت رزن ایپی ای ز ای ه (ه) ه

۴۵

عنوان درس:

شماره صفحه: ۴۵

خاطرات انقلاب

کلاس ها و حیاط مدرسه را برای جشن آماده کرده بودند . ما در حیاط .
صف بسته بودیم و مدیر ، خاطرات روزهای انقلاب را تعریف می کرد .
او می گفت : « شا آن روزها به دنیا نیامده بودید . مردم ما به رهبری امام
خسینی ، به خیابان ها آمدند و راه پیاپی کردند . آن ها شعار می دادند : « الله اکبر .
خسینی رهبر » .

شاه ، امام را از مردم دور کرده بود . مردم شاه را نمی خواستند . طولی



عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۷

نکشید که شاه از ایران فرار کرد. امام خمینی به وطن آمد. آن روز، دوازدهم بهمن بود. از دوازدهم تا بیست و دوم بهمن، که روز پیروزی انقلاب اسلامی است، ده روز است که به آن، «دهه‌ی فجر» می‌گویند. ماه‌ها سال، دهه‌ی فجر را جشن می‌گیریم و یاد امام خمینی و شهیدان انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم.»

ط



عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۸



با هم بخوانیم



جشن بهمن

رسیده جشن بهمن جشن بزرگ بهمن
 کلاس ما دوباره شده پر از ستاره
 پر از گل و قاصدک شکوفه و شاپرک
 شده پر از پرندۀ پر از صدای خنده
 نقل و نبات و لجنده کباب و غود و اسفند
 بهمن ما شاد شاد از غم و غصه آزاد
 کبری حاشی



۱۰۰

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۰



عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۵



پرچم

کتاب قشک ضحاک می‌نماید. نسیم آهسته می‌وزید
و پرچم زیبای ایران را تکان می‌داد.
پدرم وقتی دید که من هر بار با دقت به پرچم نگاه می‌کنم،
پرسید: «اسمن جان، می‌دانی پرچم برای چیست؟»
گفتم: «نه»
پدرم گفت: «پرچم نشانی آزادی و سربلندی یک
کشور است. هر کشور یک پرچم دارد.»
گفتم: «پدر جان، چرا رنگ پرچم کشورها با هم فرق
می‌کند؟»
پدرم جواب داد: «هر کدام از رنگ‌های پرچم نشانی
چیزی است؛ مثلاً پرچم ایران سه رنگ دارد. رنگ سبز
نشانی سرسبزی، رنگ سفید نشانی صلح و دوستی و
رنگ سرخ نشانی دفاع از میهن و آزادی آن است.»



عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۷



درس ششم

فداکاران

همیشه انسان‌های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات جان دیگران یا کمک به هم‌نوعان، جان خود را به خطر می‌اندازند؛ به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار، در ذهن مردم، جاودانه می‌ماند.

از این گونه انسان‌های بزرگ و افتخارآفرین، در هر کشوری، بسیار هست. در کشور بزرگ ایران نیز مردان و زنان، حتی کودکان و نوجوانان فداکار، فراموش نمی‌شوند. زندگی این انسان‌ها، سرشار و چراغ راه ماست.

کیا تاکنون نام شهید بهرام ختایم، شهید محمدحسین قمیده، ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده را شنیده‌اید؟



عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۰



سهام ختام، دختر دوازده ساله‌ای بود که در شهر هویزه
 زندگی می‌کرد. او دختری درس خوان و باهوش بود. سهام دوره‌ی
 دبستان را با موفقیت به پایان رساند و با اشتیاق در کلاس اول
 راهنمایی ثبت نام کرد؛ ولی به علت آغاز جنگ تحمیلی و اشغال
 شهر، نتوانست به مدرسه برود. سهام از اینکه شهر و مدرسه‌اش را
 در چنگ دشمن می‌دید، آرام و قرار نداشت و با پرتاب سنگ،
 دشمن را آزار می‌داد. سرانجام در پانزدهم مهر ماه ۱۳۵۹، رگبار
 گلوله‌ی اشغالگران، سهام را به آغوش خدا رساند.

محمدحسین فمیده، نوجوان فدakarی بود که با یک پسر کمر بست و
 در زیر زنجیرهای تلک دشمن، جان خود را فدا کرد تا از پیشروی آنان
 به سوی خاک ایران جلوگیری کند. هنگامی که خبر شهادت دلیرانی او
 بخش شد، امام خمینی «قدس سرّه» فرمودند: «رهبر ما آن طفل دوازده
 ساله‌ای است که با یک تلک، خود را زیر تلک دشمن انداخت.»

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۱

درس و نادرست

۱. ریز علی چیزی برای آتش زدن نداشت.
۲. حسن امیدزاده، اهل هویزه بود.

درک مطلب

۱. رفتار شهید خیام و شهید فهمیده، چه شباهتی با هم داشتند؟
۲. غیر از افرادی که نام آن‌ها در درس آمده، چه کسانی را می‌شناسی که با فداکاری خود، به دیگران کمک کرده‌اند؟

واژه‌آموزی

۱. به جمله‌های زیر دقت کن و جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب کامل کن.
• خط‌کشی، وسیله‌ای است که با آن، خط می‌کشند.
• میخ‌کشی، وسیله‌ای است که با آن، میخ را از تخته بیرون می‌کشند.
• حالا تو بگو:
• وسیله‌ای است که دود را از خانه بیرون می‌کشد.
• بارکشی، وسیله‌ای است که



عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۳

معارف اسلامی



ایران آباد

درس چهاردهم

آن روز، موضوع درس ما «میس» بود. رسم کلاس ما این بود که هر یک از گروه‌های دانش‌آموزان، ابتدا چند دقیقه‌ای درباره‌ی موضوع درس با هم مشورت و گفت‌وگو می‌کردند.

بعد یک نفر به نمایندگی از طرف گروه، سخن می‌گفت. این بار هم به شکل گروهی به هم فکری و بحث درباره‌ی «میس» پرداختیم.

پس از گفت‌وگوی گروهی، نخست نماینده‌ی گروه «جنرافیا» گفت: «به نظر ما، همی کسانی که در مناطق مرزی میس زندگی می‌کنند، نیکبان اصلی وطن هستند. ما مرزنیسان را که انسان‌هایی پر تلاش هستند، خیلی دوست داریم.»

از میان گروه «تاریخ»، یکی برخاست و گفت: «ما فکر می‌کنیم که همی مردم، باید گذشته و تاریخ میس خود را خوب بشناسند، از تاریخ، درس‌هایی زیادی می‌توان آموخت.»

نماینده‌ی گروه «زبان» گفت: «برخی از ما در مناطق مختلف کشور، به زبان مادری و محلی خود حرف می‌زنیم. زبان‌های محلی، گنجینه‌ای

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۲



با ارزش هستند ولی زبان فارسی، زبان ملی ما ایرانیان است و برای حفظ میهن، بسیار با اهمیت است..

از کرده «دانش». یکی بلند شد و گفت: «آنچه برای یک کشور، مهم است، پیشرفت در زمین‌های علمی و کشاورزی است. اگر ما در علم و صنعت پیشرفت کنیم، میهن ما هم جا معروف و سر بلند می‌شود..»

در این هنگام، نماینده‌ی کرده «همسگی» گفت: «دوستان! ما فکر می‌کنیم چیزی که بیشتر از همه برای پاسداری از میهن لازم است، نگه‌داری قرآن و اسلام و پیروی از رهبر است که باعث اتحاد مردم می‌شود. ما اگر همیشه یادور هم باشیم و از خدای بزرگ یاری بجویم، موفق می‌شویم..»

یکی از اعضای کرده «لاله» گفت: «ما می‌خواهیم درباره‌ی درمندگان صحبت کنیم که در طول هشت سال دفاع مقدس، شجاعانه جنگیدند و از وطن دفاع کردند. شاید شما هم مانند من، دوست دارید در آینده خلبان شوید. بهتر است بدانید: خلبانی مانند شهیدان عباس بابایی، مصطفی اردستانی، علی اکبر شیرودی، احمد کشوری و عباس دوران، دلاورانه پرواز کردند و میهن را حفظ کردند. آن‌ها اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک میهن به دست دشمن بیفتد..»

آهنگار که تا آن هنگام، با دقت و علاقه به صحبت‌های بچه‌ها گوش می‌داد، با خوش حالی، جلوی کلاس آمد و گفت: «بچه‌های عزیز! بسیار مهم است که هر ایرانی، به خوبی به وظیفه‌ی خود عمل کند؛ تا با حملی و هکاری، ایرانی آباد داشته باشیم..»

دست در دست هم دهم به هر
میهن خویش را کنیم آباد

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۳

درست و نادرست

۱. زبان فارسی، زبان ملی ایرانیان است.
۲. شهید عباس دوران از شهدای نیروی دریایی است.

درک مطلب

۱. دانش‌آموزان برای سربلندی میهن خود چه وظایفی دارند؟
۲. آیا از دلاوری‌های خلیانان در دفاع مقدس، چیزی می‌دانی؟ درباره‌ی این موضوع با هم‌کلاسی‌هایت گفت‌وگو کن.

واژه‌آموزی

- به این جمله‌ها توجه کن.
- خیاط کسی است که لباس می‌دوزد و خیاطی محل کار اوست.
 - عکاس کسی است که عکس می‌گیرد و عکاسی محل کار اوست.
 - حالا تو بگو:
 - نانوا کسی است که نان می‌پزد و محل کار اوست.
 - قصاب کسی است که گوشت می‌فروشد و محل کار اوست.
 - بزاز کسی است که می‌فروشد و محل کار اوست.



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۴



بخوان و ببیندیش

بوی سیب و یاس

امیر و دوستانش در کوچه بازی می‌کردند از بلندگوی مسجد کنار خانه‌ی آن‌ها، آهنگی پخش می‌شد. امیر می‌دانست که این، همان آهنگی است که در روزهای جنگ پخش می‌شده است. پدرش این موضوع را به او گفته بود.

در همین وقت، پدر امیر از راه رسید. او چند جعبه سیب خریده بود. بچه‌ها کمک کردند و جعبه‌ها را به خانه بردند. پدر امیر، مثل هر سال، سر کوچه، یک میز بزرگ گذاشت. او تابلویی را روی میز گذاشت. تابلو تصویری از مسجد خرمشهر بود. در بالای تصویر، این جمله با خط زیبا نوشته شده بود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». مادر با کمک امیر و بچه‌ها، سیب‌ها را شسته چند نفر هم آن‌ها را خشک کردند. مادر سیب‌ها را توی ظرف چید. امیر و دوستانش ظرف‌ها را بردند و روی میز چیدند. دو طرف میز هم، دو گل‌دان شمعدانی گذاشتند. مادر سماور بزرگی آورد و آن را در گوشه‌ی میز گذاشت. بچه‌ها لیون‌ها را آنجا چیدند. پدر امیر، برای همه چای ریخت و گفت: «اول نوبت شما بچه‌هاست.»

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۶

کم کم همسایه‌ها هم آمدند. یکی از آن‌ها، یک جمعی بزرگ شیرینی آورد. همسایه‌ی دیگر یک سینی بزرگ حلوا و دیگری خرما آورد. همه از پدربزرگ حرف می‌زدند و می‌گفتند که امیر خیلی شبیه پدربزرگش است. امیر به عکس پدربزرگ، که روی میز بود، نگاه کرد و با خودش گفت: «همسایه‌ها راست می‌گویند. من خیلی شبیه پدربزرگم هستم.»

پدر امیر به بچه‌ها گفت: «امروز، روز آزادی خرمشهر است. روزی است که دشمن از ما شکست خورد.»

یکی از بچه‌ها به امیر گفت: «دیشب پدربزرگ من، از پدربزرگ تو حرف می‌زد. آن‌ها با هم دوست صمیمی بودند. پدربزرگم از شجاعت او حرف می‌زد و می‌گفت او و دوستانش شجاعانه جنگیدند، تا خرمشهر آزاد شد.»

امیر می‌دانست که مردم، هر سال، روز آزادی خرمشهر را جشن می‌گیرند. هر سال درباره‌ی شجاعت پدربزرگ و بقیه‌ی رزمندگان حرف می‌زدند. با خودش فکر کرد که ای کاش پدربزرگ زنده بود. یکی از بچه‌ها سیبی برداشت. سیب دیگری قل خورد و لبه‌ی باغچه ایستاد. توی باغچه پر از گل یاس بود. بوته‌های یاس بلند بودند و تمام دیوار را گرفته بودند. بالای بلندترین یاس، اسم کوچه را نوشته بودند. امیر برای چندمین بار نام کوچه را خواند: «کوچه‌ی شهید رستمی». او فکر کرد با آنکه اکنون سال هاست که دیگر پدربزرگ در میان آن‌ها نیست، بیشتر مردم شهر او را می‌شناسند. او می‌دانست که همسایه‌ها هر روز که از کوچه می‌گذرند و نام او را می‌بینند، به روح بلند او درود می‌فرستند. امیر کنار بوته‌ی یاس رفت. سیب را برداشت. آن را بو کرد. سیب، بوی یاس می‌داد. چند پروانه دور گل‌دان‌های شمعدانی و بوته‌های یاس، پرواز می‌کردند.

بابا گفت: «بچه‌ها بروید بازی کنید. اینجا خسته می‌شوید.»

امیر باز هم اسم پدربزرگ را خواند و رفت تا با بچه‌ها بازی کند.

📖 **مقاله: باغچه‌ی یاس**

درک و دریافت

- چرا هر سال، روز آزادی خرمشهر را جشن می‌گیرند؟
- پدربزرگ امیر چه ویژگی‌هایی داشته‌است؟ با توجه به متن دو ویژگی او را بگو.
- کلمه‌ی «آنجا»، در بند دوم متن، به کجا اشاره می‌کند؟
- کلمه‌ی «اینجا»، در انتهای متن، به کجا اشاره می‌کند؟



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۱۰۷

مهمانِ شهر ما

درس هفتم

از چند روز پیش شنیده بودیم که قرار است مهمان عزیز و بزرگی به استان ما بیایند. همه جا سخن از آمدن ایشان و حضور گرم مردم و آماده شدن برای استقبال بود.

شادی و نشاط در چهره‌ی همه‌ی مردم شهر دیده می‌شد. بچه‌ها و جوان‌ترها بسیار خوشحال و پر هیجان به نظر می‌آمدند. خلاصه، هر چه به روز درود آن مهمان هریان نزدیک می‌شدم، تپش قلب‌ها تندتر می‌شد. تمام کوچه‌ها و خیابان‌های شهر، پاکیزه و



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۲

آب و جارو شده بودند. همه جا و همه چیز و همه کس به انتظار رسیدن این مهمان و تماشای
زخار ایشان بودند.

سردهای نشاط انگیز از «صدا و سیما» شنیده می شد.

«آب زنید راه را، همین که نگاه می رسد

مرزده دهید باغ را، بوی بهار می رسد...»

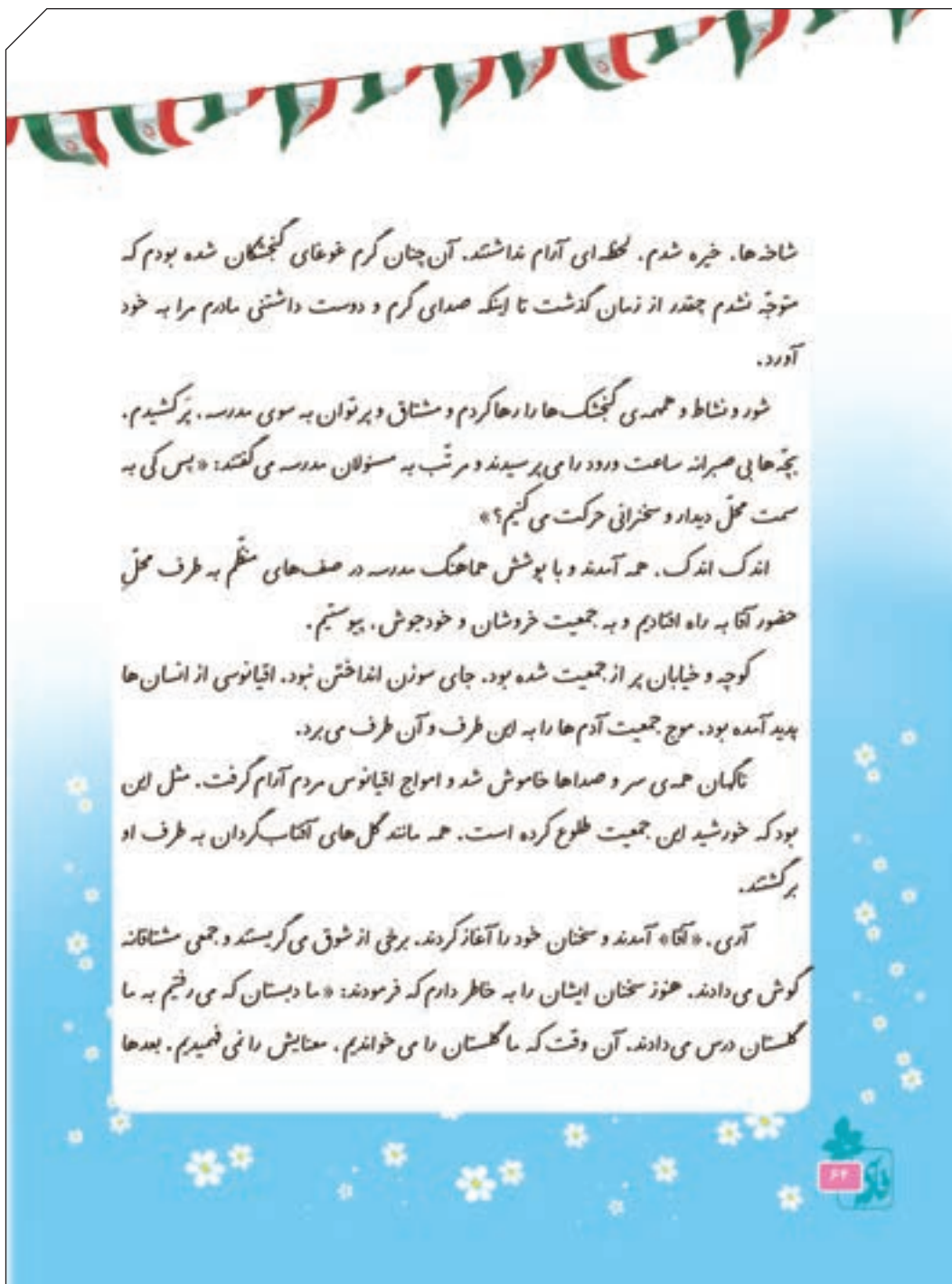
گفتم به آن روز نزدیک می شدم. در مدرسه فراد گذاشتیم که برای استقبال برویم. بچه ها
خوشحال و بی قرار بودند، هر یک از ما لحظه شماری می کرد که روز استقبال کی می رسد؟
بالاخره آن روز رسید. شب قبل، آن قدر هیجان زده بودم که نمی دانم چطور خوابیدم، فقط
به فردا و انبوه جمعیت فکر می کردم.

صبح آن روز، زودتر از همیشه با شنیدن صدای جیک جیک گنجشکان از خواب بیدار
شدم. لحظه ای فکر کردم، مثل اینکه گنجشکان هم آمدن این مهمان عزیز را جشن گرفته اند.
خوشحال و با نشاط به حیاط رفتم. نسیم خنک
و ملایم بامدادی، دستی به صورتم کشید،
خنکی هوای صبح را با تمام وجود حس کردم.
کی به تماشای جشن گنجشک ها در لابه لای



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۶۳



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۴



در طول زمان، معنای آن اشعار و آن جملات را فهمیدیم؛ این خوب است. انسان ممکن است چیزهایی را درست نفهمد اما این برای فعالیت ذهن، زمینه درست می‌کند و خوب است، فکر کردن باید محور تلاش باشد.»

درست و نادرست

- 1 دانش‌آموزان همراه خانواده‌هایشان به استقبال رفته بودند.
- 2 جنب و جوش گنجشکان نشانه‌ی انتظار آنها برای ورود مهمان بود.
- 3 گذشت زمان به درک معنی بعضی از مطالب کمک می‌کند.

درک مطلب

- 1 با توجه به متن درس، منظور از «مهمان شهر ما» چه کسی بود؟
- 2 در متن درس، انتظار مردم چگونه بیان شده است؟
- 3 چرا تلاشی‌های ما باید با فکر کردن، همراه باشد؟



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۵

فرمانده دل‌ها

درس یازدهم

آن روزها دگر جیسی جنگ، خاندی اول حسین شده بود. اگر دیدار با خانواده‌ی شهدا و دشمنی‌های خانواده‌اش نبود، آن چند روز را هم مرخصی نمی‌رفت. بچه‌های کوچک شهدا او را دوست داشتند. حسین آنها را با حرف‌های کودکانه‌اش، می‌خنداند؛ با خنده‌ی آنها، بهانی اشکش را پاک می‌کرد.



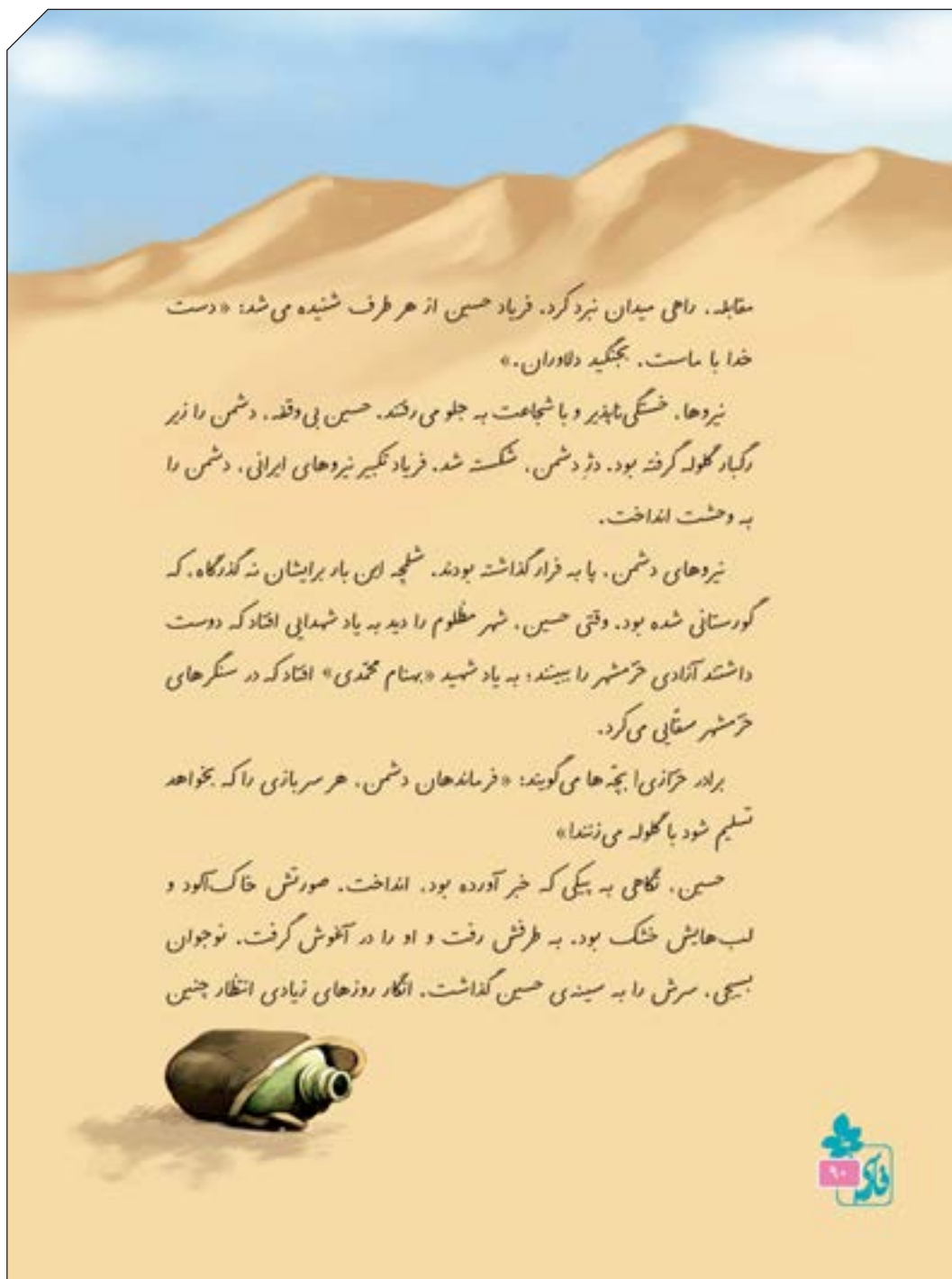
عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۸

او همیشه فتنه هایش را تا تمام می گذاشت تا بچه ها منظر دیدار بعدی و شنیدن بقیه فتنه باشند. برای عروسک هایشان لالایی می خواند و تنگ پلاستیکی پسر بچه ها را رو به دشمنان نشانه می رفت. حتی مسئولیت سنگینی که داشت، نمی توانست مانع بازی کردنش با فرزندان شهدا باشد. حسین به دعایی که از لب های آنان جاری می شد، اعتقاد عجیبی داشت. بچه ها دست های کوچک خود را به آسمان می گرفتند و برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا می کردند. آن روزها حسین احساس می کرد، به دعای این قب های پاک به شدت محتاج است. عملیات پیش رو، خیلی مهم و حساس بود. مردم می دانستند خرمشهر، خونین شهر مظلومی است که مجاهدان، آن را به اشغال درآورده اند. آنلادی خرمشهر، آرزوی همی مردم ایران بود. رزمندگان در حال آماده سازی خود بودند. این بار باید ضربی نهایی از منطقه ی خرمشهر - شلجه وارد می شد، جایی که دشمن برای نیروهایش دژی تسخیرناپذیر ساخته بود تا برای همیشه خرمشهر را در اشغال داشته باشد. اولین گروه رزمندگان به دشمن حمله کرد. آتشبارهای عراقی یک دم، خاموش می شدند. دود و آتش، فضای منطقه را پر کرده بود. بعد از نبردی سخت، رزمندگان در میان بارانی از گلوله، وارد شدند. حسین می گفت: «مهم ترین منطقه، شلجه است! باید همان جا نیروهای دشمن را در هم بکوبیم!»

شور و شوق و صف ناپذیر، وجود حسین را دربرگرفته بود. او و هم زمانش در نقطه ای قرار گرفته بودند که مردم ایران هر روز و شب برای آنلادی آن دعا می کردند. خرمشهر بوی «چنان آرا» و دوستان شهیدش را می داد. دیگر برای آنلاد کردنش جای درنگ نبود. او برای نفوذ به سپاه دشمن، یاران خود را آماده کرد. دشمن، چند گردان تازه نفس خود را برای





مقابلہ، راحی میدان نبرد کرد. فریاد حسین از ہر طرف شنیدہ می شد: «دست خدا با ماست. بجنگیدہ دلاوران.»

نیروہا، خشکی بپذیر و با شجاعت بہ جلو می رفتہ. حسین بی وقفہ، دشمن را زیر رگبار گلولہ گرفتنہ بود. دژ دشمن، شکست شد. فریاد تکبیر نیروہای ایرانی، دشمن را بہ وحشت انداخت.

نیروہای دشمن، پا بہ فرار گذاشتہ بودند. شلجہ ابن ہاربرایشان نہ گذرگاہ، کہ کوردستانی شدہ بود. وقتی حسین، شہر مظلوم را دید بہ یاد شہدایی افتاد کہ دوست داشتہ آنرا دی خرمشہر را ببینند، بہ یاد شہید «ہشام محمدی» افتاد کہ در سنگرہای خرمشہر شہائی می کرد.

برادر خرازی اہمچہ ہا می گویند: «فرماندہان دشمن، ہر سربازی را کہ بخواہد تسلیم شود با گلولہ می زنند!»

حسین، گلاچی بہ پیکلی کہ خبر آورده بود، انداخت. صورتش خاک آلود و لب ہایش خشک بود. بہ طرفش رفت و او را در آغوش گرفت. نوجوان بیسی، سرش را بہ سینی حسین گذاشت. انگار روزہای زیادی انتظار چنین

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۰



لحظه‌ای را می‌کشید. اشک‌های حسین، موهایی خاک‌آلود او را خیس کرد.
 «مگر آن نباش مونس! مطمئن باش. خداوند اراده کرده که خرمشهر آزاد بشود»
 از نشانه‌هایش هم همین است که دشمنان به جان هم افتاده‌اند.»
 مقاومت‌های پراکنده‌ای در شهر ویران خرمشهر دیده می‌شد. بالگردهای دشمن
 در تلاش بودند فرماندهان نظامی را از میدان نبرد، نجات بدهند؛ اما با هدف
 قرار گرفتن و سقوط یکی از آنها، بقیه فرار را برقرار ترجیح دادند.
 اکنون در مسجد جامع شهر، که روزهای زیادی مرکز مقاومت جوانان بود،
 رزمندگان نماز شکر می‌خواندند. ساعتی بعد، حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره،
 دور دست را نظاره می‌کرد.

درست و نادرست

- ۱ آزادی خرمشهر از دست متجاوزان، آرزوی همه‌ی مردم ایران بود.
- ۲ بالگردهای دشمن موفق شدند، فرماندهان نظامی را از میدان نبرد نجات بدهند.
- ۳ پیکی که برای حسین خبر آورده بود، تشنه بود.

فکر کن

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۱

درک مطلب

- ۱ چرا بچه‌های کوچک شهدا حسین را دوست داشتند؟
 ۲ یکی از نشانه‌های اراده‌ی خداوند برای آزادی خرمشهر چه بود؟
 ۳ آیا شهید بهنام محمدی را می‌شناسید؟ تحقیق کنید و در زنگ بعدی فارسی درباره‌ی او صحبت کنید.

واژه‌آموزی

- ۱ شور و شوقی وصف‌ناپذیر وجود حسین را در برگرفته بود.
 شوق وصف‌ناپذیر، یعنی شوقی که به آسانی نمی‌توان آن را توصیف کرد.
 ۲ دشمن برای نیروهایش دژی تسخیرناپذیر ساخته بود.
 دژ تسخیرناپذیر، یعنی دژی که
 ۳ نیروهای خستگی‌ناپذیر با شجاعت به جلو می‌رفتند.
 نیروهای خستگی‌ناپذیر، یعنی

روان‌خوانی

به متنی که برایتان پخش می‌شود، گوش کنید و به لحن خواندن جمله‌های آن توجه کنید. بعضی جمله‌ها مطلبی را می‌گویند؛ برخی دیگر چیزی را می‌پرسد و بعضی درخواستی را بیان می‌کند. تعدادی از آن‌ها هم احساسی را نسبت به چیزی یا کسی نشان می‌دهد. دقت کنید که لحن خواندن این جمله‌ها چگونه است و چه تفاوتی با هم دارند.

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۲



عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۴



از شوق سطر آخر
مادر بلند خندید
چشمان مهربانش
برقی زد و درخشید

یک فطره شبنم از گنجل
بر روی برگ غلتید
یک فطره روی شیشه
مثل نگرک غلتید

یک فطره از دل من
بر روی دفتر افتاد
یک اتفاق ساده
در چشم مادر افتاد

بادان پشت شیشه
آمد به خاندی ما
آرام دست خود را
می زد به شاندی ما

فیض امین پور

درست و نادرست

نامۀ از جیبۀ می جنوب آمدہ بود.

مادر از شدت ناراحتی به گریه افتاد.

فکر ۹۵

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۵



سرود ملی

درس ششم

بر جم سه رنگ و زیبای ایران به اهتزاز در آمد و همراه آن، سرود ملی نواخته شد:

«سرزد از افق، مهر خادان
 فروغ دیده‌ی حق باوران
 بهمن، خَرِ ایمان ماست، پیامت ای امام
 استقلال، آزادی، نقش جان ماست،
 شهیدان، پیچیده در کوش زمان فریادشان
 پاینده، مانی و جادوان
 جمهوری اسلامی ایران»

سرود پایان یافت، فرمان، دست‌های خود را بالا برد و به احساسات مردمی که در ورزشگاه بودند، پاسخ داد. کردن آواز طلا بر سیند اش می‌درخشید. حاضران شادمانی می‌کردند و پیروزی او را تبریک می‌گفتند.




شما هم سرود ملی کشورمان را شنیده‌اید. هر کشوری، افزون بر پرچم که نشانی استقلال آن است، یک سرود ملی نیز دارد که، خلاصه‌ی افتخارات، عظمت‌ها و خواسته‌های یک ملت است. سرود ملی همچون آیینی است که مردم یک کشور، گذشته‌ها، آرزوها، پیروزی‌ها و اعتقادات خود را در آن می‌یابند.

شاید دیده باشید که در مراسم بزرگ و هنگام اعلام پیروزی قهرمانان در مسابقات ورزشی، سرود ملی کشورها نواخته می‌شود. هم‌ی مردم کشور، این سرود کوتاه و شورانگیز را می‌شناسند، به آن احترام می‌گذارند و با غرور و افتخار آن را می‌خوانند؛

سرود ملی کشورها معمولاً کوتاه است و همین کوتاهی، کار را مشکل می‌کند.

تصور کنید می‌خواهید حرف‌های بسیار مهم و ارزشمندی را در چند جمله بگویید. انتخاب این جمله‌ها نیازمند تفکر و هزمندهی فراوان است. به خصوص اگر بخواهید آنها را موزون و زیبا بگویید. سرود ملی تنها شعر نیست؛ موسیقی و آهنگ نیز دارد. موسیقی آن معمولاً بسیار گرم و هیجان‌انگیز است. این آهنگ شورانگیز، روحیه‌ی شجاعت، دفاع از کشور و علاقه به آن را در مردم برمی‌انگیزد.

هر کشوری برای اینکه پیشرفت کند، نیازمند همکاری، از خودگذشتگی و ایثار است. فداکاری و سخت‌کوشی مردم، ضامن آبادی و استقلال کشور است. سرود ملی هم می‌کوشد چنین روحیه‌ای را در مردم، تقویت کند.

الکون سرود کشورمان را یک بار دیگر بخوانید و مهم‌ترین کلمات آن را کنار هم بگذارید. بهمن، ایمان، امام، استقلال، آبادی، شهیدان و جمهوری اسلامی ایران واژه‌های اصلی این سرود است. از این کلمات چه می‌فهمیم؟



سرود ملی کشورمان با دعا برای پایداری و جاودانگی ملت و کشور پایان می‌یابد. کشوری که با تاریخ کهن و افتخارات بزرگ خود در جهان می‌درخشد. در آینده نیز به یاری خدا، با گام‌های استوار فرزندان خویش، به سوی سازندگی و سربلندی به پیش خواهد رفت.

خوشا مرز ایران غیر نسیم که خاکش گرامی‌تر از زر و سیم
 عواش موافق به هر آدمی زمیش. سراسر بر از خرمی
 همه بوستانش، سراسر گل است به باغ اندرون، لاله و شبنم است

درست و نادرست

- ۱ پرچم هر کشور نشانه‌ی استقلال آن کشور است.
- ۲ جمله‌ی «پاینده مائی و جاودان» در سرود ملی، دعا و نیایشی برای ملت و کشورمان است.
- ۳ در مسابقات ورزشی، سرود ملی کشور برنده، نواخته می‌شود.

درک مطلب

- ۱ چرا سرود ملی، در درس به آینه تشبیه شده است؟
- ۲ چه کارهایی برای آزادی و استقلال یک کشور باید انجام داد؟
- ۳ سرود ملی را با پرچم مقایسه کنید و بگویید چه شباهتی با هم دارند؟ هر کدام نشانه‌ی چیست؟
- ۴ در سرود ملی از چه چیزی به عنوان «نقش جان ما» یاد شده است؟



عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۰

بخوان و ببندیش

رئیس علی

در غروب شرجهی پتدر هوا دم کرده بود. رئیس محمّد داخل حیاط کنار نخل مشغول خواندن نماز مغرب بود که صدای صلوات در فضای خانه پیچید. سلام نماز را که داد، آرام سرش را برگرداند؛ قابله‌ی روستا روی سکوی خانه ایستاده بود، بلند صدا زد: «رئیس محمّد، مزدگانی بدم، نوزاد به دنیا آمد؛ خدا پسری به شما هدیه کرده است.»

رئیس محمّد روبه آسمان کرد و سر سجاده دست‌هایش را بالا برد و زیر لب دعا خواند و خدا را شکر کرد. سپس برخاست و تا نزدیکی سکوی اندرونی پیش آمد، قابله، قنداقی نوزاد را در دستاش گذاشت و کدخدا در گوش نوزادش اذان گفت. رئیس محمّد کدخدای دلواری بود. صبح روز بعد رئیس محمّد صبحانه را خورد و برای انجام کار کشاورزی، آماده‌ی رفتن به نخلستان شد. در این لحظه، همسرش از او پرسید: «نام نوزاد را چه بگذاریم؟» رئیس محمّد بی‌درنگ گفت: «به نام نامی مولای متّقیان، نامش را علی می‌گذارم.»



علی کودکی‌اش را در روستا با تماشای موج‌های خروشان خلیج فارس و دیدن کشتی‌های تجاری، لنج‌ها و قایق‌های ماهیگیری گذراند و سختی‌های آن سال‌ها را در کنار پدر تجربه کرد. در جوانی کنار مردان دلواری و هم‌سن و سال‌های خود اسب‌سواری، شتا و تیراندازی را آموخت و طوبی نکشید که به خاطر شجاعتش، مردم او را «رئیس علی» نامیدند. سفرهای دائمی و دیدن سختی‌های دریا و تنگدستی مردمان جنوب و مقاومت و پایداری آنها از رئیس علی، جوانی دلیر، بی‌باک، مردم‌دار و دوست‌داشتنی ساخته بود.

رئیس علی در مکتب‌خانه قرآن آموخت تا کتاب خدا چراغ راهش باشد، همچنین خواندن حافظه، شاهنامه و متون کلامی را برای دیگران شنیدنی‌تر و تأثیرگذارتر کرده بود. او بارها به همراه پدر به



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۴



دبدر عالمان دین و مبارزان جنوب رفته بود و
از نشت و برخاست با آنان چیزهای زیادی
آموخته بود.



صدای آنان در شهر پیچید. سفره‌ی
الطاری در حیاط خانه پهن بود. هندوایه‌ی
قرمز گولرا دل روزه‌داران را خنک می‌کرد.
بزرگ‌ترها لظاشارشان را با آب جوش، زعفران
و نبات باز می‌کردند.

آن سال‌ها انگلیسی‌ها از راه دریا به
جنوب ایران و بوشهر می‌تاختند و مردم مثل

همیشه به مبارزه با دشمن برخاسته بودند. دلوآر بر ساحل خلیج فارس و در پنج فرسخی بوشهر صفی از
مجاهدان و مبارزان را آماده‌ی تبرد با انگلیسی‌ها کرده بود.

رئیس علی احساس می‌کرد در شهر خیرهایی است. سروصدای زیادی در شهر بود. دوریتش را برداشت.
ناگهان روی پام امیریه، پرچم انگلیس را دید. مانش برد. آن گاه دورین را به سمت گمرک چرخاند. باد بیرق
انگلیسی‌ها را به حرکت درآورده بود. باورش نمی‌شد انگلیسی‌ها بوشهر را اشغال کرده باشند.



نظامی‌های هندی از کشتی پیاده شده بودند و به دستور فرمانده‌های انگلیسی در شهر نگهبانی
می‌دادند. مرکز حکومت در بوشهر به دست دشمن افتاده بود. عده‌ای از مردم بهترین چاره را در خارج شدن
از شهر می‌دیدند.

انگلیسی‌ها در مورد شجاعت رئیس علی شنیده بودند و خوب می‌دانستند که می‌تواند خواب آرام آنها
را در شب‌های بوشهر آشفته کند.

رئیس علی دیگر آرام و قرار نداشت. خونسش به جوش آمده بود. باید برای آزادی شهر چاره‌ای



می‌جست. همیشه صد تفنگچی فرمانده جوان خود را همراهی می‌کردند. این بار هم با فرماندهی رئیس‌علی با دشمن مبارزه کردند. وقتی تفنگچی‌ها گمرک را آزاد کردند، انگلیسی‌ها برقی از سرشان پرید. فرمانده انگلیسی و نیروهایش دستپاچه شده بودند.

رئیس‌علی پرچم انگلیس را به زیر کشید و به افسر انگلیسی گفت: «به فرماندهات بگو پرچم انگلیس در این کشور جایی ندارد.»



کشتی‌های انگلیسی بر ساحل دلواری پهلوی گرفته بودند. بعد از شکست سخت آنها در پوشهر، حالا نوبت دلواری بود. اما رئیس‌علی، آنها را غافلگیر کرده بود و سربازان دشمن یا کشته شده بودند یا درحال فرار به سمت کشتی‌ها بودند.

فرمانده پیاده نظام دشمن زخمی شده بود و در اسارت دلواری‌ها بود. رئیس‌علی خود را بالای سر لو رساند و جویای حالش شد. فرمانده که حال مناسبی نداشت، گفت: «حال خوبی ندارم به زودی می‌میرم، خیلی هم تشنه‌ام.»

رئیس‌علی دستور داد تا برایش آب بیاورند. سرش را بلند کرد و کمی آب به لو داد. فرمانده انگلیسی به نشانه‌ی تشکر سرش را تکان داد. لو در مدتی که در خلیج فارس بود کم و بیش زبان فارسی را یاد گرفته بود. پس رویه رئیس‌علی کرد و گفت: «می‌خواهم نامه‌ای برای ژنرال بنویسم.»

رئیس‌علی دستور داد کاغذ و قلم برایش بیاورند و قول داد نامه‌اش را به فرمانده نالو جنگی برساند. سرباز انگلیسی به دستور فرمانده‌اش چنین نوشت: «اکنون که این مطالب را می‌گویم و نظامی من می‌نویسد با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنم. سرنوشت من چنین بود که پس از سال‌ها آوارگی در سرزمین‌های مختلف و اقامت طولانی در کشورهای خلیج فارس در یکی از روستاها کشته و در زیر آفتاب پرفروغ جنوب ایران به خاک سپرده شوم.»

وقتی در کشتی به دین شما آمدم، گفتم که مردم این سرزمین همه دلیر و بی‌باک هستند. آنها از مهمان خود هرگاه رسم ادب و عاطفه را به‌جا آورد، به خوبی پذیرایی می‌کنند اما از آنها بی‌که قصد خیانت و بی‌حرمتی به مردم سرزمینشان را دارند، هرگز نمی‌گذرند.

الان من با دو نظامی خود اسیر دلواری‌ها هستیم ولی فرمانده جوان و بی‌باک آنها اجازه داده است که آخرین حرف‌هایم را در کمال آزادی و آرامش بنویسم و خودش در فاصله‌ی دورتر از ما گرم گفت‌وگو با دوستانش است.



ژنرال، آیا این جوانمردی در درون من و تو هم دیده می‌شود؟ من هنوز نمی‌دانم در چه راهی کشته شده‌ام اما خوب می‌دانم که این مردم دلیر و این فرمانده جوان که در هیچ دانشگاهی تحصیل نکرده است، فقط با عشق به وطن و دین خود، برای سرافرازی کشورشان و ناامید کردن دشمنانشان می‌جنگند.

ژنرال، راستی چرا رئیس علی در مکتب طبیعت و در زیر خورشید تابناک و سوزان جنوب، درس مردانگی و شهامت آموخته است ولی من و تو در دانشکده‌های عالی لندن جز کینه، حرص، استعمار و زورگویی چیز دیگری نیاموخته‌ایم؟»

سیروس فتحی

درک و دریافت

۱. زادگاه رئیس علی کجاست؟
۲. چرا انگلیسی‌ها فکر می‌کردند فقط رئیس علی می‌تواند خواب آرام آنها را آشفته کند؟
۳. دوره‌ی نوجوانی و جوانی رئیس علی چگونه گذشت؟
۴. آیا رئیس علی به ادبیات علاقه‌مند بود؟ چرا؟
۵. فرمانده انگلیسی در نامه‌ی خود، چگونه رئیس علی را با فرماندهان انگلیسی مقایسه می‌کند؟
۶. آیا افراد دیگری را می‌شناسید که همچون رئیس علی خواب دشمنان ایران را آشفته کرده‌اند؟ در مورد زندگی آنها تحقیق کنید.



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۷

نام آوران دیروز، امروز، فردا

درس نهم

بعد از تفریحی از روزهای پایانی فروردین بود. کم کم روزها بلندتر می شد و زمان بیشتری برای بازی و مطالعه یا گفت و گو با دوستان، پیدا می کردم. آن روز، کمی با بچه های کوچک، بازی کردم. بعد من و بهمن کوشای نشستم و درباره ی موضوع درس با هم صحبت کردم. پس از چند دقیقه، بهمن گفت: «پوریا، بلند شو تا کتاب فروشی سر خیابان بروم.» راه افتادم و به طرف کتاب فروشی «خانمی فرهنگ» رفتم. کتاب فروشی، مردی تقریباً پنجاه ساله و بسیار خوش اخلاق و مهربان بود. ما بچه ها هم او را دوست داشتیم. به کتاب فروشی که رسیدم، ایستادم و از پشت شیشه، کتاب ها را که خیلی منظم و خوش نما، چیده شده بودند، قاشا کردم. گاهی به اسم کتاب ها و گاهی به تصویر روی جلد آنها خیره می شدم و آنها را به هم دیگر نشان می دادم. در همان لحظه، آقای فرهنگ، صاحب کتاب فروشی، بیرون آمد و به ما گفت: «بچه ها! خوش آمدید، چرا اینجا و این طوری ایستاید داخل. کتاب ها دوست دارند شما آنها را خوب نگاه کنید و ورق بزنید.»



عنوان درس:

شماره صفحه: ۷۰

سلام کردم و گفتم: «نه، مرا حتماً نمی‌شوم.»
 کتابی فرهنگ، حرفش را تکرار کرد و گفت: «نه، این جودی نمی‌شود، بیایید با شما
 کار دارم.»
 پذیرفتم و وارد کتاب فروشی شدم. به هر طرف که نگاه می‌کردم، کتاب‌های
 رنگارنگ و کوچک و بزرگ به طور منظم کنار هم چیده شده بودند.
 یک لحظه با خودم گفتم: «این همه کتاب چه کسانی این کتاب‌ها را نوشته‌اند؟ چه
 کسانی این همه کتاب را می‌خوانند؟»
 محو قاشا و غرق این فکر بودم که صدای کتابی فرهنگ مرا متوجه خود کرد: «بچه‌ها!



این کتاب، خیلی خوب است. تازه آمده؛ برای شما مناسب است.»

من و بهمن به طرف او رفیم. کتاب را از دستش گرفیم و نگاهش به اسمش کردم.

«نام آوران دیروز، امروز، فردا.»

نگاهی فرهنگ گفت: «این کتاب، شما را با بزرگسردان و دلآوران دیروز و امروز همین عزیزان ایران، آشنا می‌کند. شما اگر گذشته و امروزتان را خوب بشناسید، در آینده‌ی نزدیک، خودتان هم یکی از نام آوران فردای ایران خواهید شد.»

من به شوخی گفتم: «نگاهی فرهنگ! پس لطف کنید یک جلد هم به بهمن بدهید. تا میان این نام آوران، بر سر خواندن کتاب، کشمکش پدید نیاید.»

ایشان هم لطف کردند و یک جلد به دوستم بهمن دادند. هر کدام «در کوشای از کتاب فروشی، سرکرم قاشا و خواندن بخش‌هایی از کتاب شدم.

کتاب سه فصل داشت: «نام آوران دیروز، نام آوران امروز، نام آوران فردا.»

فصل دوم یعنی «نام آوران امروز» بیشتر توجه مرا به خود جلب کرد. فهرست مطالب فصل را نگاه کردم، دیدم مربوط به تاریخ معاصر و مخصوصاً بزرگان و نام آوران دوره‌ی انقلاب اسلامی است. از چهره‌های رشید و دلآور دوران هشت سال دفاع مقدس تا دانشمندان و شهدای علمی و فناوری هسته‌ای مانند شهید مصطفی احمدی‌روشن، شهید حسن ترابی مقدم، شهید مسعود علی محمدی، شهید داریوش رضایی‌نژاد و شهید مجید شهریاری.

شهدای بهمن، ناگهان مرا به خود آورد: «بلند شو، هوا دارد تاریک می‌شود. بقیه را بگذار برای بعد.»



عنوان درس:

شماره صفحه: ۷۲

گفتم: «نه، نمی‌شود؛ صبر کن این را برایت بخوانم. مطلب جالبی درباره‌ی شهید احمدی روشن است:

«مصطفی به مادرش می‌گفت: مامانی.

پشت تلفن، لحنش را عوض می‌کرد و با مادرش مثل بچه‌ها حرف می‌زد. گاهی وقت‌ها مادرش که می‌آمد دم در شرکت، می‌رفت دو دقیقه، مادرش را می‌دید و برمی‌گشت حتی اگر جلسه بود.

بچه‌ها تعریف می‌کردند. زمان دانشجویی، وقتی بیمار می‌شد، پیش پزشک هم که می‌خواست برود، با مادرش می‌رفت...»

در حالی که آخرین نگاه‌هایم به تصویر سیاهی داشتند جوان، «احمدی روشن» دودخته شده بود، برخاستم. اما دلم نمی‌خواست چشم از چهره‌ی پرامید این جوان بردارم. ناگزیر، کتاب را بستم و به آکای فرهنگ تحویل دادم و گفتم: «این شاه‌الله به زودی پوی جمع می‌کنم و می‌آیم این کتاب را می‌خرم و می‌خوانم.»

بسیار سپاسگزاری کردم. و پس از خدا حافظی به طرف خانه‌هایمان، روانه شدیم.

درست و نادرست

۱. بهمن در بعد از ظهر یکی از روزهای بهاری به کتاب‌فروشی رفت.

۲. در فصل دوم کتاب، در مورد نام‌آوران دیروز مطالبی نوشته شده بود.

۳. دلاوران دوران هشت سال دفاع مقدس، از نام‌آوران معاصر کشورمان هستند.



عنوان درس:

شماره صفحه: ۷۳

شجاعت

درس چهاردهم

شجاعت، ترسیدن نیست بلکه آن است که انسان، بتواند در برابر حوادث و رنج‌ها و دشواری‌ها ایستادگی کند. از مشکلات نهراسد و راه‌های مناسب پیروزی بر آنها را جست‌وجو کند.

ترس، گاه نه تنها ناپسند نیست که بسیار پسندیده است. کسی که در هنگام دانشدگی از سرعت بیش از اندازه می‌پرهرزد، کسی که از دوستی و همراهی با بدان خودداری می‌کند، آن که خود را از مکان‌های ناامن و خطرناک، دور می‌کند، نه تنها ترسو نیست که شجاع و دلیر، خوانده می‌شود.

شجاع، کسی است که از خطر و عاقبت کارهای بد بترسد؛ ولی دست و پای خود را کم نکند و با کمال متانت و آرامش، برای رویارویی با خطر، چاره‌جویی کند.

سربازی که در محنتی نبرد، و قلبی خود را انجام می‌دهد، شجاع است. انسان شریفی که در شعله‌های آتش فرو می‌رود تا جان ممنوع خود را نجات دهد، شجاع است. سردار لشکری که با تدبیر و مهارت، فرمان عقب‌نشینی می‌دهد و سپاه خود را از خطر می‌رهاند، شجاع است.

آنچه ناپسند و نگوئیده است، این است که انسان، بی‌دلیل بترسد یا از ترس، قدرت تصمیم‌گیری و تفکر را از دست بدهد.



همه از زلزله، تصادف، غرق شدن، آتش سوزی، بیماری و میکروب می ترسند، اما این ترس آن گاه نگوئیده است که مثلاً شخص از خانه بیرون نرود تا مبادا حادثه‌ای برایش رخ دهد و...

این گونه افراد، زسم هستند و هرگز در زندگی به موفقیت نمی رسند. برای رسیدن به موفقیت‌ها، همه به شجاعت نیازمندیم. گاه کاری را آغاز می کنیم و تا رسیدن به موفقیت چند بار شکست می خوریم. آن که از شکست ترسد و دلیل شکست خود را بیابد و راه را برای رسیدن به پیروزی ادامه دهد، شجاع است.

ریشه‌ی اصلی ترس‌های نادرست، در جهل و نادانی است. بعضی از تاریکی می ترسند و شب و تاریکی را پُر از پدیده‌های ترسناک می دانند.

آیا برای شما اتفاق افتاده است که از چیزی در تاریکی بترسید، اما وقتی چراغ را روشن کنید، به ترس خودتان بخندید؟



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۱۰۷

برخی، از پزشک و درمان می‌ترسند. در حالی که نمی‌دانند تکنی دارو و رنج جراحی، سلامت آنها را تقصیر می‌کند. خنده بر ترس‌های «دوغش»، گام اول به سمت شجاعت است.

انسان‌ها، افزون بر شجاعت و قدرت بدن، به شجاعت دیگری هم نیازمند هستند؛ شجاعتی که به آن «شجاعت اخلاقی» می‌گویند.

شجاعت اخلاقی، آن است که حرف راست و درست بگویم و در دفاع از آن، ضاکار و ترس باشیم و اگر به چیزی آگاهی ندارم، بگویم نمی‌دانیم.

نوشته‌ی استاد احمد بهمنیار، با کاهش و اندک تغییر

درست و نادرست

- ۱ کسی که از عاقبت کارها می‌ترسد، شجاع است.
- ۲ در این روزگار به شجاعت و قدرت بدنی نیازمندیم.
- ۳ شجاعت نترسیدن از تمام حوادث و رنج‌هاست.

درک مطلب

- ۱ دو نمونه از ترس‌های پسندیده را بیان کنید.
- ۲ شجاع به چه کسی می‌گویند؟
- ۳ مردم روزگار ما به چه شجاعتی نیاز دارند؟ چرا؟
- ۴ گام اول به سمت شجاعت چیست؟



عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۸

دریاقلی

درس هشتم



در تاریخ، انسان‌های بسیاری بوده‌اند که همی توان و جان خود را برای رسیدن به هدف خویش فدا کرده‌اند و گاهی نجات مردی یا آینده‌ی ملتی به هوشیاری و فداکاری و تصمیم بهنگام و جان فشانی به موقع یک نفر یا جمعی محدود، وابسته می‌شود. در همی جوامع بشری، فداکاری چنین انسان‌هایی را ارج می‌نهند و تلاش می‌کنند خاطره‌ی آنها را در تاریخ و ادبیات و آثار هنری خود حفظ کنند.

در داستان‌های کهن ایرانی، آتش، دلاورمردی بود که وقتی قرار شد کائنادهای ایرانی، تبری رها کند و هر جا که تیر فرود آید، مرز ایران باشد، دلیرانه بر قدی دماوند بركند و تبری در چندی کمان نهاد و با پرتاب کردن آن، سرزمین ایران را از یگانگان رهایی بخشید و جان خود را در این راه فدا کرد. خاطره‌ی این جان فشانی در راه پاسداری از سین، هنوز در یادها زنده است. این سرزمین در هر روزگاری، بهلوانان و نام‌آوران بی شماری را در خود پرورانده است.

شهید «دریاقلی سورانی» یکی از دلاورمردان دوران دفاع مقدس بود که در نخستین ماه‌های جنگ، تحمیلی با فداکاری شگفت‌انگیز خود، مانع سقوط شهر آبادان شد. شغل



عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۸

دریاقلی، اوراق فروشی بود. او در آن هنگام به همراه فرزند خردسال خود در کوردستانی از اتومبیل‌های فرسوده در «کوی ذوالفقاری» در حاشیه آبادان زندگی می‌کرد. او در یک شب تاریک، ناگهان متوجه شد که سربازان دشمن بعضی به صورتی غافلگیرکننده از رودخانه‌ی بهمن شیر گذشته‌اند و می‌خواهند شهر محاصره شده‌ی آبادان را به اشغال کامل خود دریاودند. دریاقلی، فوراً بی‌سر و صدا سوار بر دوچرخه شد و به راه افتاد.

دریاقلی در آن شب پاییزی نهم آبان ماه ۱۳۵۹ با حمی توان و قدرت، رکاب می‌زد. انگار کسی در گوشش می‌گفت: «دریاقلی رکاب بزن، همه چیز به جوانمردی تو وابسته است. اگر کوتاهی کنی، حمی شهر و دیار نابود خواهد شد.

دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو	چشم انتظار حمت تو، دین و مین است
فردا اگر درنگ کنی، کوچه‌های شهر	میدان جنگ تن‌به‌تن و تانک‌باتن است
از راه اگر بمانی و روشن شود هوا	تکلیف شهر خاطره‌های تو، روشن است
دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو	تاریخ در غلف نام تو آنگن است



عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۹

اما دریاقلی، همچون دریایی خروشان بود. با تمام وجود تلاش می‌کرد از میان گشتی‌های دشمن و آتش خمپاره‌ها بگذرد و زودتر از سربازان بعضی، خود را به شهر برساند. او توانست. کوی ذوالفقاری تا شهر آبادان را در کوتاه‌ترین زمان، مگاب بزند و خود را به سرعت به شهر برساند و با فریادهایش، مردم و مدافعان شهر را از نفوذ دشمن باخبر کند. مردم و مدافعان آبادان، بی‌درنگ به هر وسیله‌ای که ممکن بود در برابر دشمن به کار آید به مقابله با دشمن پرداختند و توانستند در نبردی نابرابر، که در تاریخ دفاع مقدس به نام «عملیات کوی ذوالفقاری» معروف است، نفوذ دشمن را به آبادان ناکام بگذارند و او را با تلفات بسیار و شکستی سخت به عقب برانند.

دریاقلی در همین نبرد به شدت زخمی شد و در راه انتقال به پشت جبهه به شهادت رسید. مرز این شهید دلاور در بهشت زهرا (س) در تهران قرار دارد. بی‌شک اگر دریاقلی در آن شب سرنوشت ساز، دچار ترس و تردید می‌شد و اگر تنها به نجات خود و خانواده‌اش می‌اندیشید یا اگر اندکی کوتاهی می‌کرد و نمی‌توانست به موقع خود را به شهر برساند، خدا می‌دانست چه اتفاقات ناگواری می‌افتاد!

محمدرضا نوری

درک مطلب

- 1 منظور از مصراع «چشم انتظار همت تو، دین و میهن است» چیست؟
- 2 به نظر شما میان کار ارزش با دریاقلی چه شباهتی هست؟
- 3 چرا دریاقلی توانست چنان کار بزرگی انجام دهد؟
- 4 اگر به جای دریاقلی بودید، چگونه رزمندگان را از وجود دشمن آگاه می‌کردید؟

عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۰

دانش زبانی

توجه به نشانه‌های نگارشی به خواندن بهتر و درک معنی و مفهوم متن، کمک می‌کند.

■ منظور از نشانه‌های نگارشی به کاربردن علامت‌ها و نشانه‌هایی است که خواندن و در نتیجه، فهم مقابل را آسان می‌کند.

چند نمونه از نشانه‌های پر کاربرد عبارت است از:

- ۱ **نقطه (.)**: علامتی است که توقف در خواندن را نشان می‌دهد و در پایان جمله می‌آید.
- ۲ **ویرگول یا درنگ نما (،)**: نشانه‌ای برای درنگ کوتاه است که میان عبارت‌ها یا جملها و برای جدا کردن کلمه یا عبارت توضیحی یا جدا کردن اسم‌های اشخاص و ... به کار می‌رود.
- ۳ **دو نقطه (:)**: پیش از نقل قول مستقیم، هنگام توضیح دادن، شمردن اجزای یک چیز و هنگام معنی کردن کلمه به کار می‌رود.
- ۴ **علامت سؤال (؟)**: در پایان جمله‌های پرسشی یا برای نشان دادن شک و تردید یا ریشخند و ... به کار می‌رود.
- ۵ **نشانه‌ی بیان عاطفه یا تعجب (!)**: در پایان جملات تعجبی و جمله‌هایی به کار می‌رود که یکی از حالات عاطفی مثل آفرین، تأکید، افسوس، آرزو، دعا، ندا و ... در جمله باشد.

کارگاه درس پژوهی

- ۱ **داستانی از شهدای حماسه‌ساز دفاع مقدس انتخاب کنید و در گروه بخوانید و درباره‌ی عناصر و ویژگی‌های آن گفت‌وگو کنید.**
- ۲ **داستانی در مورد عشق به میهن بیابید و در کلاس تعریف کنید.**



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۱



بخوان و بیندیش

تندگویان

جنگ در مناطق جنوبی و غربی میهن عزیز ما تازه آغاز شده بود. در یکی از جبهه‌ها، نیروهای دشمن در حدود چهل پنجاه نفر از هموطنان ما را به اسارت گرفته بودند. وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران نیز در میان این اسیران بود. محمدجواد تندگویان در خرداد ماه سال ۱۳۲۹ در جنوب شهر تهران به دنیا آمد. محیط خانه، او را از همان دوران کودکی با اسلام و قرآن و درس محبت به خاندان پیامبر آشنا کرد. زینت خانه‌شان کتاب بود. پدرش کتاب‌ها را با صدای بلند می‌خواند و او آنچه را می‌شنید در حافظه‌ی خود، نگه می‌داشت و برای دوستانش بازگو می‌کرد. تندگویان در دوران تحصیل، دانش‌آموزی جدی و ساعی بود و بیشتر خرج تحصیل خود را از راه کار کردن تأمین می‌کرد. یکی از اقدامات مردمی برای رشد و گسترش فرهنگ اسلامی در آن سال‌ها، تأسیس هیئت‌های جوانان در جنوب شهر بود. این هیئت‌ها با کمک افراد متدین شکل می‌گرفت. جواد با حضور در یکی از این هیئت‌ها، که در محله‌ی «خانی‌آباد» تشکیل شده بود، تلاش‌های انقلابی خود را به‌طور جدی



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۲

آغاز کرد. «جهان پهلوان تختی» هم در این جلسات شرکت می‌کرد.

پس از پایان دوره‌ی دبیرستان در امتحان ورودی چند دانشگاه قبول شد و از آن میان تحصیل در رشته‌ی مهندسی پالایش نفت در دانشکده‌ی نفت آبادان را انتخاب کرد.

در دانشکده‌ی نفت آبادان در کنار تحصیل علم، دانشجویان را با حقایق اسلام آشنا و به مبارزه با حکومت شاه تشویق می‌کرد. پس از پایان دانشکده، در دوره‌ی سربازی، به جرم انتشار اعلامیه‌ی رهبر محبوب خود، امام خمینی (قدس سره) که در آن زمان در کشور عراق در تبعید به سر می‌برد، دستگیر شد و به زندان افتاد. در دوره‌ی زندان، هم‌زمان با تحمل انواع شکنجه به دفاع از اسلام و گسترش مطالعات خویش ادامه داد. هم‌زمان با نخستین سال‌های آزادی وی از زندان، قیام‌های مردمی برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز شد. مهندس تندگویان، که تحقق همه‌ی امیدها و آرزوهای خود را در پیروزی انقلاب اسلامی می‌دید، همراه با ملت به پا خاسته‌ی ایران به صحنه‌ی مبارزه قدم گذاشت.

شهید تندگویان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیر شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب شد و پس از چندی به‌عنوان وزیر نفت در دولت جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید. در شهریور ماه همان سال (۱۳۵۹)، نیروهای عراقی به کشور ما حمله کردند و جنگ آغاز شد. پالایشگاه آبادان و لوله‌های انتقالی نفت به شدت آسیب دید. تندگویان مرتباً در کنار کارگران و مهندسان و در نزدیکی صحنه‌های پرخطر جنگ، حضور می‌یافت. در یکی از همین بازدیدها بود که در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۹ همراه معاونان خویش به اسارت نیروهای دشمن درآمد. همین که متوجه شدند لو وزیر نفت است، وی را به بغداد بردند.

تندگویان در زندان‌های بغداد نیز از یاد خدا و تلاوت قرآن غافل نبود؛ زیر شکنجه‌های بی‌رحمانه‌ی دژخیمان حکومت صدام، مانند گوهی استوار ایستادگی و مقاومت کرد.

جنگ تحمیلی پس از هشت سال، با فداکاری و دفاع دلیرانه‌ی مردم ایران پایان یافت و مبادله‌ی اسیران آغاز شد. اسیران جنگی که در زندان‌های صدام گرفتار بودند، به میهن بازگشتند و مردم قدرشناس ایران به گرمی از آنان استقبال کردند. این رزمندگان فداکار را به پاس ایثار و استقامتشان «آزادگان» نامیدند؛ اما از تندگویان دلاور، خبری نشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران برای آزادی مهندس تندگویان، تلاش فرولون کرد و به همه‌ی مدعیان دروغین حقوق بشر، شکایت نوشت اما تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند. سرانجام، معلوم شد که این مهندس شجاع، که همه‌ی وجودش از ایمان به خدا و عشق به اسلام و انقلاب سرشار بود، زیر شکنجه‌ی ظالمانه‌ی نیروهای دشمن، غریبانه به شهادت رسیده است؛ اما تاریخ شهادت او را کسی



نمی‌داند. آنان که می‌دانند، خاموش مانده‌اند. عاقبت، یوسف گم‌گشته پیدا شد و پیکر پاک او را در آذر ماه سال ۱۳۷۰ پیچیده در پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی ایران به وطن بازگرداندند.

«زندگی نمانده‌ی شهید نندگوییان» یا کسی گاهشی



«دلا، دبدی آن عاشقان را؟

جهانی، رهایی در آوازشان بود

و در بند، حتی

قفس، شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بودا»

(سید حسن حسینی)

درک و دریافت

- ۱ به‌نظر شما، چرا اسیران جنگی در دوران دفاع مقدس، «آزاده یا آزادگان» نامیده شده‌اند؟
- ۲ در این متن به کدام‌یک از داستان‌های قرآنی اشاره شده است؟ ارتباط آن را با این متن، توضیح دهید.



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۴

شهادا خورشیدند

درس یازدهم



عنوان درس:

شماره صفحه: ۷۸

درک مطلب

۱ چرا شهید مانند چراغ خانه است ؟

۲ شما هم مانند شاعر، شهید را با یک جمله‌ی زیبا توصیف کنید.

۳ چه شباهتی بین شهدا و خورشید وجود دارد؟

۴ _____

دانش ادبی

«شهید چون شقایق، سرخ است.»

«شهید داستانی است پر از حادثه و زیبایی»

شاعر در جمله‌ی نخستین، شهید را به گل شقایق و در جمله‌ی دوم به داستان زیبا و پرماجرا مانند کرده است.

مانند کردن کسی یا چیزی به کسی یا چیز دیگر را «**تشبیه**» می‌گویند.

تشبیه یکی از ابزارهایی است که نوشته را زیبا و گیرا و اثرگذارتر می‌کند و ذهن را به بویایی و آفرینش نزدیک می‌سازد.



• عنوان درس:

• شماره صفحه: ۷۹



درس ۳

 بنویس:

م
 م
 م
 بام
 دام

 کامل کن:



بادا



پرچم



امام

 نام هر تصویر را بنویس:









آفرین!

۳۷

عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۷



درس ۷

بنویس.

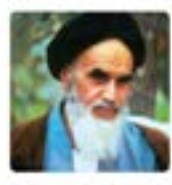
ایران ما

میداد آسمین

سبذتوت

اسم هر تصویر را بنویس.



کلمه بساز.

مه - ا - نا - مام - ای

زیر تصاویری را که صدای «ه» دارند، رنگ بزن.








عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۳



سلام
دوست من!



درس ۲۰



از روی پنج خط اول درس و خاطرات انقلاب یک بار بنویس.



مرتب کن.

امام خمینی - وطن - به - دوازدهم بهمن - آمد

ده روز - جشن - ما - می گیریم - را - این



خدا حافظ!



به این تصویر نگاه کن و پاسخ بده این تصویر چه کسی است؟ یک جمله بنویس.



۱ سه سطر بعدی درس را ادامه بده و با خط خوانا و زیبا بنویس.

برجم ایران سه رنگ دارد. رنگ سبز نشاندی سرسبزی، رنگ سفید نشاندی صلح و دوستی و رنگ سرخ نشاندی دفاع از میهن و آزادی کن است.

۲ مانند نمونه برای هر نشانه، چهار کلمه از درس‌های گذشته پیدا کن و بنویس.

ز	ن	ک	ی	ه	ش
نریبا	آزادی	روز	چیز		

۳ با هر کلمه، دو جمله با معنی متفاوت بنویس.

سیر:

سیر:

شیر:

شیر:

۴ کفیت گم شده است. برای پیدا کردن آن یک آگهی بنویس.



عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۴



۱ نوشته‌ی زیر را پررنگ کن و یک بار با خط زیبا بنویس.

پرچم نشاندی، آزادی و سرزندگی یک کشور است.

.....

.....

.....

۲ جدول را کامل کن.

۱. رنگ سفید پرچم ایران، نشاندی و دوستی است.
۲. مردم ایران میهن خود را از حقدی دشمنان می‌کنند.
۳. رنگ سرخ پرچم یعنی از میهن و آزادی آن می‌کنیم.
۴. کفشدی الله در وسط پرچم به شکل گل دیده می‌شود.
۵. شکل گل لاله در وسط پرچم نشاندی خون است.
۶. ما به داشتن کشوری به این زیبایی می‌کنیم.

						۱
						۲
						۳
						۴
						۵
						۶



خدا بارت!

عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۶

عنوان: نگارش فارسی

کد: ۳۰۴

دوره: ابتدایی

پایه: سوم

سال انتشار: ۱۳۹۹

فناوری‌های نوین

درس ششم

فداکاران

املا و واژه‌آموزی

۱ از روی بند اول و دوم درس، با خط خوانا و زیبا بنویس.

۳۷

عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۷



کلمه‌ها و عبارت‌های زیر را با دقت بخوان.

سپاهم خیام - ریزعلی خواجوی - هویزه - گشتزار - موفقیت - اشتیاق - ثبت‌نام -
سنگ‌ریزه‌ها - تشکر - اسفالگران - آغوش - پاکیزه - طفل - پاییزی - متوجه - بحث -
اثر - ریزش کوه

کدام یک از کلمه‌های بالا در متن درس وجود دارد، آن‌ها را بنویس.

.....

.....

.....

.....

.....

مانند نمونه، با خط به هم وصل کن.

وسایله‌ای که نفت را جابه‌جا می‌کند.	شن‌کش
وسایله‌ای که هوا را جابه‌جا می‌کند.	نفت‌کش
وسایله‌ای که شن را جابه‌جا می‌کند.	دودکش
وسایله‌ای که دود را جابه‌جا می‌کند.	هواکش



عنوان درس:

شماره صفحه: ۳۸

درک متن

متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

«ساعت ده شب بود. توی کوچه فوتبال بازی می‌کردیم. اسم آقا ابراهیم را از بچه‌های محل شنیده بودم اما بر خوردی با او ندانستم. مشغول بازی بودیم. دیدم از سر کوچه شخصی با عصای زیر بغل به سمت ما می‌آید. از محاسن بلند و پای مجروحش فهمیدم، خودش است. کنار کوچه ایستاد و بازی ما را تماشا کرد. یکی از بچه‌ها پرسید: «آقا ابراهیم بازی می‌کنی؟» گفت: «من که با این پا نمی‌توانم اما اگر بخواهید توی دروازه می‌ایستم.» بازی من خیلی خوب بود اما هر کاری کردم نتوانستم به او گل بزنم. مثل حرفه‌ای‌ها بازی می‌کرد. نیم‌ساعت بعد وقتی توپ زیر پایش بود، گفت: «بچه‌ها فکر نمی‌کنید الان دیر وقت؟ مردم می‌خوان بخوابن.» توپ و دروازه را جمع کردیم. بعد نشستیم دور آقا ابراهیم. بچه‌ها گفتند: «اگر میشه از خاطرات جیهه تعریف کنید.»

(کتاب «سلام بر ابراهیم»، خاطرات شهید ابراهیم هادی)

شهید ابراهیم هادی در سال ۱۳۳۶ در تهران به دنیا آمد. او چهارمین فرزند خانواده بود. ابراهیم به پدر و مادرش بسیار احترام می‌گذاشت. او توجوانی بیش نبود که پدرش را از دست داد و طعم تلخ یتیمی را چشید. از آنجا بود که همچون مردان بزرگ، زندگی‌اش را به پیش برد و به شخصیتی ماندگار تبدیل شد. او از کودکی اهل ورزش و تلاش بود و این کار را با ورزش پهلوانی یعنی ورزش باستانی شروع کرد. در والیبال و کشتی بی‌نظیر بود. هرگز در هیچ میدانی پا پس نکشید و مردانه می‌ایستاد. دوستانش هنوز دلاوری‌های او در جیهه را به یاد دارند. او همیشه از خدا می‌خواست گمنام باقی بماند. سرانجام در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۱ در منطقه‌ی فکّه، خدا دعایش را مستجاب کرد. ابراهیم سال هاست گمنام و غریب در فکّه مانده تا خورشیدی باشد برای راهیان نور.

چرا نویسنده در سطر دوم بند اول، کلمه‌ی «اما» را به کار برده است؟

آقا ابراهیم بعد از نیم ساعت بازی کردن، به بچه‌ها چه گفت؟

ابراهیم در چه ورزش‌هایی مهارت داشت؟

آیا خداوند دعای ابراهیم را برآورده کرد؟ چگونه؟



عنوان درس:

شماره صفحه: ۶۷

حل مسئله



در مسئله‌های زیر فقط نوع عمل را تشخیص دهید. (به دست آوردن جواب لازم نیست.)



۱- هر سال ۳۶۵ روز دارد. هر روز ۲۴ ساعت است. هر سال چند ساعت است؟

می‌توانیم به طور ساده بگوییم: ۳۰۰ تا ۴۰۰ تا جقدر می‌شود؟



۲- فاصله‌ی شهر تهران تا قم ۱۲۳ کیلومتر است. از قم تا کاشان نیز ۱۲۳ کیلومتر است.



فاصله‌ی تهران تا کاشان چند کیلومتر است؟

فاصله‌ی شهرها را به طور تقریبی بیان کنید: برای مثال، ۱۰۰ کیلومتر.

۳- بلندترین قله‌ی ایران «دماوند» نام دارد و ۵۶۷۱ متر است. بلندترین قله‌ی روی زمین «اورست» نام دارد و



۸۸۴۸ متر است. قله‌ی اورست چند متر از قله‌ی دماوند بلندتر است؟

۸۸۴۸ متر



۵۶۷۱ متر



۴- در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ مردم ایران به جمهوری اسلامی رأی دادند. تعداد رأی‌های سه

صندوق به ترتیب ۱۸۹۵، ۲۸۳۴ و ۴۵۳۹ بوده است. چند رأی به این سه صندوق ریخته شده است؟



گاهی استفاده از عددهای تقریبی به شما کمک می‌کند که راه‌حل یک مسئله را تشخیص دهید. پس از اینکه راه‌حل مسئله را تشخیص دادید، می‌توانید عددهای اصلی مسئله را به کار ببرید.



۹۸

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۸

مرور فصل

فرهنگ نوشتن

در نمودار روبه‌رو به ترتیب چه اتفاقی می‌افتد؟ توضیح دهید.

اگر دو عدد ۵۰۰ و ۶۰۰ خوانده شوند، عددی که نوشته می‌شود چیست؟

دو عدد را بخوان.

دو عدد را مقایسه کن.

عدد کوچک‌تر را از عدد بزرگ‌تر کم کن.

حاصل را بنویس.

تمرین

۱- قطار تهران - مشهد در ایستگاه تهران ۴۱۲ نفر را سوار کرد. در ایستگاه گرمسار ۲۱ نفر و در ایستگاه سیروان هم ۷۸ نفر را سوار کرد. این قطار در این سه ایستگاه چند نفر را سوار کرده است؟



۲- در روز قدس، از دبستان آزادی فلسطین ۷۵۰ نفر، از دبستان اhtar ۴۵۰ نفر و از دبستان شهید مطهری ۶۰۰ نفر دانش‌آموز در راهپیمایی شرکت کردند. از این سه مدرسه روی هم چند نفر در این راهپیمایی شرکت کرده‌اند؟





فصل ۲

کسر



به طور تقریبی ۱۰٪ از جمعیت دانش‌آموزان ایران در دوره‌ی ابتدایی تحصیل می‌کنند.

عنوان درس:

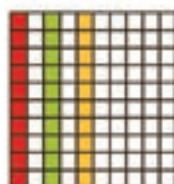
شماره صفحه: ۲۳

معارف اسلامی





۱- برای شکل‌های زیر ضرب بنویسید.



۲- فرد برای شکل روبه‌رو ضرب $3 \times \frac{1}{10}$ و فواد

برای همین شکل ضرب $3 \times \frac{1}{10}$ را نوشته است.

ضرب کدام یک درست است؟



۳- در روزهای نزدیک آربعین، تعداد زیادی از زائران پیاده به سمت حرم امام حسین (ع) حرکت می‌کنند. تعدادی از زائران، از نجف به سمت کربلا در حال حرکت‌اند. آنها هر روز $\frac{2}{7}$ راه را طی می‌کنند. آیا آنها پس از ۳ روز به کربلا می‌رسند؟ چرا؟

فکر کن

با ۳ استکان یک لیوان پر می‌نمود. با ۵ لیوان یک پارچ کوچک پر می‌نمود. با ۲ پارچ کوچک آب یک پارچ بزرگ پر می‌نمود.



یک پارچ کوچک آب را داخل پارچ بزرگی ریخته‌ایم. یعنی چند لیوان؟ چند استکان؟

گنجایش یک استکان، چه کسری از گنجایش یک لیوان است؟

گنجایش یک لیوان، چه کسری از گنجایش یک پارچ بزرگ است؟

گنجایش یک استکان، چه کسری از گنجایش یک پارچ کوچک است؟

۶- حاصل ضرب‌های زیر را به دست آورید. در هنگام ضرب کردن، هر جا که امکان دارد، کسرها را ساده کنید.

$$\frac{3}{5} \times \frac{1}{6} =$$

$$\frac{3}{5} \times \frac{4}{3} =$$

$$\frac{12}{5} \times \frac{2}{3} =$$

$$\frac{2}{7} \times \frac{14}{3} =$$

$$\frac{1}{2} \times \frac{5}{9} =$$

$$\frac{8}{15} \times \frac{5}{4} =$$

۷- با عددی جدول، یک جمع و تفریق بنویسید که حاصل آن در جدول باشد. این عددها را با یک رنگ، رنگ‌آمیزی کنید. در زیر یک نمونه حل شده است.

$\frac{7}{8}$	$\frac{5}{4}$	۱۰	$\frac{3}{8}$
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{2}{5}$	$\frac{3}{10}$
$\frac{1}{7}$	$\frac{5}{6}$	$\frac{2}{10}$	$\frac{1}{4}$

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{7}{8} + \frac{1}{4} = \frac{3}{2} \\ \frac{3}{8} - \frac{1}{8} = \frac{1}{4} \end{array} \right.$$

۸- جاهای خالی را پر کنید.

الف) $16 \times \frac{3}{8} = \square$

ب) $5 + \square = \frac{5}{4}$

پ) $\frac{1}{4} + 8 = \frac{1}{4} \times \square = \square$

ت) $\frac{1}{3} + \square = 3$

ث) $\frac{5}{9} = 5 + \square$

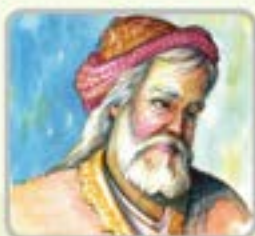
ج) $\square - \frac{1}{3} = \frac{1}{3}$

آیا می‌دانید؟



آیا می‌دانید در سال ۱۳۹۳، $\frac{2}{5}$ دانش‌آموزان کشور در دوره ابتدایی تحصیل می‌کردند؟

آیا می‌دانید که در میان دانش‌آموزان هم‌قهرمان ملی وجود دارد؟ شهید بهنام محمدی دانش‌آموز ورزش‌ستانی یکی از قهرمانان ملی کشور ما است.



عددهای اعشاری



در مسابقات ورزشی مختلف، دقت در اندازه‌گیری‌ها اهمیت بسیاری دارد. گاهی لازم است اندازه‌ها با واحدهای مشخص به صورت اعداد اعشاری بیان شوند.

عنوان درس:

شماره صفحه: ۸۷



۳- با توجه به شکل، ابتدا قرار داده‌ها را کامل کنید. سپس ارتفاع‌های خواسته شده را با یک عدد علامت‌دار نشان دهید.

مبدأ: _____

بالای از مبدأ: _____

پایین از مبدأ: _____

بهداد (هوایم‌ای بدون سرنشین): _____

غواص: _____

گشتی: _____

پرند: _____

زیردریایی قاتح: _____

ماهی: _____

۴- نقطه‌های مشخص‌شده روی محور زیر، چه عددهایی را نشان می‌دهند؟



۵- در مقایسه‌ی دو عدد، با توجه به محور اعداد، عددی بزرگ‌تر است که در سمت راست عدد دیگر باشد.



۶- با کامل کردن محور اعداد، اعداد زیر را مقایسه کنید و علامت مناسب ($<$, $=$, $>$) قرار دهید.

$$+2 \bigcirc +1$$

$$-2 \bigcirc -5$$

$$- \bigcirc +1$$

$$- \bigcirc -3$$

$$+2 \bigcirc -5$$

$$1 \bigcirc -1$$

$$-5 \bigcirc -$$

$$+3 \bigcirc -$$

بر روی محور اعداد صحیح هر چه به سمت _____ پیش برویم عددها بزرگ‌تر می‌شوند و هر چه به سمت _____ پیش برویم عددها کوچک‌تر می‌شوند.

۶- جاهای خالی را پر کنید.

• هر عدد صحیح _____ از هر عدد صحیح _____ بزرگ‌تر است.

• همدی عددهای صحیح _____ از صفر بزرگ‌ترند.

• همدی اعداد صحیح منفی از صفر _____ هستند.

۱۸

۲

کسر



تعداد دانش‌آموزان ایرانی در سال ۱۳۹۴، حدود ۱۲ میلیون نفر و جمعیت کنسورمان در آن سال حدود ۸۰ میلیون نفر بود.
بنابراین نزدیک به $\frac{1}{7}$ جمعیت ایران در سال ۱۳۹۴ را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند.

عنوان درس:

شماره صفحه: ۲۳

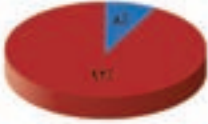
عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۹

۶

تناسب و درصد

شرکت کنندگان در مراسم اربعین ۱۳۹۹ در گریلا



ایرانی ۹۲٪
غیر ایرانی ۸٪



برگزاری مراسم اربعین در گریلا، پدیده‌ای بی‌نظیر است که از آن به عنوان بزرگ‌ترین تجمع بشری یاد می‌کنند. در سال ۱۳۹۹ حدود ۲۵ میلیون نفر در این مراسم شرکت کرده‌اند که ۲ میلیون نفر آنها ایرانی بودند.



عنوان درس:

شماره صفحه: پشت جلد

درس ۲۰ نشانه‌های ملی ما

خانهای عزیز من

می‌کنم دوباره من نقشه‌ای به روی خاک
نقشه‌ای که می‌نود خانه‌ای بزرگ و پاک

**

روی نقشه می‌کنم کوه و تپه و کوه
مردمان مهریان کودک و جوان و پیر

**

باغ لاله می‌کنم رنگ خون یک شهید
برچمی پرافتخار سبز و قرمز و سفید

**

غرق بوسه می‌کنم نقشه را دوباره من
در کنار خانم می‌نویسم ای وطن

**

تا همیشه می‌تپد قلب من برای تو
خانه‌ی عزیز من! جان من فدای تو!

**

«کبری هانسی»

○ فعالیت

- ۱- شعر را بخوانید و پاسخ دهید.
الف) شاعر برای توصیف کشور ایران به چه نکاتی اشاره کرده است؟
ب) چرا شاعر نقشه‌ی ایران را غرق بوسه می‌کند؟

۹۰

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۰

مردم ایران مانند اعضای یک خانواده در خانه‌ای بزرگ به نام کشور ایران زندگی می‌کنند. نام این خانواده‌ی بزرگ ملت ایران است. ملت ایران نشانه‌های مشترکی دارند:



• همان‌طور که ما در خانه، مدرسه، کوچه و خیابان مقرراتی داریم، کشور ما هم دارای قوانین و مقرراتی است. قوانین مهم کشور ما در کتابی به نام قانون اساسی نوشته شده‌اند.



• پرچم یکی از نشانه‌های مهم ملی ما است. در حاشیه‌ی پرچم ایران کلمه‌ی **الله اکبر** نوشته شده است. در وسط پرچم، علامت جمهوری اسلامی به شکل **الله** وجود دارد.



• یکی دیگر از نشانه‌های مشترک ما سرود ملی ما است.

سر زده از افق، مهر خاوران
فروغ دهبی حقیوران
بهمن فز آیمان ما است، بیاست ای امام.
استقلال، آزادی، نقش جان ما است
شهیدان، پیچیده در گوش زمان فریادشان
باینده مائی و جاودان، جمهوری اسلامی ایران

۲۲ درس روزهای مهم

در همه‌ی کشورها به جز روزهای پایان هفته، روزهای تعطیل دیگری هم وجود دارد. در زمان‌های گذشته در چنین روزهایی اتفاق‌های مهمی افتاده است. به همین دلیل، مردم هر سال در این روزها مراسم خاصی برگزار می‌کنند و آن اتفاق‌های مهم را به یاد می‌آورند. روزهای تعطیل در ایران به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- روزهایی که به مناسبت‌های دینی تعطیل اند؛ مانند عید فطر، عید قربان، عید غدیر و با روزهای سوگواری امام حسین (ع) (تاسوعا و عاشورا).

۲- روزهایی که به مناسبت‌های ملی تعطیل اند؛ مانند روزهای عید نوروز و ۲۲ بهمن، روز پیروزی انقلاب اسلامی.

به تصویب‌های زیر توجه کنید. این تصویب‌ها چه روزهایی را نشان می‌دهند؟



۹۵

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۵

بعضی از تعطیلات دینی فقط مخصوص کشور ما نیست. برای مثال، روزهای عید فطر و عید قربان در همدی کشورهای اسلامی تعطیل است و مردم این روزها را جشن می گیرند.

* یکی از تعطیلات مهم کشور ما عید نوروز است.



عید نوروز آغاز سال نو است. مردم ایران در این روز مراسم خاصی برگزار می کنند و جشن می گیرند. دبد و بازدید و عیدی گرفتن از مراسم نوروز است. در بعضی کشورهای همسایه ی ایران مانند تاجیکستان، افغانستان و جمهوری آذربایجان هم مراسم و جشن های نوروزی برپا می شود.



* روز ۲۲ بهمن که روز پیروزی انقلاب اسلامی است، از روزهای مهم دیگر در کشور ایران است.

در سال ۱۳۵۷ مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه ظلم و ستم حکومت شاهنشاهی انقلاب کردند. آنها می خواستند در کشور ما جمهوری اسلامی برپا شود و ما دیگر به یگانگان وابسته نباشیم. پس در راه پیمایی ها شرکت کردند و شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» سر دادند.

سرانجام، انقلاب اسلامی ایران با وحدت و فداکاری مردم در بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. از آن زمان تاکنون مردم هر سال روز ۲۲ بهمن را گرامی می دارند و جشن می گیرند.

○ فعالیت

متن زیر را با هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید. سپس چند خصوصیت امام خمینی را بیان کنید. دوست دارید در زندگی‌تان از کدام خصوصیت امام پیروی کنید؟

امام خمینی



حدود صد سال پیش، در خانواده‌ای روحانی در شهرستان خمین کودکی متولد شد که نام او را روح‌الله گذاشتند. این کودک بعدها به امام خمینی مشهور شد. روح‌الله پنج ماهه بود که پدرش را از دست داد و بدین ترتیب از اوایل کودکی با رنج پنیمی آشنا شد. اما مشکلات هرگز او را از یسرفت باز نداشت. او با تلاش و کوشش در حوزه‌های علمیه درس خواند و به درجه‌ی استادی رسید.



امام خمینی، رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، بود اما مانند بقیه‌ی مردم زندگی بسیار ساده‌ای داشت. او به نماز خیلی اهمیت می‌داد و همواره از خدا کمک می‌خواست. حتی نیمه‌های شب و قبل از اذان صبح بیدار می‌شد و عبادت می‌کرد. امام خمینی پاکیزگی و نظم را خیلی دوست داشت و در کارهایش بسیار منظم بود.



امام با آن همه کارهای مهمی که داشت، در کارهای خانه نیز کمک می‌کرد. او راضی نبود که اعضای خانواده برایش کاری انجام دهند و بیشتر کارهایش را خودش انجام می‌داد.

امام خمینی کودکان را خیلی دوست داشت. با آنها بازی می‌کرد و دلش می‌خواست که آنها خوب درس بخوانند و اخلاق و رفتار نیکو داشته باشند.

اکنون رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای است. ایشان پس از درگذشت امام خمینی (مدّ ظله العالی) به رهبری انتخاب شد. همه‌ی مردم ایران از ایشان اطاعت و پیروی می‌کنند.

آیت الله خامنه‌ای فرموده‌اند:

«دانش آموزان امیدهای کشور هستند. آنها باید خوب درس بخوانند و ورزش کنند و رفتار نیکو داشته باشند تا در آینده برای جمهوری اسلامی ایران مفید باشند.»



به کار بندیم

- ۱- یکی از فعالیت‌های زیر را انتخاب کنید و انجام دهید.
 - از افراد خانواده یا فامیل بخواهید خاطره‌ای را که از انقلاب اسلامی دارند، برای شما تعریف کنند. بعد آن خاطره را در کلاس نقل کنید.
 - به کمک بزرگ‌ترها، یکی از سرودهای انقلاب اسلامی را انتخاب و تمرین کنید و به طور گروهی در کلاس بخوانید.
- ۲- با دوستانتان یکی از روزهای تعطیل، مثل عید قربان یا ۲۲ بهمن، را انتخاب کنید. به کمک هم نشانه یا علامتی درست کنید که اتحالی مهم آن روز را نشان دهد.
- ۳- با راهنمایی معلم، به مناسبت پایان سال تحصیلی در کلاس یا مدرسه جشنی برپا کنید، برای اجرای هزینه بهتر مراسم، کارها را بین خودتان تقسیم کنید.
- ۴- شما از چه راه‌هایی می‌توانید به پیشرفت و آبادانی کشور کمک کنید؟ در این باره با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید و پیشنهاد بدهید.

در مصرف آب و برق صرفه‌جویی کنیم.

با مردم مهربان باشیم و به هم کلاسی‌هایمان کمک کنیم.

۹۹

عنوان درس:

شماره صفحه: ۹۹

معارف اسلامی



فصل ۲ سرزمین ما



عنوان درس:

شماره صفحه: ۲۱

● حکومت در کشور ما



حکومت کشور ما «جمهوری اسلامی» است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی، حکومت سلطنتی پهلوی سرنگون شد. حکومت پهلوی ستمگر بود و مردم آن را انتخاب نکرده بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم در روز ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ به پای صندوق‌های رأی رفتند و بیش از ۹۸ درصد آنها به حکومت جمهوری اسلامی رأی «آری» دادند. حکومت ایران در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی تبدیل شد.



جمهوری اسلامی حکومتی است که در آن قوانین اسلامی اجرا می‌شود و مردم در اداره‌ی کشور و انتخاب افراد نماینده برای حکومت نقش دارند.

● قانون اساسی



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران افراد نماینده‌ای را انتخاب کردند تا قانون اساسی کشور را بنویسند. در سال گذشته خواندید که مهم‌ترین قانون هر کشور، قانون اساسی آن است. در قانون اساسی، روش اداره‌ی کشور مشخص شده است.

● چه کسانی کشور را اداره می‌کنند؟



۵۱

عنوان درس:

شماره صفحه: ۵۱

• تقوای سه گانه



حکومت برای آنکه بتواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد، به سه قوه تقسیم شده است و هر قوه، مسئولیت‌هایی به عهده دارد.

مقام رهبری بر همه‌ی فعالیت‌هایی که این سه قوه انجام می‌دهند، نظارت دارد و آنها را هدایت می‌کند.

رهبر

بر طبق قانون اساسی، رهبری جامعه‌ی اسلامی ما به عهده‌ی قبیعی است که از مسائل زمان آگاهی داشته باشد.

رهبر جامعه‌ی اسلامی باید نمونه‌ی یک مسلمان کامل باشد، او باید عالم، عادل و شجاع باشد. از دستورهای اسلام پیروی کند و از اوضاع جامعه به خوبی آگاه باشد تا بتواند جامعه را به بهترین شکل، هدایت و رهبری کند.

• اولین رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (قُدس سرِّه)، بودند که انقلاب اسلامی را هدایت کردند و آن را به پیروزی رساندند.

• پس از رحلت امام خمینی در سال ۱۳۶۸، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران انتخاب شدند و رهبری کشور اسلامی ما را به دست گرفتند.

قوه‌ی مقننه

در داستان اردو، بی‌یردید که گروه به قوانین و مقرراتی نیاز دارد و به همین دلیل، ابتدا عده‌ای مقرراتی را برای آن تعیین می‌کنند.

برای اداره‌ی یک کشور و تصمیم‌گیری درباره‌ی فعالیت‌های مختلف آن نیز مقررات و قوانینی لازم است. برای مثال، اینکه در یکسال چقدر از درآمد کشور به آموزش و پرورش اختصاص پیدا کند یا زمان و مدت سربازی برای جوانان، چقدر باشد.

در کشور ما قوه‌ی مقننه وظیفه‌ی قانون‌گذاری را به عهده دارد. تصویر زیر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در حال تصمیم‌گیری و وضع قانون نشان می‌دهد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی هر چهار سال یکبار با رأی مردم انتخاب می‌شوند.



قوه مجریه وظیفه‌ی قوه مجریه، اجرای قوانین و تأمین وسایل رفاه و آسایش مردم و پیشرفت کشور است. قوه مجریه همان دولت است. دولت از رئیس‌جمهور و هیئت وزیران تشکیل شده است. رئیس‌جمهور هر چهار سال یکبار با رأی مردم انتخاب می‌شود. دولت کارهای مختلفی انجام می‌دهد؛ برای مثال، ساختن جاده، پل، بیمارستان، کمک به کشاورزی و صنایع، فراهم کردن امکانات برای آموزش و پرورش و بهداشت و درمان مردم، صادرات و واردات، روابط با کشورهای خارجی و حفظ امنیت مردم.



ساختن جاده توسط دولت



جلسه‌ی رئیس‌جمهور و هیئت وزیران



قوه قضاییه قوه قضاییه بر اجرای درست قوانین نظارت می‌کند؛ یعنی اگر در جایی قانون رعایت نشود و تخلفی صورت بگیرد، به آن رسیدگی می‌کند. قوه قضاییه همچنین از طریق دادگاه‌ها به اختلاف‌ها و شکایات‌های مردم رسیدگی می‌کند.

فعالیت

- ۳- هم‌اکنون، رئیس‌جمهور ما چه کسی است؟ وزیر آموزش و پرورش کیست؟ پرس‌وجو کنید.
- ۴- در یک روزنامه، خبری درباره‌ی مجلس شورای اسلامی یا دولت پیدا کنید، آن را جدا کنید و به کلاس بیاورید.
- ۵- با همفکری یکدیگر کاربرگ‌های شماره‌ی (۹) را در کلاس انجام دهید.

۱۱

فصل یازدهم

حوزه‌های موضوعی
زمان، تداوم و تغییر
مکان و فضا
فرهنگ و هویت

ایستادگی در برابر بیگانگان



نابلیو نقاشی از جنگ ایران و روس در عهد فتحعلی شاه قاجار

این بار هشتین زمان، شما را حدود صد سال به عقب برده است. شما در ایران هستید. مردم را پریشان و اندوهگین می‌بینید. با آنها گفت‌وگو می‌کنید. از سفرهای شاه و شاهزادگان به اروپا، رفت و آمد بیگانگان در دربار و دخالت آنها در امور کشور مطالبی می‌شنوید و می‌فهمید که نظامیان روسیه، شمال ایران را اشغال کرده‌اند و انگلیس‌ها از جنوب هجوم آورده‌اند. گروهی از مردم فداکار در حال مبارزه و جنگ با آنها هستند. فقر و بدبختی همه‌جا را گرفته... از خود می‌پرسید چرا بیگانگان به این کشور هجوم آورده‌اند؟ آنها چه می‌خواهند؟ چرا مردم در چنین وضعیتی زندگی می‌کنند؟ چه کسانی به استعمارگران اجازه می‌دهند تا در کشور دخالت کنند؟

۱۰۵

موضوع این فصل استعمار و ایستادگی در برابر بیگانگان است. امید است شما با آموختن مطالب این فصل و انجام دادن فعالیت‌های آن بتوانید پاسخ پرسش‌های خودتان را پیدا کنید.

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۵

درس ۲۱

استعمار چیست؟



پتدها
برای اینکه با این موضوع
آشنا شویم، بیا به قدری به
عقب برگردیم...

استعمار یعنی چه؟
استعمارگر کیست؟



تغییر و تحول در اروپا

در درس‌های گذشته خواندید در دوره‌ای که مسلمانان در عصر شکوفایی علم و فرهنگ زندگی می‌کردند، اروپاییان در عصر تاریکی بسر می‌بردند. به تدریج تغییر و تحولاتی در اروپا به وجود آمد و اروپاییان قدرتمند شدند. راستی چه عواملی موجب قدرتمندی آنها شد؟

۱- علوم و فنون از جهان اسلام به اروپا انتقال یافت.



ساختن شهرها در اروپا

حدود چهار قرن پیش، تجارت و داد و ستد میان اروپاییان و مسلمانان گسترش یافته بود. اروپاییان از طریق دریای مدیترانه و شمال آفریقا، محصولات نظیر شکر، قهوه، کاغذ، قطب‌نما، داروی گیاهی و ادویه را از مسلمانان خریداری می‌کردند. در این رفت و آمدها، علوم و فنون مسلمانان مورد توجه آنها قرار می‌گرفت. اروپاییان کتاب‌های پزشکی جهان اسلام و بسیاری کتاب‌های دیگر علوم اسلامی را به زبان خودشان ترجمه کردند و توانستند از این علوم استفاده کنند. به تدریج علوم و فنون مسلمانان به شیوه‌های مختلف به اروپا انتقال یافت.

۲- تجارت و بازرگانی در اروپا رونق یافت.

تجارت موجب شد ثروت اروپاییان بیشتر شود. شهر و شهرنشینی رشد کرد و شکل زندگی مردم را تغییر داد. به تدریج کارگاه‌های صنعتی افزایش یافت.

۱۰۶

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۶



▲ یک کارگاه چاپ در اروپا

۳- اروپاییان در علم و هنر پیشرفت کردند.

اروپاییان در علوم و فنون پیشرفت‌هایی کردند. اختراع دستگاه چاپ به وسیله گوتنبرگ و تلسکوپ به وسیله گالیله، نمونه‌هایی از اختراعات آن دوره است.

از بین علومی که در آن دوره بسیار مورد علاقه‌ی اروپاییان قرار گرفت، جغرافیا و ستاره‌شناسی (نجوم) بود. این دو علم به شناخت سرزمین‌ها و راه‌های دریایی و تجارت کمک می‌کرد.

۴- اروپاییان با اکتشافات جغرافیایی، استعمارگری را آغاز کردند.

بشر امروز می‌داند که زمین کره‌ای است. او همه‌ی قاره‌ها و سرزمین‌های کره‌ی زمین را می‌شناسد و می‌تواند به راحتی به همه‌جا سفر کند؛ اما چهارصد سال پیش چنین چیزی نبود. انسان‌ها از سایر مناطق کره‌ی زمین اطلاع اندکی داشتند. در آن زمان اروپاییان از نقشه‌هایی که جغرافی دانان مسلمان از جهان ترسیم کرده بودند، قطب‌نما و شیوه‌های کشتی‌سازی آنها استفاده کردند و توانستند کشتی‌های محکم‌تر و پرسرعت‌تری بسازند و در دریانوردی مهارت پیدا کنند. آنها به این فکر افتادند که سرزمین‌های جدیدی را کشف کنند. برتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها پیشگام بودند. آنها توانستند طی سال‌ها با کشتی‌های متعدد، قاره‌ی آفریقا را دور بزنند. به شرق آسیا بروند و بعد قاره‌ی آمریکا را نیز کشف کنند. وقتی دریانوردان، سرزمین‌های جدید را کشف می‌کردند، راه برای هجوم دولت‌های قدرتمند اروپایی به آن سرزمین‌ها باز می‌شد. آنها این سرزمین‌ها را میان خود تقسیم می‌کردند. ساکنان بومی آنها را می‌کشتند یا به صورت برده درمی‌آوردند و منابع و ثروت‌های آنها را غارت می‌کردند؛ بدین ترتیب استعمارگری آغاز شد.



نقشه‌ی مسیرهای اکتشافات جغرافیایی

● عنوان درس:

● شماره صفحه: ۱۰۷



کلمه‌ی استعمار به معنی آباد کردن است؛ اما اگر کشوری به بهانه‌ی آباد کردن در کشورهای دیگر دخالت و نفوذ کند تا منابع و ثروت آن کشور را غارت کند به آن کشور استعمارگر می‌گویند. به سرزمین‌هایی که استقلال سیاسی و اقتصادی نداشته باشند و تابع حکومت استعمارگر باشند، مستعمره می‌گویند.

فعالیت ۱

همفکری کنید و از روی نقشه مسیرهای دریایی را دنبال کنید و بگویید در هر مسیر، دریانوردان به کدام سرزمین‌هایی با قارهای سیده‌اند؟ کدام کشورها پد دریانوردی و کشف سرزمین‌های جدید مشغول بودند؟

فعالیت ۲

به‌طور گروهی کار برگه‌ی شماره‌ی ۲۶ را در کلاس کامل کنید.

نفوذ استعمار در ایران

از آن زمان تاکنون استعمارگران در کشورهای دیگر از راه‌های مختلف نفوذ کرده‌اند؛ آنها گاهی به سرزمین‌های دیگر حمله‌ی نظامی، و آنها را اشغال کرده‌اند؛ سپس گفته‌اند که هدفشان آباد کردن این کشورها است درحالی که هدف اصلی آنها غارت منابع این کشورها است. گاهی نیز سعی کرده‌اند از کشورهای دیگر امتیازاتی بگیرند یا روابطی با آنها برقرار کنند که به نفع خودشان باشد؛ به عبارت دیگر در آن کشورها نفوذ کنند.



آیا استعمارگران به کشور ما هم نفوذ کردند؟



پسرها،

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، استعمارگران به شیوه‌های مختلف در کشور ما نفوذ کرده بودند. انقلاب اسلامی دست بیگانگان را از کشور کوتاه کرد. بیشتر نفوذ و دخالت بیگانگان در کشور ما در دوره‌ی حکومت‌های قاجار به و پهلوی بوده است.

۱۰۸

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۰۸



نمونه‌هایی از امتیازات و دخالت‌های بیگانگان در کشور مادر دوره ی قاجاریه و پهلوی

- ★ طبق عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، بخش‌هایی از شمال کشور ایران جدا و به روس‌ها داده شد؛ برای مثال، باکو، شیروان، نخجوان و قفقاز.
- ★ طبق قرارداد روستریز حق احدات رانها و بهره‌برداری از معادن و منابع جنگل‌ها و قنات‌های ایران به مدت ۷۰ سال به انگلیسی‌ها داده شد.
- ★ طبق یک قرارداد، روسیه و انگلیس ایران را بین خود تقسیم کردند. مناطق شمال تا مرکز ایران تحت نفوذ روسیه و مناطق جنوبی تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت.
- ★ انگلیسی‌ها رضاخان را به قدرت رساندند و او را شاه کردند تا دست‌نشاندهی آنها باشد و هر کاری به او بگویند، انجام دهد.
- ★ طبق قراردادهایی با دولت انگلیس، این کشور از نفت ایران بهره می‌برد و نفت متعلق به خود ما نبود.
- ★ آمریکا، محمدرضا شاه پهلوی را به قدرت رساند تا او بر نامه‌هایی را که آمریکا می‌خواست در ایران اجرا کند.

فعالیت ۳

بحث گروهی: متن بالا را بخوانید و بگویید چرا ایران مورد توجه کشورهای استعمارگر بود. کدام کشورها در امور ایران دخالت می‌کردند؟ این امتیازات و دخالت‌ها چه ضررهایی به ایران وارد کرد؟ به نظر شما چرا شاهان قاجار و پهلوی به استعمارگران اجازه می‌دخالت می‌دادند؟

درس ۲۲

مبارزه‌ی مردم ایران با استعمار

در درس گذشته‌ی بی‌بردید که کشور ایران مورد توجه استعمارگران بود. دولت‌های قدرتمند بر سر تقو‌ذ در ایران با یکدیگر رقابت می‌کردند. اگرچه حکومت‌های نالاین در ایران به بیگانگان اجازه‌ی دخالت و تقو‌ذ می‌دادند، مردم کشور ما همواره با استعمارگران مبارزه می‌کردند. از هر منطقه‌ی کشور ما انسان‌های بزرگ و فداکاری برخاستند و برای کوتاه کردن دست بیگانگان از کشور تلاش کردند و در این راه رنج زیادی را تحمّل کردند؛ حتّی از جان خود گذشتند.



تعداد این شخصیت‌های بزرگ، زیاد و شرح کارهایشان مطلق است. من چند نمونه پراشت می‌گویم.

چه کسانی با استعمارگران مبارزه کردند؟



فعالیت ۱

شرح حال شخصیت‌های این درس را بخوانید. چه ویژگی‌های مشترکی در همگی آنها وجود دارد؟ فهرست کنید. گفت‌وگو کنید. از مطالعه‌ی این سرگذشت‌ها چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ اگر در آن زمان به دنیا می‌آمدید، دوست داشتید در کنار کدامیک از این شخصیت‌ها قرار می‌گرفتید و چطور او را یاری می‌کردید؟

مطالعه برای انجام فعالیت



تندیس امیرکبیر

○ امیرکبیر، میرزا آق‌خان فرهادی مشهور به امیرکبیر در روستایی در اراک به دنیا آمد. او صدراعظم یا نخست‌وزیر ناصرالدین‌شاه بود. امیرکبیر وقتی به این مقام رسید، آرزو داشت ایران را به کشوری مستقل و آباد تبدیل کند. در زمان او دولت‌های روس و انگلیس به شدت در امور کشور دخالت می‌کردند. امیرکبیر از دخالت ناسازگارگان و درباریان در کشور جلوگیری نمود. او مدرسه‌ای تأسیس کرد تا افراد با علوم و فنون جدید آشنا شوند؛ روزنامه منتشر کرد و چندین کارخانه نیز تأسیس کرد. او از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران جلوگیری می‌کرد و می‌گفت: «من به انگلیس امتیاز می‌دهم و نه به روسیه». بیگانگان که فهمیده بودند با مردی روبرو شده‌اند که نمی‌گذارند به اهدافشان برسند با بعضی از درباریان هم‌دست شدند و آن قدر علیه او توطئه‌ها کردند که شاه او را از صدراعظمی برکنار کرد و سپس با دستور نایب‌المرئیه‌ی شاه، او را در قفس کلان به شهادت رساندند.



میرزا کوچک خان جنگلی



آرامگاه میرزا کوچک خان
در رشت

● **میرزا کوچک خان جنگلی:** پرنس معروف به میرزا کوچک در رشت دیده به جهان گشود. او چندی در مدارس علمیه به تحصیل علوم دینی مشغول شد. در اواخر دوره ی قاجار بخش های از کشور ما توسط نظامیان روسیه و انگلیس اشغال شده بود. بیگانگان به مردم ستم می کردند و حکومت نیز ناتوان بود. در این شرایط میرزا کوچک خان که مردی مؤمن، شجاع و حامی مظلومان بود در گیلان قیام کرد و بسیاری از مردم به او پیوستند. بیرون میرزا هم با مأموران حکومتی و هم با نواب روسی و انگلیسی جنگیدند؛ اما سرانجام بسیاری از آنها دستگیر شدند و میرزا کوچک خان به همراه دوستانش در برف و سرمای کوهستان گرفتار شد و به شهادت رسید.



رئیس علی



مجسمه ی رئیس علی دلواری
در بوشهر

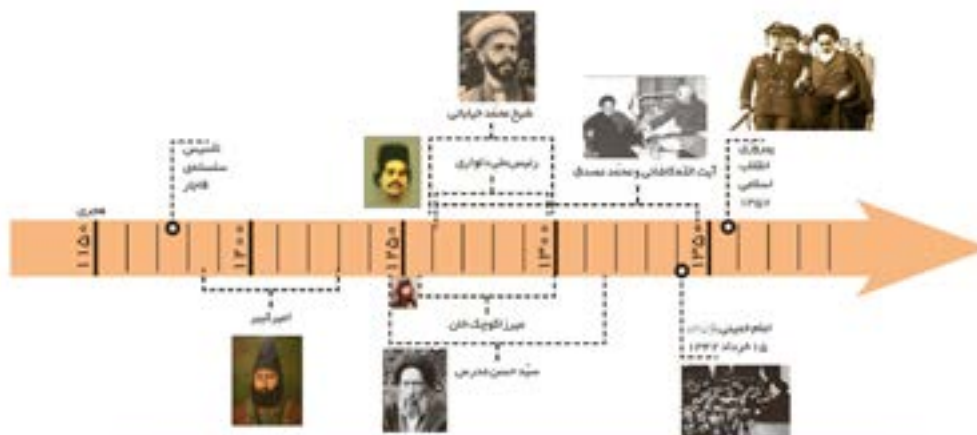
● **رئیس علی دلواری:** رئیس علی دلواری در اطراف شهر بوشهر چشم به جهان گشود. رئیس علی مردی شجاع بود و ایادی قوی داشت. او در تیراندازی و سوارکاری ماهر بود. با شروع جنگ جهانی اول، انگلیسی ها جنوب ایران بویژه بوشهر را اشغال کرده و برجم خودشان را در آنجا اقرانته بودند. او درباری اشغال نظامی ایران به چنه تن از روحانیون بوشهر نامه نوشت و آنها نیز در جواب گفتند که جنگیدن با اشغالگران واجب است. رئیس علی و هوادارانش که به آنها دلیران تنگستان می گفتند، قهرمانان به انگلیسی ها جنگیدند؛ اما در یکی از این نبردها، رئیس علی تیر خورد و به شهادت رسید.



دکتر مصدق و آیت الله کاشانی

● **دکتر محمد مصدق و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی:** از آغاز کشف و استخراج نفت در ایران، دولت انگلستان که از محصول نفت ایران درآمد زیادی کسب می کرد با بستن قراردادهای متاع نفی ما را غارت می کرد. دکتر محمد مصدق که در زمان حکومت پهلوی نماینده ی مجلس بود، نتایج تازه در مقابل استعمار انگلیس ایستاد و برای ملی کردن نفت به مبارزه برخاست. در همان زمان آیت الله کاشانی نیز که از علمای مبارز و مخالف نبود استعمارگران بود از نهفتن ملی شدن نفت ایران حمایت کرد و در این کار نقش بسیار مهمی داشت. سرانجام در اسفندماه سال ۱۳۲۹ شمسی مجلس شورای ملی قانون ملی شدن نفت را تصویب کرد تا دست بیگانگان را از نفت ایران کوتاه کند.

محمد رضا شاه پهلوی با توطئه ی آمریکا و انگلیس، دکتر مصدق را به روسای احمدآباد تبعید، و او تا آخر عمر مانند یک زندانی زندگی کرد.



فعالیت ۲

به نظر شما چرا امیر کبیر چند کارخانه تأسیس کرد؟

فعالیت ۳

کاربرگ‌های شماره‌های ۲۷ را در کلاس تکمیل کنید.

فعالیت ۴

یکی از سه فعالیت زیر را انتخاب کنید و انجام دهید.

الف - پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دست بیگانگان را از کشور ما کوتاه کرد. پرس و جو کنید و یک جمله از امام (ره) درباره‌ی قدرت‌های استعمارگر پیدا کنید و به کلاس بیاورید.

ب - به‌طور گروهی درباره‌ی یکی از قهرمانان مبارزه با استعمار (غیر از آنهایی که در این درس خواندید) تحقیق کنید و شرح حال مختصری از کارهای او را بنویسید. شما می‌توانید با راهنمایی معلم از کتاب‌های مناسبی که برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است یا دانشنامه‌ی شبکه‌ی رشد (daneshnameh.roshd.ir) استفاده کنید.

ج - پرس و جو کنید آیا در شهر یا مکان‌های نزدیک به محل زندگی شما، کوچه یا خیابان یا میدان‌هایی را می‌شناسید که به نام شخصیت‌های این درس نام‌گذاری شده باشد.

فعالیت ۵

به تقویم مراجعه و روز ملی شدن صنعت نفت را در آن پیدا کنید. چرا این روز تعطیل رسمی است؟

۱۲

فصل دوازدهم

حوزه‌های موضوعی

زمان، تداوم و تغییر

فضا و مکان

فرهنگ و هویت

نظام اجتماعی

آزادی خرمشهر



در سال ۱۳۵۹ آن وقت که شما هنوز به دنیا نیامده بودید، کشور عزیز ما ایران مورد هجوم رژیم بعثی عراق قرار گرفت و جنگی رخ داد که پدران و مادران و بزرگ‌ترهای شما آن را به خوبی به یاد دارند. شما در کتاب‌ها و فیلم‌ها مطالبی درباره‌ی این جنگ خوانده یا دیده‌اید، شاید تاکنون درباره‌ی معنی و مفهوم کلماتی چون **جنگ تحمیلی و دفاع مقدس** فکر کرده‌اید و پرسش‌هایی برای شما پیش آمده باشد. دفاع مقدس از جنبه‌های مختلف برای مردم کشور ما اهمیت دارد چرا این جنگ به وقوع پیوست و دشمن به ایران حمله کرد؟ مردم کشور ما چگونه با متجاوزان جنگیدند و از صیقل دفاع کردند؟ چرا روز سوم خرداد سالروز آزادی خرمشهر را گرامی می‌داریم؟ و...

موضوع این فصل آزادی خرمشهر و دفاع مقدس است. امید است شما با آموختن مطالب و انجام دادن فعالیت‌ها پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کنید.

درس ۲۳

خرمشهر در چنگال دشمن

روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در حالی که مردم به زندگی خود مشغول بودند و دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان برای شروع سال تحصیلی آماده می‌شدند، ناگهان صداهای مهیبی همه را وحشتزده کرد. هواپیماهای عراقی در آسمان خرمشهر و تعدادی دیگر از شهرهای ایران ظاهر شدند و بمب‌های خود را بر سر مردم فرو ریختند. به نقشه‌های زیر توجه کنید. همان‌طور که می‌بینید، پس از حمله‌ی هواپیماهای عراقی به بعضی از شهرهای کشور، هجوم زمینی ارتش این کشور نیز به سرزمین جمهوری اسلامی آغاز شد. این حملات سر آغاز جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس مردم ایران در مقابل دشمنان بود.



فعالیت ۱

با توجه به نقشه‌ی بالا چند شهر را که مورد هجوم زمینی ارتش عراق قرار گرفتند، نام ببرید.

فعالیت ۲

با کمک معلم و با استفاده از یک نقشه‌ی استان‌های کشور، استان‌های هم‌مرز عراق را پیدا کنید و بنویسید.

علت‌های حمله‌ی نظامی عراق به ایران

در سال‌های گذشته آموختید که انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. امام خمینی (ره) طی سال‌ها مردم را به مبارزه علیه حکومت استبدادی پهلوی دعوت و هدایت کردند.

امام (ره) همچنین شخصیتی ضد استعماری بودند. ایشان همواره به جلوگیری از نفوذ بیگانگان در این کشور و استقلال ایران تأکید می‌کردند و می‌گفتند مردم باید خودشان سرنوشت کشور را به دست بگیرند.

پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی به‌وجود آمد و مردم ایران سرنوشت خود را به‌دست گرفتند و کشورهای استعمارگر متوجه شدند که منافع آنها در ایران قطع شده است.

با تشکیل جمهوری اسلامی، ایران یاور مظلومان در جهان شد و از مبارزه‌ی مردم فلسطین حمایت کرد و همین موضوع برای دشمنان خوشایند نبود.

در اوایل پیروزی انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تازه شکل گرفته بود و ارتش و سپاه در حال مجهز شدن و نیرو گرفتن بودند و هنوز آمادگی کافی برای دفاع نداشتند. در همین زمان، صدام، حاکم ستمگر عراق از اوضاع سوء استفاده، و حمله‌ی نظامی را به ایران آغاز کرد.

اشغال خرمشهر

خرمشهر یکی از شهرهای زیبای جنوب غربی ایران و جزء بندرهای مهم بازرگانی در منطقه‌ی خلیج فارس به‌شمار می‌آید. این بندر در محل برخورد رود کارون و اروندرود قرار دارد. نزدیک‌ترین شهر به خرمشهر، آبادان است. ارتش عراق در هفته‌ی اول جنگ، بعضی از شهرهای مرزی ایران را اشغال کرد و در همدی شهرها با مقاومت سرسختانه‌ی مردم روبه‌رو شد.

وقتی جنگ آغاز شد، امام خمینی (ره) فرمودند:

من از ملت بزرگ ایران خواهم که در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باگ نداشته باشند. ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم. این (صدام) که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست.



عکس خرمشهر بعد از حمله‌ی نظامی



عکس خرمشهر قبل از حمله‌ی نظامی



یکی از رؤیاهای صدام و فرماندهان عراقی این بود که خوزستان را به تصرف خود دریاورند و مالک خرمشهر و اروندرود بشوند. مقاومت مردم قهرمان خرمشهر در مقابل هجوم ناگهانی دشمن به درازا کشید و آنها ۳۴ روز در حالی که بی‌لاچ و مهتات کمی برای دفاع داشتند در مقابل ارتش مجهز به توپ و تانک عراقی‌ها جنگیدند.



صحنه‌ایی از دفاع رزمندگان

۱۱۶

عنوان درس:

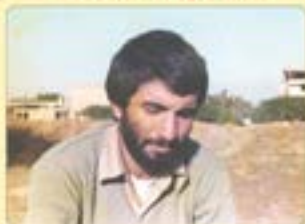
شماره صفحه: ۱۱۶



نماز مدافعان خرمشهر در حومه دزخوبین

مطالعه برای انجام فعالیت

زندگی‌نامه شهید محمد جهان‌آرا



شهید محمد جهان‌آرا در سال ۱۳۳۳ در خرمشهر به دنیا آمد. قبل از انقلاب او تحت تأثیر مبارزات امام با گروهی از دوستانش به فعالیت سیاسی علیه حکومت پهلوی پرداخت. حکومت شاه، او و دوستانش را دستگیر و به زندان محکوم کرد.

پس از گرفتن دیپلم در کشور شرکت کرد و وارد دانشگاه شد. وی پس از پیروزی انقلاب، فرماندهی سپاه خرمشهر را به عهده گرفت و همزمان جهاد سازندگی را در خرمشهر ایجاد کرد.

با شروع جنگ، او دوش به دوش مردم خرمشهر علیه دشمن جنگید. بعد از اشغال خرمشهر، جنگ وارد مرحله‌ای تازه‌ای شد. رزمندگان اسلام در اولین گام، محاصره‌ی آبادان را شکستند. این پیروزی مهتی بود. جهان‌آرا و تعدادی از فرماندهان برای گزارش این خبر به امام خمینی و انجام یک مأموریت راهی تهران شدند اما هواپیمای آنها در بین راه سقوط کرد و جهان‌آرا و همراهانش به شهادت رسیدند.

۱۱۷

در آن زمان، محمد جهان‌آرا فرماندهی سپاه پاسداران خرمشهر بود. او و دیگر یارانش شجاعانه در کنار مردم با نیروهای متجاوز جنگیدند. خاطره‌ی فداکاری‌های آنها هرگز از یاد مردم ایران نخواهد رفت.

سرانجام، پس از این همه مقاومت، دشمن با سربازان بیشتر و سلاح فراوان به پیشروی ادامه داد و خرمشهر سقوط کرد و به دست ارتش صدام افتاد. دشمن شهر را غارت کرد و مردم زیادی را به شهادت رساند. به همین دلیل این شهر را خونین‌ترین شهر نامیدند. پس از سقوط خرمشهر، ارتش صدام به قصد تصرف آبادان، این شهر را محاصره کرد.

پس از اشغال خرمشهر، صدام با موشک، توپ و هواپیما به شهرهای دیگر ایران حمله کرد. آشاد بسیاری از شهرها مردم مقاومت و از شهر دفاع کردند. یکی از مقاوم‌ترین شهرهای ایران در هشت سال دفاع مقدس، شهر دزفول بود. شهر دزفول بیشترین حملات هوایی را تحمل کرد. مردم دزفول آن چنان مقاومت و دلیری از خود نشان دادند که این شهر به عنوان نمونه‌ی مقاومت و پایداری ایران عزیز انتخاب شد.

عنوان درس:

شماره صفحه: ۱۱۷

فعالیت ۳

خرم شهر در کدام استان قرار دارد؟ روی نقشه موقعیت آن را نشان دهید.

فعالیت ۴

پیام امام خمینی (ره) را در آغاز جنگ تحمیلی بخوانید و بگویید معنی و مفهوم این پیام چه بود؟

فعالیت ۵

شعر معروف «ممد نبودی» را که به شهید جهان آرا اشاره می‌کند در کلاس پخش کنید و به‌طور دسته‌جمعی بخوانید.

فعالیت ۶

ابتدا روی یک برگه نمودار علت و معلول را رسم کنید؛ سپس علت‌های جنگ تحمیلی را به‌طور خلاصه روی آن بنویسید.



فعالیت ۷

در یک تقویم روز چهارم خرداد را پیدا کنید و بگویید چرا این روز به‌عنوان روز مقاومت و پایداری انتخاب شده است؟

خرمشهر در دامن میهن

آزادسازی خرمشهر



تصویر عملیات بیت المقدس



مسجد جامع پس از آزادسازی خرمشهر

۱۱۹

در جبهه‌ها، رزمندگان اسلام (ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج) به دعا و راز و نیاز با خدا مشغول بودند و سخت می‌جنگیدند. آنها آمادگی هرگونه فداکاری بودند. در سخت‌ترین شرایط به هم کمک می‌کردند و با یکدیگر مهربان بودند و به هم روحیه و امیدواری می‌دادند.

صدام پس از اشغال خرمشهر ده‌هزار تنک و ابزار جنگی و چندین لشکر را در مناطق اطراف شهر مستقر کرده بود و می‌خواست شهرهای دیگر خوزستان را تصرف کند و به حملات خود به شهرهای دیگر هم ادامه می‌داد.

در این زمان ارتش و سپاه با پشتیبانی مردم تقویت شدند. نیروهای مردمی که به آنها بسیج می‌گفتند به باری ارتش و سپاه آمدند. فرماندهان، نقشه‌ای را برای آزادسازی خرمشهر طراحی کردند.

سرانجام رزمندگان اسلام با همکاری خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش در عملیات بیت المقدس توانستند نیروی دشمن را در هم بشکنند. در آخرین مرحله، ارتش صدام با تلفات زیاد و شکست بزرگی رو به‌رو شد. رزمندگان ایرانی در حالی که از شوق گریه می‌کردند، پر خاک خرمشهر قدم گذاشتند و خود را به مسجد جامع رساندند؛ بدین ترتیب خرمشهر در سوم خردادماه ۱۳۶۱ از چنگال دشمن آزاد شد.



مردم ایران در جریان عملیات پساالقدس منتظر شنیدن اخبار جنگ بودند. ساعت ۹ بهادر شهر گویندی را زیر اعلام کرد: توطئه فرمایید، لشکرندگان عزیز توطئه فرمایید، خرمشهر، شهر خون آزاد شد! الله اکبر، الله اکبر.

مردم سراسر ایران با شنیدن این خبر به خیابان‌ها آمدند و به ندای بر داشتند. خیابان‌ها و از جمعیتی بود که انگش شوق و چشم داشتند.

امام خمینی (ره)
از آزادی خرمشهر به دست
رزمندگان اسلام، فرمودند:
خرمشهر را خدا آزاد کرد.

فعالیت ۱

برای بزرگداشت و شادی روح همی شهدای دفاع مقدس در کلاس فاتحه بخوانید.

فعالیت ۲

بمطور گروهی یکی از تحقیق‌های زیر را انتخاب کنید و انجام دهید:

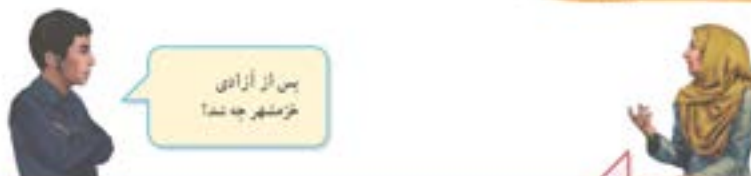
الف - درباره‌ی زندگی یکی از شهدای جنگ تحمیلی شهر، روستا یا محله‌ی خود تحقیق کنید و نتیجه را به کلاس بیاورید.

ب - درباره‌ی شهید بهنام محمدی که هنگام هجوم نیروهای عراقی به خرمشهر با آنها جنگید تحقیق کنید. شما می‌توانید با کمک معلم از مجموعه کتاب‌هایی که در این باره برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است یا پایگاه اینترنتی شیکمی رشد، دانشنامه‌ی رشد استفاده کنید.



➤ دانش‌آموز شهید بهنام محمدی

هشت سال دفاع مقدّس



پس از آزادی خرمشهر حکومت صدام سعی کرد با گرفتن کمک‌های مالی و اسلحه از کشورهای قدرتمند قوای خود را تقویت کند و همچنان به هجوم خود ادامه بدهد. رزمندگان شجاع میهن ما در عملیات‌های متعدّد، بخش‌های دیگری از مناطق اشغال شده‌ی کشورمان را از دشمن بازپس گرفتند و آن‌گاه در سال ۱۳۶۷ ایران آمادگی خود را برای پذیرش قطعنامه‌ی صلح اعلام کرد و جنگ هشت ساله به پایان رسید.

در هشت سال دفاع مقدّس مردم ایران اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک میهن در اشغال تجاوزگران باقی بماند.

در مقابل هجوم دشمن به کشور ما، همه‌ی ملت ایران از اقوام و گروه‌های مختلف، زن و مرد و پیر و جوان ایستادگی و از میهن دفاع کردند. آن عده از مردم هم که نمی‌توانستند در جبهه‌های جنگ شرکت کنند با روش‌های دیگر به رزمندگان کمک می‌کردند.

برای بازپس گرفتن مناطق اشغال شده‌ی ایران هزاران نفر از مردم شجاع کشور ما شهید شدند و خانواده‌ها مشکلات زیادی را تحمل کردند تا استقلال میهن اسلامی حفظ شود.



کمک‌های مردمی در پشت جبهه‌ها

فعالیت ۳

چرا امام خمینی (ره) پس از فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

فعالیت ۴

اگر شما در زمان جنگ تحمیلی به دنیا آمده بودید و با حمله دشمن به خاک ایران روبه‌رو می‌شدید چه کارهایی می‌کردید؟

فعالیت ۵

کاربرگ‌های شماره‌ی ۲۸ (خط زمان دفاع مقدس) را کامل کنید.

فعالیت ۶

از عکس‌های (۱) و (۲) صفحه‌ی قبل چه می‌فهمید؟

اکنون که این فصل را به پایان رساندید، روی یک برگ کاغذ بنویسید.
درباره‌ی دفاع مقدس چه سؤال‌های دیگری دارید؟



عنوان درس:

شماره صفحه: پشت جلد